

غیریزه جنسی بایدها و نبایدها

چیستی غریزه

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف غریزه و دیدگاه‌های مختلف در این رابطه؛
۲. وجود غراییز چه اهمیتی در رسیدن انسان به هدفش دارد؟
۳. فطرت با طبیعت و غریزه چه تفاوت‌هایی دارند؟
۴. انسان با حیوان و جمادات در خواسته‌ها چه تفاوت‌هایی دارد؟

* تعریف غریزه

لغوی:

۱. (غ ر ز) غریزه: سرشت، ذات^۱
۲. استعداد فطری انجام‌دادن کارهای معین به صورت ذاتی؛ مانند لانه‌ساختن پرندگان، عسل‌گذاشتن زنبورهای عسل و

۱. فرهنگ معین.

اصطلاحی:

دو تعریف در اینجا ارائه می شود:

۱. «غريزه» گرایش‌های مشترک انسان و حیوان را می‌نامند. غريزه نوعی ویژگی درونی است که حیوان را برای ادامه زندگی و حفظ خود از خطرات هدایت می‌کند و او را آماده می‌سازد تا در شرایط ویژه به شیوه‌ای خاص عمل کند.
۲. «غريزه» عبارت است از یک نیروی کشنده درونی در موجودات که آنها را به هدف و مقصدی هدایت می‌کند و غريزه جنسی مثل سایر گرایز از همین قانون پیروی می‌کند و میل به آن در نهاد انسان و حیوانات نیز قرار داده شده است.^۱

غريزه در حيوانات و انسان‌ها

۱. حيوانات نسبت به گرایشات غريزی خود آگاهی حضوری دارند؛ ولی نسبت به اين آگاهی خود آگاه نیستند؛ در نتیجه فعالیت آنان نیز فعالیتی نیمه آگاهانه است؛ ولی انسان به آگاهی خویش از میل غريزی آگاه است.
۲. هیچ حیوانی در پاسخ‌گویی به ندای درونی خود تأمل نمی‌کند و فقط قوه ارزیابی او به حدی است که برخی از موارد تراحم میان نداها را برطرف کند؛ مثلاً میل به غذا در حیوان برای ادامه حیات و درک لذتی خاص است، اگر حیوان پاسخ‌گویی به ندای درونی برای خوردن غذا را همراه با خطری که بقای او را تهدید می‌کند بیند، از خطر می‌گریزد.
۳. انسان هرچه در پاسخ‌گویی به ندای درونی ناآگاهانه‌تر عمل کند و تصمیم به انجام فعل را با سنجشی عاقلانه انجام ندهد، رفتار او به رفتار حیوان نزدیک‌تر است و او را به حیوانیت نزدیک‌تر می‌نماید، بلکه از او بدتر می‌نماید: «کالاعتمام بِلْ هُمْ أَضَلّ».^۲

نمونه‌ای از غرایز حیوانات

- * آیا می‌دانید جانوران گیاه‌خوار، گیاهان سمی را نمی‌خورند؟ (با اینکه گیاهان سمی را هم کسی به آنها نشان نداده است).
- * آیا می‌دانید حیوانات داروی درد خود را می‌شناسند و آن را پیدا کرده و می‌خورند؟ (در حالی که گیاهان شفابخش را هم نزد آموزگاری نیاموخته‌اند).

مثال:

۱. گوزن‌ها هنگام زخمی‌شدن برای تسکین درد، تن خود را به علفی به نام مبارک

1. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق
2. اعتراف: ۱۷۹

می‌مالند که خاصیت ضد درد و تسکین‌دهنده همراه با خاصیت ضد عفونی‌کننده دارد که امروزه متخصصان علم پزشکی و گیاه درمانی به آن پی برده‌اند.

۲. گربه‌ها هنگام مسمومیت، از گیاه مرغ (گیاه و سبزه‌ای که معمولاً اطراف باعچه‌ها و جوی‌ها پیدا می‌شود)، استفاده می‌کنند و خاصیت قی‌آور دارد و غذای مسموم را بر می‌گردانند.^۱

۳. حیواناتی مانند آهو و گوزن هنگام جراحت، محل‌های پر از خزه و گل سنگ را برای استراحت انتخاب می‌کنند. خزه و گل سنگ افزون بر لطافت خاص، در بردارنده موادی با تأثیر آنتی بیوتیک هستند.

۴. نوعی موش صحرایی زخم‌های خون‌آلود خود را با صمغ کاج آغشته می‌کند. صمغ کاج خاصیت پیش‌گیری از زخم و تسریع درمان دارد.

۵. سگ‌های دریایی نیز در مناطق جنگلی شنا می‌کنند. آنها جلبک‌ها را می‌جونند و در آب‌های آغشته به جلبک شنا می‌کنند طوری که زخم‌ها پانسمان شود. جلبک‌ها در کنار خاصیت ضد قارچ و آنتی بیوتیک، کار انعقاد خون را نیز به عهده دارند.

* آیا می‌دانید پاره‌ای از جانوران، خطرهای آینده را پیش‌بینی می‌کنند و خود را از آنها محفوظ می‌دارند؟ (و نشانه‌های خطرهای آینده را هم در کتابی نخوانده‌اند).

مثال قرآنی:

در داستان عبور حضرت سلیمان و سپاهیانش؛ مورچه‌ای گفت:

«ای مورچگان! به خانه‌های خود وارد شوید تا سلیمان و سپاهیانش ندانسته شما را پاییمال نکنند».^۲ این آیه آشکارا نشان می‌دهد که مورچه، سلیمان و سپاهیانش را می‌شناسند و هر شناختی مسبوق به اندیشه و ادراک است؛ یعنی خطر را می‌داند و از آن دوری می‌کند.

* آیا می‌دانید که حیوانات دشمنان خود را می‌شناسند؟ (با آنکه دشمن را هیچ وقت ندیده‌اند و کسی برای آنها، دشمن را معرفی نکرده است).^۲

مثال:

حیواناتی مانند بز کوهی و آهو به محض دیدن درندگانی همچون گرگ پا به فرار گذاشته و خداوند به این دو حیوان سمهایی داده است که فرار و بالارفتن از سنگ‌ها و نقاط هموار را آسان گردانده است.

۱. تالارهای گفتگو درباره گیاه درمانی، www.novindiet.net
۲. نمل: ۱۸.

همان طور که امام صادق علیه السلام در توحید مفضل می فرمایند:
ای مفضل بنگر که خدا... برای برخی از آنها سمهایی آفریده که از سختی و
ناهمواری چراگاهها آزار نییند ...

همچنین تأمل کن که چگونه در گوشت خواران، دندان‌هایی تیز، پنجه‌ها
و چنگال‌هایی قوی و تیز و دهان‌هایی با فضای گشاده و بزرگ آفریده شده
است.

از آنجا که تقدیر و حکمت اقتضا نموده که غذای این حیوانات از گوشت
باشد، به گونه‌ای آفریده شده‌اند که مناسب این هدف باشد؛ در نتیجه این
حیوانات با داشتن سلاح و ابزار مناسب شکار یاری شده‌اند. پrndگان شکاری
و درنده نیز دارای نوک‌ها و چنگال‌های مناسب شکار هستند... آیا نمی‌نگری
که برای هر دسته از این دو دسته چیزهایی آفریده شده که با آن صنف و طبقه
می‌سازد و مناسب و مایه بقا و مصلحت آن است؟^۱

مثالی دیگر

مار دشمن دیرینه انسان و حیوانات است؛ بنابراین در مارگزیدگی انسان‌ها و حیوانات
تقریباً به یک شیوه عمل می‌کنند، گرگ‌ها بعد از مار گزیدگی نوعی علوفه به نام علمی
Calla Palustris می‌جونند، در طب عصاره ریشه این گیاه برای درمان زخم مارگزیدگی
تهیه و تجویز می‌شود.^۲

و چه زیبا مولانا این شعر را سروده است:
گر تو را از غیب، چشمی باز شد
با تو ذرات جهان همراز شد
هست محسوس حواس اهل دل
با تو می‌گویند روزان و شبان
با شما نامحرمان ما خاموشیم
نطق آب و نطق خاک و نطق گل
جمله ذرات عالم در نهان
ما سمیعیم و بصیر و باهوشیم

داستانی کوتاه

روزی مدیر یک باغ وحش در هندوستان متوجه ببری شد که دچار جراحت شده
است. او مشاهده کرد حیوان با پنجه روی زخم خود را مالید و زخم وضعیتی بدتر از قبل
پیدا کرد. بلاfacسله بعد از این اتفاق حیوان به سوی چاله پر آبی در آن نزدیکی رفت و
مرتبًا خاک و آب را در دهان مخلوط کرده و پس از جویدن آن را روی زمین می‌ریخت،

۱. شگفتی‌های آفرینش؛ ترجمه توحید مفضل؛ ص ۹۰.
۲. اطلاعات پژوهشی: بخش مار گزیدگی.

سپس روی این خمیر دراز کشیده و زخم خود را با آن پوشاند. بسیاری از حیوانات به طور غریزی به درمان خود می‌پردازند. به طور مثال خاک رس می‌تواند مواد سمی و مضر را به خود جذب کند. به همین دلیل انسان از زمان‌های دیرینه از خاک رس به عنوان داروی طبیعی بیماری‌های داخلی و خارجی استفاده کرده است. اولین اقدام غریزی حیوان به منظور شروع درمان، لیسیدن زخم است تا آن را پاکیزه کند و از دسترس حشرات دور نگاه دارد. افزون بر آن براق دهان خاصیت ضد عفونی‌کننده نیز دارد. حیواناتی که با زبان نتوانند محل زخم را بلیستند، با پشت پنجه، براق را روی زخم منتقل می‌کنند. در دندان‌پزشکی از ژل Alginat که از نوعی جلبک به دست می‌آید برای پانسمان دهان و دندان استفاده می‌شود. حیوانات همچنین قادر هستند بیماری‌های داخلی خود را درمان کنند.^۱

مهم‌ترین غرایز در وجود بشر

بی‌شک در وجود همه انسان‌ها غریزه‌هایی وجود دارد که تمام حرکت‌ها و فعالیت‌های درونی و برونوی وی از آن برخاسته و متأثر می‌گردد.

مهم‌ترین این غرایز عبارتند از:

حس کنجکاوی، حس حق‌جویی، حس شناخت و خداخواهی، حس ماورایی و کمال‌طلبی، حس زیبایی، حس عدالت‌خواهی، حس فدایکاری و ایثار، حس سودجویی، حس خودخواهی، حب نفس، حب بقا، حب شخصیت، حب مال و ثروت، حب جاه، مقام، شهوت، غضب و... و به طور مثال یکی از غرایز انسان حب نفس است، این غریزه سبب بسیاری از فعالیت‌های انسانی است که چون علاقه به زندگی دارد و می‌خواهد بماند، برای رسیدن به این هدف هرچه می‌تواند کوشش می‌کند. غریزه حب نفس است که هنگام مواجه شدن با خطری از ناحیه دشمن، انسان را وامی دارد که با تمام نیرو و توان به دفاع از خود برجیزد؛ بنابراین وجود غرایز در انسان منشأ عمل و محرك او است.^۲

فطرت و غریزه (مشترکات و تفاوت‌ها)

مشترکات

غریزه و فطرت، ذاتیات و اقتضاهای آفرینشی را دلالت دارند و در این جهت مشترکند که اکتسابی نیستند؛ اما کاربرد آنها متفاوت است.

۱. www.hasht.com

۲. مقاله آیت‌الله مهدوی کنی، فارس نیوز: http://rcirib.ir/eslahe_olgoe_masraf/naghed

تفاوت‌ها

۱. طبیعت در مورد خواصِ ذاتی و چگونگی آفرینش همه مخلوقات و پدیده‌های عالم امکان به کار می‌رود و دست‌کم تمام مادیات را دربرمی‌گیرد و حیثیت عمومی و مشترک آن با موجودات دیگر را دلالت می‌کند؛ اما غریزه، اقتضاهای ذاتی و گرایش‌های حیوانی را دربرگرفته، خصوصیات مشترک بین انسان و حیوان را دربر می‌گیرد؛ مانند غریزه شیرخوارگی، به دنبال لذت جسمانی و مادی‌بودن و ...؛ در حالی که فطرت، حالت فراحیوانی و ویژه انسان است.
۲. فطرت فقط ویژگی خدادادی انسان را به این لحاظ که انسان است، دربرمی‌گیرد و بر جاذبه‌ها و ذاتیات غیر انسانی دلالت نمی‌کند؛ بدین سبب بسیاری از فطريات جنبه ارزشی و معنوی دارند نه مادی.
۳. انسان در بسیاری از غراییز تنوع طلب است؛ مثل خوردن و آشامیدن و در غریزه جنسی نیز همین‌طور است؛ زیرا در جهان حیوانات اعمال غریزه جنسی اوقات خاصی دارد، سالی یک مرتبه، شش ماهی یک بار و امثال آن و پس از عمل بارورسازی از همديگر جدا شده، یا نهایتاً تا زمان احتیاج، به مراقبت از فرزندان خود ادامه دارد و اين جدائی به میل خود حیوان نیست، بلکه حاکی از نبود میل جنسی است.
در حالی که در انسان کاملاً متفاوت است؛ زیرا انبوهی از نیازهای جنسی(جسمی) و روحی انسان در سایه ایجاد و تقویت آن پدید می‌آید و این غریزه اگرچه از جنبه جسمی در انسان هم تقریباً محدود است؛ ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی که در این ناحیه به وجود می‌آید، میل او سیری‌ناپذیر است.
۴. غریزه جنسی توانمند، عمیق و دریافت است و هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود؛ همچون آتشی که هرچه بیشتر به آن خوراک دهند، شعله‌ورتر می‌شود و دلیل نیرومندی آن به دلیل لذت اشباع آن است که اگر ادامه و استمرار پیدا کند، به صورت پرقدرت‌ترین لذت درآمده و انسان در مقابل آن احساس ضعف کرده و کاملاً تسلیم خواسته‌های آن می‌شود، بر همین اساس برخی از مفسرین قرآن کریم در تفسیر آیه شریفه «وَخُلِقَ الْأَنْسَانُ ضَعِيفًا»^۱ ضعف را به قدرت‌نداشتن و توانایی انسان در برابر امیال جنسی تفسیر کرده‌اند.^۲

۱. نساء: ۲۸.

۲. فرهنگ جوان؛ ص ۳۹۸.

۴. در انسان جنس مؤنث(زن) فقط برای باروری و ارضای میل شهوانی جنس مخالف نیست، بلکه بسیار بالاتر از این انگیزه است؛ زیرا در زندگی مشترک مایه آرامش مرد است و خداوند بین آنها مودت، مهریانی و عشق به یکدیگر قرارداده،^۱ عشقی پاک همراه با کامل‌نمودن همدیگر که همواره گفته‌اند: در کنار افتخارات مردان بزرگ، همسرانی توانا و بربار حضور داشته‌اند.

تفاوت انسان با حیوان و جمادات در خواسته‌ها

انسان یک سلسله توانایی‌ها دارد که سایر جانداران ندارند:

۱. اینکه در انسان یک سلسله میل‌ها و جاذبه‌های معنوی وجود دارد که در سایر جاندارها وجود ندارد.

۲. به نیروی عقل و اراده مجهر است، قادر است در مقابل میل‌ها، مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همه میل‌ها حکومت کند.

۳. در حیوان قدرت مقاومت و ایستادگی در مقابل میل درونی خود و همچنین قدرت محاسبه و اندیشه وجود ندارد؛ اما انسان چنین نیست. انسان قادر است و توانایی دارد که در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند که از آن به اراده تعبیر می‌شود. اراده به نوبه خود تحت فرمان عقل است؛ یعنی عقل تشخیص می‌دهد و اراده انجام می‌دهد.^۲

۴. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های اساسی بین انسان و حیوانات این است که تمایلات بشری، برخلاف تمایلات حیوانی نامحدود است و اقناع کامل آنها میسر نیست.

۵. میل به قدرت طلبی در وجود بشر سیری ناپذیر است و فقط موقعی اشباع می‌شود که به مقامی در خواسته‌هایش می‌رسد که در آن ارتباط کامل خود را با آفریدگار می‌یابد و خود را متعلق و مرتبط به او می‌بیند و در برابر او برای خود هیچ نوع استقلال و استغنای نمی‌بیند.

ملاک امتیاز و ارزش‌های انسان بر دیگر موجودات

۱. انسان خلیفه خدا در زمین است:

«روزی که خداوند خواست او را بیافریند، اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد؛ آنها گفتند: آیا موجودی می‌آفرینی که در زمین تباہی خواهد کرد و خون خواهد ریخت؟ او فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».^۳

۱. روم: ۲۱.

۲. شهید مطهری؛ انسان در قرآن؛ ص ۲۵-۲۶.

۳. بقرة: ۳۰.

و در جای دیگر فرمود:

«اوست که شما انسان‌ها را جانشین‌های خود در زمین قرار داده تا شما را در مورد سرمایه‌هایی که داده است، در معرض آزمایش قرار دهد».^۱

۲. ظرفیت علمی انسان بزرگ‌ترین ظرفیت‌هایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد:

«تمام اسماء را به آدم آموخت [او را به همه حقایق آشنا ساخت]، آن‌گاه از فرشتگان [موجودات ملکوتی] پرسید: نام‌های اینها را بگویید چیست؟ گفتند:

ما جز آنچه تو مستقیماً به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم [آنچه را تو مستقیماً به ما نیاموخته باشی ما از راه کسب نتوانیم آموخت]. خدا به آدم گفت: ای آدم! تو به اینها بیاموز و اینها را آگاهی ده. همین که آدم فرشتگان را آموزش و آگاهی داد، خدا به فرشتگان فرمود:

نگفتم که من از نهان‌های آسمان‌ها و زمین آگاهم [می‌دانم چیزی را که حتماً نمی‌دانید] و هم می‌دانم آنچه را شما اظهار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دارید».^۲

۳. او فطرتی خدا آشنا دارد، به خدای خویش در عمق وجودان خویش آگاهی دارد. همه انکارها و تردیدها، بیماری‌ها و انحراف‌هایی است از سرشت اصلی انسان:

«هنوز که فرزندان آدم در پشت پدران خویش بوده [و هستند و خواهند بود] خداوند [با زیان آفرینش] آنها را بر وجود خودش گواه گرفت و آنها گواهی دادند».^۳

«چهره خود را به سوی دین نگه‌دار، همان که سرشت خدایی است و همه مردم را بر آن سرشه است».^۴

۴. در سرشت انسان افزون بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی وجود دارد. انسان ترکیبی است از طبیعت و ماوراء طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان.

۵. آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است و تصادفی نیست.^۵

در چه زمانی انسان، ولقا انسان می‌شود؟

هنگامی انسان حقیقتاً و بالفعل انسان می‌شود، پا از مرتبه حیوانات فراتر می‌نهد و مسجد ملائک می‌شود که در راه تقرب به سوی پروردگار قدم بردارد. در این مرتبه است

۱. انعام: ۱۶۵.

۲. بقره: ۳۳ - ۳۱.

۳. اعراف: ۱۷۲.

۴. روم: ۳۰.

۵. شهید مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۲۶۷.

که می‌تواند بالاترین درجه محبت را به والاترین محبوبها پیدا کند و به نهایت قرب و وصول و ارتباط حقیقی به او نایل شود، (در جایگاهی راستین نزد سلطانی قدرتمند).^۱

در چه زمانی انسان حیوان هی شود؟

پا به طور کلی سقوط کرده و در شمار حیوانات و یا پستتر از آنها «کالاًّنعمَّامَ بِلْ هُمْ أَضَلُّ سَبَيْلاً»^۲ در آمده است، در صورتی که این استعداد را با سوء اختیار خویش از دست داده باشد.

بدترین جانداران در قرآن

۱. به تحقیق بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کافر شدن، پس ایشان ایمان نمی‌آورند.^۳

۲. به تحقیق بدترین جنبندگان نزد خدا کر و لالهایی هستند که تعقل و تفکر نمی‌نمایند.^۴

امتیاز هوش و دعوت به تفکر

قرآن کریم پیوسته و با تأکید فراوان انسان را به تفکر دعوت می‌کند. آیات قرآنی با واژه‌های گوناگونی از قبیل «تفکر، نهی، تففه، شعور، بصیرت، درایت، ذکر، تدبیر و مانند آن»، از تعقل ستایش کرده و آن را مورد تأکید و تشویق قرار داده است. دعوت به تفکر در سراسر قرآن هست و به تعبیر علامه طباطبایی، «شاید بیش از سیصد مورد به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است».

قرآن مجید از یک سو صاحبان اندیشه و متفکران را ستوده و از سوی دیگر مقام کسی را که از عقل و تفکر خود استفاده نمی‌کند، تا حد حیوان تنزل داده است که در آیات قبلی درباره آن صحبت شد.

حقیقتاً نابخرد و نادان واقعی کسی است که در زمینه حق، ناشنوایی و گنگ باشد و آن که حق را نگوید و نشنود، انسان نیست، حیوان (دواب) است.

افزون بر این در آیات فراوانی انسان‌ها را به دلیل اینکه نمی‌اندیشند و به تفکر نمی‌پردازنند، سرزنش و ملامت می‌کند:

«أَفَلَا تَتَقَلَّوْنَ»: چرا اندیشه نمی‌کنید؟

۱. خودشناسی برای خودسازی؛ ص ۴۵، «فِي مَعْدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّفْتَدِرٍ» (قمر: آیه ۵۵).

۲. فرقان: ۴۴.

۳. افال: ۵۵.

۴. همان: ۲۲.

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ»: چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟

«أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ»: آیا اندیشه نمی‌کنید؟

«أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»: آیا متذکر نمی‌شوید؟

از سوی دیگر خداوند متعال در هیچ موردی انسان‌ها را به بندگی کورکورانه فرمان نداده، بلکه تقليد را در اصول دین و بهویژه در توحید را ممنوع کرده است و تحقیق قبل از پذیرش را الزام کرده است. در آیات متعدد همچنین مردم از پذیرش بی‌چون و چرا و بی‌اندیشه منع شده‌اند، آنجا که می‌فرماید:

«وَچُونْ بِهِ آنَّهَا كَفْتَهُ شُودَ اَزْ حَكْمِ كَتَابِيِّ كَهْ خَدَا فَرْسَتَادَ وَ اَزْ دَسْتُورِ رَسُولِ اوْ پَيْروِيِّ كَنْبِدَ، گُوييند: آن ديني که پدران خود را برابر آن یافتييم ما را كفايت است. آیا باید از پدران خود در صورتی که آنها مردم جاهلي بوده و به حق راه نياfته باشند، باز پيروی کنند».۱

فواید وجود غرایز در موجودات

موجودات زنده اين عالم از سه ويزگي مشترك برخوردارند:

۱. تغذيه؛
۲. توليد مثل؛
۳. مکانizم دفاعي که به وسیله آن خطرها دفع می‌گردد.

انسان چگونه لازم‌غرایز بهره می‌برد؟

شكل زندگی حيوانات ثابت است و چندان تغيير و تحولی در آن پدید نمی‌آيد؛ مثلاً زنبور عسل در هزاران سال پيش چنان زندگی می‌كرده است که اکنون زندگی می‌کند؛ اما انسان به دليل برخورداربودن از فکر، تعقل، ابتکار و خلاقيت دائمًا زندگي خويش را متحول می‌سازد. مثلاً فرم و نوع خانه‌سازی در ايران امروز، بسيار مختلف با هزار سال پيش است. همچنین تهيه غذا و نيز رفتارهای اجتماعی انسان‌ها دائمًا در حال تغيير و تحول است.

در ارتباط با مکانizم‌های دفاعي، برخى از حيوانات با شاخ از خود دفاع می‌کنند و برخى با چنگال و دندان و برخى با منقار. مکانizم دفاعي برخى از حيوانات نيز استثار و مخفى شدن از دشمن است؛ اما انسان با اينکه به لحاظ طبيعى از خيلي حيوانات ضعيف تر است، با اتكا به نيروى فكر و عقلش می‌تواند حيوانات را تسخير کند و بر آنها چيره گردد. همین انسان شير را اسir و در قفس آهنيں قرار می‌دهد و در باع وحش از آن و ساير

۱. مائدہ: ۱۰۴

حیوانات درنده نگهداری می‌کند. گذشته از آنچه گفتیم انسان تفاوت‌های دیگری نیز با حیوانات دارد که همه ناشی از قدرت فکر و تعقل اوست.^۱

آنچه در انسان وجود دارد

انسان دارای یک سری گرایش‌های فطری است که با روح او در ارتباط هستند و منشأ رفع نیازهای روحی او می‌شوند.

۱. حقیقت جویی

هر انسانی کم و بیش در خود میل به شناختن را احساس می‌کند. انسان در رویارویی با محیط افراد خود خواستار شناخت چیزهایی است که با آنها رابطه دارد. میل به دانستن نخست در سطحی ابتدایی مطرح می‌شود و عموماً در قلمرو محسوسات است. انسان در دوره کودکی تمایل دارد چیزهایی را که حواس ظاهری او را تحریک می‌کنند، بیازماید و به تدریج تصویری از تجارت حسی خود را در ذهن ذخیره سازد.

اثر دیگر تمایل به حقیقت جویی، فراهم‌آوردن امکانات تصرف در جهان است که تأمین نیازهای انسان به آن وابسته است.

با توجه به این دو اثر مهم می‌توان گفت: تبعیت از این گرایش (حقیقت جویی) همانند خود گرایش حقیقت جویی، امری طبیعی است؛ زیرا انسان نباید از شناخت مقصد حیات خویش چشم‌پوشی کند و نمی‌تواند به شناخت‌های لازم برای تأمین نیاز خود بی‌اعتنایی کند.

۲. گرایش به زیبایی

همه انسان‌ها به زیبایی گرایش دارند، همه انسان‌ها چیزهایی را زیبا می‌دانند و در مواردی زیبابودن یک چیز مورد اجماع آنهاست و یا حداقل مقبولیت گسترده‌ای دارد. زیبایی منظره طلوع آفتاب را شاید هیچ‌کس منکر نباشد. زیبایی‌ها حواس ظاهری ما و قوه خیال و عقل ما را می‌نوازد و احساس خوشایند را در ما پدید می‌آورند. این احساس خوشایند را همه انسان‌ها تجربه کرده‌اند و هرکس با رجوع به خویشن می‌تواند احساس‌های خوشایندی را به خاطر آورد که در اثر درک زیبایی چیزها پدید آمده است که نفس زیبایی دوستی، امری فطری است.

مثال قرآنی (زیبایی آتش)

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: موسی علیه السلام زمانی که در خانه فرعون بود، یک روز عطسه ۱. سخنرانی آیت‌الله مصباح در جمع دیبران: www.mesbahyazdi.org

کرد و گفت «الحمد لله رب العالمين» فرعون بدش آمد و سیلی به صورت آن حضرت زد و گفت: این چه حرفی بود زدی؟

موسی ﷺ در حالی که در دامان فرعون بود، ریش فرعون را گرفت و کشید و گوهرهایی که بر ریش های او بسته شده بود، کنده شدند و بر زمین ریخت. او تصمیم گرفت موسی را بکشد، پس همسرش آسیه گفت: این پسر کوچک نمی‌داند چه می‌گویید. فرعون گفت: خیر، می‌داند. آسیه گفت: مقداری خرمای قرمز و قدری آتش در مقابل خود بگذار، اگر آن دو را از یکدیگر تمیز داد، حق با شماست.

فرعون به همان پیشنهاد عمل کرد و به موسی گفت: بخور. موسی دستش را به طرف خرمای قرمز دراز کرد، پس جبرئیل دستش را به طرف آتش برگرداند [تا به غریزه کودکی و زیبایی آتش در نظر کودک عمل کند] و حضرت آتش را در دهان گذارد و زبانش سوخت و فریاد زد و گریه کرد؛ پس آسیه به فرعون گفت: نگفتم این بچه است و عقل کاملی ندارد؟ پس فرعون او را عفو کرد و گفته‌اند: لکنت زبان یا کنده زبان حضرت موسی در اثر آن سوختن بود!

۳. گرایش اخلاقی

همه انسان‌ها از مواجهه با برخی اعمال در خود احساسی ناخوشایند می‌یابند و فاعل آن عمل را نکوهش می‌کنند و در برخورد با اعمالی دیگر احساسی خوشایند دارند و در اثر این احساس خوشایند فاعل آن عمل را می‌ستایند. آنچه موجب ستودهشدن یک عمل است، «خوبی» و آنچه باعث نکوهیده‌دانستن یک عمل است، «بدی» خوانده می‌شود. برخی از اعمال را همه انسان‌ها خوب می‌شمارند و برخی را هم بد می‌انگارند. این فطرت ماست که ما را به خوش‌اخلاقی مایل و از بداخل‌الاقی گریزان می‌کند.

۴. گرایش به خلق و ابداع

یکی از چیزهایی که در انسان نوعی احساس لذت پدید می‌آورد، آفرینش است. کسی که یک اثر هنری پدید می‌آورد، از عمل خود خرسند می‌شود. این خرسنده‌گاه ناشی از فواید و منافعی است که اثر برای خالق آن در پی دارد؛ ولی در موارد زیادی هم حتی اگر کسی هنرمند را نبیند و هیچ منفعت مادی و یا شهرتی را برای او پدید نیاورد، او به اثر خوبیش با خرسنده‌گاه نگرد و از اینکه چنین اثری خلق کرده است، خشنود است. حتی

۱. شیخ طوسی؛ تبیان؛ ج ۷، ص ۱۵۰.

کودکی که با اسباب‌بازی‌های خود و سایلی را می‌سازد، از اینکه فکر می‌کند چیزی را خلق کرده، خشنود می‌شود. این احساس خوشایند را هر انسانی تجربه کرده است و همه انسان‌ها دوست دارند که چنین احساسی را در خود پدید آورند؛ یعنی مایلند که چیزی را خلق کنند تا دوباره از احساس لذت ناشی از خلق و ابداع بهره‌مند شوند.

مثال:

انسان‌های اولیه در ابتدا با دست شکار می‌کردند، این کار سخت و گاهی موجب مرگ آنها می‌شد. بعد از آن دانستند با سنگ و چوب می‌توانند بهتر شکار کنند، پس از آن سنگی را با لیف‌ها (طناب‌های گیاهی) به چوب می‌بستند و برای شکار و دفاع از خود استفاده می‌کردند.

۵. گرایش به آزادی اعمال اراده

انسان به طور فطری مایل است در همه مواردی که اراده کرد، قادر به عملی ساختن آن مورد باشد. این گرایش در انسان مسبوق به آگاهی از اراده و اختیار خویش است. آگاهی انسان نسبت به مرید و مختار بودنش، از جمله آگاهی‌هایی است که به وسیله خودشناسی درون‌نگرانه تحصیل می‌شود. بحث درباره اراده را در آینده مطرح می‌کنیم؛ اما اینکه به گرایشی از گرایش‌های فطری انسان می‌پردازیم که فقط با وجود اراده و اختیار در انسان امکان‌پذیر است.

انسان با شناخت گرایش‌های فطری خود و توانایی‌هایی که آن گرایش‌ها را فعلیت می‌بخشد، به خوبی در می‌یابد که همه این گرایش‌ها و توانایی‌ها، جلوه‌هایی از یک وجود واحد به نام «خود» است، البته به شرطی که از حد خود تجاوز نکند؟ چرا تجاوز از حدود او را به جایگاه جهنم می‌برد.^۱

فطرت

ویژگی‌های امور فطری

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ویژگی‌های فطرت و امور متعلق به فطرت را چنین بر شمرد:

۱. همگانی و فراگیری

فطریات چون به سرشت و آفرینش انسان مستندند، همه افراد را بدون استثنای در

۱. لغت نامه دهخدا؛ ذیل کلمه غریزه.

برمی‌گیرد؛ گرچه تحت تأثیر اوضاع مختلف و عوامل بیرونی، میزان آن در افراد، شدت و ضعف خواهد داشت.

۲. فراحیوانی و ارزشی‌بودن

چنان‌که گفته شد فطرت به انسان اختصاص دارد و دارای جنبه فراحیوانی است؛ بدین لحاظ فطريات همگي خير و از فضail انسان شمرده می‌شوند. هيچ‌يک از شرور ريشه فطري ندارد و اعمال زشت و ناپسند انسانها را نمی‌توان به حساب فطرت و سرشت انساني گذاشت. حتی بدترین و ظالمانه‌ترین انسانها به حسب آفريشن، عدالت و احسان و زيبايي را دوست دارند و ظلم و تعدى را زشت می‌شمارند؛ گرچه در عمل به آن پايبيند نبوده، به سبب منفعت طلبي و تحت تأثیر غرایيز و نفسانيات، جهت‌گيري خود را بر خلاف فطرت انسانی قرا دهنده.

۳. غيراكتسيابي

فطريات همگي محصول علم حضوري است و اساس آنها به تعليم و تعلم نياز ندارد؛ گرچه هدایت و رشد و شکوفايي آن به راهنمائي و هادي نيازمند است؛ چنان‌که بى توجهى و غفلت يا تغافل از امور فطري باعث خمود فطرت می‌شود.

۴. تغيير و تحول ناپذيرى

اصل امور فطري در همه زمانها و مکانها و در همه انسانها وجود دارد و دگرگونی‌های اجتماعی، علمی و سياسی، فطرت انسان و سرشت او را دست خوش تغيير و تحول و آنها را تعويض نمی‌کند؛ چنان‌که قرآن فرمود: «لا تَبْدِيلَ لِخَالِقِ اللَّهِ».^۱

۵. تجربه‌شدنی

هر انسانی با رجوع به وجدان و سرشت خویش می‌تواند امور فطري؛ مانند حقیقت جویی، میل به صداقت و راستی و انزجار از دروغ و زشتی را درک کند و آن را بیابد.^۲

سؤال:

فرق بين عادت و فطرت در چيست؟

جواب:

عادت به کرداری گفته می‌شود که انسان آنها را از جامعه و محیط گرفته و با تکرار و

۱. روم: ۳۰.

۲. شهيد مطهری؛ انسان و ايمان مقدمه‌ای بر جهان بينی اسلامی؛ ص. ۹.

به تدریج در انسان استقرار می‌یابد؛ ولی فطرت در موردی گفته می‌شود که انسان با آنها سروشته شده است و جزء ساختار انسان از ابتدای آفرینش بوده است.^۱ چنانچه این آیه قرآن دلالت دارد:

فطرت در کلام الهی

«فَطَرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲: فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

نکته‌ها

در آیات قبل خواندیم که همه هستی در برابر خدا فروتن است: «كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ»^۳ و آغاز و انجام هستی و مثل اعلی و عزّت و حکمت از اوست و شرک چیزی جز خیال و ظلم نیست.

فطرت در لغت به معنای خلقت و شکافتن پرده عدم و آفرینش یک موجود است. گویا خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که به حق تمایل دارد و از باطل بیزار است. درست همانند علاقه مادر به فرزند که امری تعلیمی نیست، بلکه فطری و غریزی است.

پیام‌ها:

۱. انسان ذاتاً دین‌گرا و طرفدار حق است: «للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها»؛
۲. بر خلاف تصوّر گروهی که می‌گویند انسان مثل ظرفی خالی است که با آداب و رسوم و افکار حق یا باطل پر می‌شود و نظامهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به او رنگ می‌دهند، خداوند شناخت حق و حق‌گرایی را به ودیعت نهاده است: «فطرت الله ...»؛
۳. انحراف یک عارضه است؛ زیرا گرایش به دین حق، در نهاد هر انسانی نهفته است: «فطر الناس عليها»؛
۴. دین فطری، ثابت و پایدار است: «فطر الناس عليها... ذلك الدين القيم»؛
۵. تکوین و تشریع با یکدیگر هماهنگ است: «فطر الناس عليها... ذلك الدين القيم»؛
۶. امور فطری انسان کم و زیاد می‌شود؛ اما به کلی محو نمی‌شود: «لاتبديل لخلق الله»؛

۱. بخش پاسخ به سوالات تبیان.

۲. روم: ۳۰.

۳. همان: ۲۶.

۷. گرایش‌های حق طلبانه‌ای که در درون انسان نهفته شده، با تغییر مکان و زمان عوض نمی‌شود: «لَا تَبْدِيلُ لِخَلْقِ اللَّهِ»؛
۸. هرگونه گرایش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نژادی و اقلیمی که در درون انسان سرچشممه‌ای نداشته باشد، پایدار نیست: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ»؛
۹. اسلام تنها دین پایدار است: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ».

سؤالات:

۱. بدترین جنبندگان نزد خدا طبق آیات شریفه قرآن چه کسانی هستند؟
۲. فرق حیوانات با انسان در گرایشات غریزی چیست؟
۳. مهم‌ترین غریزه در وجود انسان چه چیزی است؟
۴. چهار ملاک امتیاز و ارزش‌های انسان بر دیگر موجودات را نام ببرید؟
۵. ویژگی‌های امور فطری چیست؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی؛ شهید مرتضی مطهری.
۲. توحید مفضل؛ درس‌های امام جعفر صادق علیه السلام به شاگردش مفضل.
۳. انسان در قرآن؛ شهید مرتضی مطهری.
۴. فطرت؛ شهید مرتضی مطهری.

غريزه جنسی بایدها و نبایدها

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف غریزه جنسی و آشنایی با حکمت آن در وجود انسان.
۲. علاقه جنسی در اسلام، ارزش یا ضد ارزش است و چگونه باید به کار گرفت؟
۳. خطرات شهوت‌گرایی و آلوده‌شدن دامن انسان.

غريزه جنسى

مقدمه

غريزه جنسی در تمام موجودات و مخلوقات یکی از بارزترین نشانه‌های قدرت الهی است که خداوند همه موجودات عالم را از دو جنس نر و ماده آفریده است: «و ما از هر شیء[موجودی] دو گونه [نر و ماده] خلق نمودیم».^۱ درباره انسان هم می‌فرماید: «و از آیات خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید».^۲

۱. «وَمَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاريات: ۴۹).

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱).

زوجیت در انسان وقتی می‌تواند رشته حیات را حفظ کند که ارتباط جنسی میان زن و مرد برقرار گردد و آنقدر نیروی کشاننده باید قوی باشد که تخلف از آن امکان نداشته باشد.^۱ مسئله غریزه جنسی در انسان از ابعاد مختلف؛ از جمله زیست‌شناسی به واسطه مسائل طبیعی و جسمی آن و از بُعد روان‌شناختی به واسطه مسائل و عوارض روانی آن و حتی از بُعد فرهنگی و دینی ملت‌ها همواره مورد بحث محافل علمی و اجتماعی بوده و هست که در این دروس به نکاتی مهم از آنها اشاره می‌گردد.

تعريف لغوی:

* غریزه جنسی: غریزه اطقاء شهوت که سبب تولید نسل و بقاع نوع است.^۲

تعريف اصطلاحی:

* غریزه: نیازی که در انسان به وجود می‌آید. غریزه و میل جنسی بخشی از غرایز انسانی است و هنگامی که در انسان شکل گرفت، باید آن را برآورده کرد و فرد آرامش و قرار ندارد تا اینکه آن نیاز برطرف گردد، وقتی که نیازمندی برطرف شد، شخص راضی می‌شود و از تلاش برای رفع آن صرف نظر می‌کند؛ از این رو ارضای میل جنسی عبارت است از: رفع نیاز از غریزه.

* عبارت است از یک نیروی کشنده درونی در موجودات که آنها را به هدف و مقصدی هدایت می‌کند که عبارت است از: تناسل و تکاثر و میل به آن در نهاد انسان نیز قرار داده شده و به همان واسطه دل‌فریبی خاصی که در زن وجود دارد و مرد را به طرف خود می‌کشاند، موجبات تحریک و ضامن بقای نسل است.

* گرایش به جنس مخالف برای درک لذت جنسی یکی از غرایز طبیعی انسان است، این غریزه بسیار قوی و لذت مربوط به آن نیز شدید است؛ بقاء نسل انسان به اجابت این غریزه وابسته است.^۳

حکمت غریزه جنسی در بشر

استمرار و بقای موجودات زنده برخوردار از حکمت و فلسفه‌ای است که در اصل وجود آنان بوده است و آفریدگار جهان آن را از دو راه عملی می‌کند:
۱- به وسیله تغذیه و رساندن مواد لازم به بدن برای جایگزینی آنچه از آن به تحلیل می‌رود.

۱. اخلاق و رفتارهای جنسی؛ ص ۳۱۵.

۲. فرهنگ معین.

۳. پرسش‌های قرآنی جوانان؛ بخش روابط دختر و پسر.

۲- به وسیله لقاح.

اولی سبب بقای ذات و خود موجود است و دیگری وسیله استمرار نوع در بستر زمان است.

از این رو خداوند حکیم و مهربان میل به تغذیه و جنس مخالف را در وجود آنان قرار داد تا اینکه آنها از خوردن، آشامیدن و لقاح احساس لذت کرده و به انگیزه ارضای این خواست طبیعی خود، نسبت به این دو عمل اقدام کنند و به سبب آن همواره در صدد اجرای عامل استمرار وجود خویش باشند.^۱

روابط جنسی از دیدگاه قرآن

غریزه جنسی از غرایزی است که خدای متعال در انسان قرار داده است، این غریزه عطیه الهی و امری طبیعی و فطری است. قرآن کریم گرایش زن و مرد به یکدیگر را اقتضای ساختار آدمی و نخستین کالای زیبا و آراسته دنیوی به حساب آورده است.

آیه اول

«او خدایی است که [همه] شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید، سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت». ^۲

پیام‌ها:

۱. گوهر وجودی زن و مرد یکی است: «و جعل منها زوجها»؛
۲. ازدواج و همسر عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند: «لیسکن اليها»؛
۳. مسائل جنسی را با کنایه بیان کنیم: «تعشاها»؛
۴. آمیزش زن و شوهر باید پنهانی باشد: «تعشاها»؛
۵. رشد جنین، تدریجی است تا زن آمادگی داشته باشد: «خفیفاً، أثقلت»؛
۶. انسان فطرتاً میل به بقای نسل و فرزند دارد: «آتیننا»؛
۷. آمیزش جنسی تنها برای لذت و شهوت نیست، بلکه برای بقا و دوام نسل صالح است: «صالحاً». ^۳

۱. نراقی؛ جامع السیعادات؛ ج ۲، ص ۱۰.

۲. «هُوَ الَّذِي خَلَقْتُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا رَوْجَهَا لِيُسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَعَشَّا هَا حَمَلَتْ حَمْلًا حَفِيفًا» (اعراف: ۱۸۹).

۳. محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ذیل آیه.

آیه دوم

«برای مردمان علاقه به خواستنی‌های گوناگون؛ از جمله علاقه به زنان و..... آراسته شده است».۱.

پیام‌ها:

۱. غریزه جنسی عطیه الهی و امری طبیعی و فطری است.
۲. علاقه طبیعی به مادیات در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن و کترنگردن دلستگی‌هاست: «زُّيْنَ لِلّٰهُ».۲
۳. غریزه جنسی نسبت به همسر و... از زینت‌های دنیوی انسان‌هاست.۳

علاقه جنسی در اسلام، ارزش یا ضد ارزش

از دیدگاه اسلام علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خوبی و خلق انبیاست. رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام طبق آثار و روایات فراوان که رسیده است، محبت و علاقه خود را به زن در کمال صراحة اظهار می‌کردند و بر عکس روش کسانی که میل به رهبانی پیدا می‌کردند، تقبیح می‌نمودند.۴

قرآن کریم گرایش زن و مرد به یکدیگر را اقتضای ساختار آدمی و نخستین کالای زیبا و آراسته دنیوی به حساب آورده است. گفتنی است خدای متعال غرایز انسانی را برای اهدافی در راستای رشد فردی و اجتماعی او در وجودش نهاده است؛ از این رو نیز برای ارضای هر کدام رهنمودهایی نموده است که طغیان و یا افراط و تغیریط در ارضای آنها، افزون بر دست نیافتند به اهداف خلقت، سبب عذاب الهی در دنیا و آخرت خواهد شد.

در مورد تجاوز در ارضای غریزه جنسی در سوره فرقان، وعده عذاب خلد در جهنم را داده است و آن را همدیف شرک و قتل نفس قرار داده است:

«وَآنَهَا كَسَانِي هَسْتَنَدَ كَه بَا خَداوَنَد، خَدَائِي دِيَگَرِي رَا نَمِي خَوَانَد وَ انسَانِي كَه خَداوَنَد [خونش را] حَرَامَ كَرَدَه است، جَزَ بِه حَقَّ نَمِي كَشَنَد وَ زَنَ نَمِي كَنَنَد وَ هَرَكَسَ چَنِينَ كَنَد، مَجَازَاتَ سَخْتَنِي خَواهَد دَيَدَ، عَذَابَ او در قِيَامَتِ مَضَاعِفَ مَيْرَدَد وَ هَمِيشَه بَا خَوارِي در آن خَواهَد مَانَد».۵

۱. «زُّيْنَ لِلّٰهُ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ» (آل عمران: ۱۴).

۲. محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ذیل آید.

۳. مجموعه آثار شهید مظہری؛ ۱۹.

۴. «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَيْهَا أُخْرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَرْثُونَ وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ يَأْلِقُ أَنَامًا» (فرقان: ۶۷-۶۸).

پیام‌ها:

۱. خطرناک‌ترین غریزه‌ای که انسان را به گناه و ادار می‌کند، غریزه غصب و شهوت است و مؤمن باید بر غرائی خود مسلط باشد: «لا يقتلون - لا يزنون»؛
۲. خداوند در برخی از موارد به قتل و کشته‌شدن بعضی از انسان‌ها راضی است: «الا بالحق»؛ ولی در هیچ شرایطی رضایت نمی‌دهد که فردی به شرک و زنا آلوده شود: «لا يزنون»؛
۳. دستور قرآن در زمینه دوری از شرک، زنا و قتل تنها یک موضعه نیست، قانونی است که تخلف از آن کیفری شدید دارد: «ومن يفعل ذلك يلق اثاماً».

نبی‌ومندی غریزه جنسی

قدرت و قوت بسیار غریزه جنسی و میل به خوردن و آشامیدن در بشر و تأثیر فراوان و انکار نشدنی آن در چرخه زندگی او و نقش بنیادی و بسیار قوی آن در شکل‌دهی به شخصیت، رفتار و افکار او و سمت و سوی بخشی به تحرکات فردی و اجتماعی او انکار شدنی نیست؛ از این رو و بر همین مبنای دو مکتب «فرویدیسم» و «مارکسیسم» در عرصه حیات فکری بشری پدید آمد و هر یک از دو مکتب با بزرگ‌کردن بیش از حد هر کدام از آن دو خواسته طبیعی و اصالت‌دادن به آن، همان را اساس شخصیت و حیات بشری قرار داده و سایر نیازها و امیال او را بازتاب و برآیندی برای آن به شمار آورد.

در این میان غریزه جنسی از قدرت و نبی‌ومندی فژون‌تری برخوردار است و حکمت آن هم شاید به دلیل وجود زحمات و رنج‌هایی باشد که بر اثر این غریزه برای مرد و بهویژه زن در بارداری و تربیت و تأمین فرزند پیش می‌آید.

آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی

الف) دنیوی

* فردی

۱. مانند موریانه‌ای که بی‌رحمانه بر درختان تناور هجوم می‌آورد و از درون آن را پوک می‌سازد، جسم و جان آدمی را به تحلیل برده و رفته رفته به ویرانی و سقوط می‌کشاند.
 ۲. چنانچه در اختیار هوی و هوس بشر قرار گیرد، بر مغز، اعصاب و قوای جسمی و روانی او صدمه وارد می‌کند.
- به گفته یکی از عالمان بزرگ اخلاق و تربیت؛ همچون کارگزار ستمگری است که

حاکم او را عنان گسیخته بر جان و مال مردم مسلط کند و او به تدریج تمامی اموال آنان را به زور از صاحبانش گرفته و به مصرف خود رساند و آنها را در بدبختی رها نماید.
۳. اگر با بی‌بند و باری پیروی شود، تمام قوای انسانی را مقهور خویش می‌سازد، نیروی جسمانی و معز و اعصاب را به سرعت رو به تضعیف می‌برد و حتی مرگ را نزدیک می‌کند. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هرگاه پس از من زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی زیاد خواهد شد».^۱

«الذّنوبُ الّتِي تَعْجَلُ الْفَنَاءَ.....الْزِنَا»:^۲ از گناهانی که سبب تعجیل مرگ می‌گردند: زناکردن و فحشاء است.

۴. ذهن را مسموم، اندیشه را مغشوش و قدرت تصمیم‌گیری و اراده بشری را تباہ می‌کند و در نتیجه امید انسان به خدا و زندگی را قطع می‌کند. «وَالذّنوبُ الّتِي تَقْطَعُ الرِّجَاءُ»:^۳ گناهانی که موجب قطع امید می‌گردد.

۵. همت آدمی را پست، فکر را نزدیکنگر و محدود و شخص را در مواجهه با مشکلات حیات و فراز و نشیب‌های آن ناتوان و علیل می‌کند و قلب را که می‌تواند حرم خداوند و جایگاه او گردد،^۴ به لانه شیطان و جولانگاه ابليس تبدیل می‌سازد.^۵

۶. گناه جنسی، پریشانی روحی دربر خواهد داشت؛ زیرا گناه مصدق دوری از ذکر و یاد خداست.^۶

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «زنا شش اثر دارد: سه اثر در دنیا، سه اثر در آخرت؛ اما آثار دنیویه زنا: آبرو را می‌برد، رزق را کم می‌کند، و مرگ و نیستی را نزدیک می‌نماید.....».^۷

* روحی و روانی

۱. رؤیاها و افکار مکرر در مورد عشق‌های قبلی؛
۲. ناتوانی در برقراری صمیمیت احساسی با همسر؛
۳. پشیمانی و تلخی نسبت به افرادی که در رابطه‌های قبلی به فرد صدمه زده‌اند؛
۴. مقایسه همسر با افراد قبلی در رابطه جنسی؛

۱. آیت الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۲. ابن فهد حلی؛ آینین بندگی و نیایش؛ ص ۲۵۰.

۳. مفاتیح الجنان؛ ادعیه ماه مبارک رمضان.

۴. قال الصادق علیه السلام: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنْ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرُ اللَّهِ» (بحار الأنوار؛ ج ۶۷، ص ۱۳).

۵. نزاقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۱۰.

۶. «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ تَحْشُرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»: هر کس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نایينا محشور می‌کیم. (طه: ۱۲۴)

۷. آیت الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۵. درک اشتباه از عشق واقعی؛

۶. ارتکاب به بی‌بندویاری و بی قیدی جنسی، به دلیل تلاش برای یافتن عشق و
صمیمیت واقعی؛

۷. گناه جنسی خاطره‌هایی ماندنی ایجاد خواهد کرد و فرد را دچار گناهان بعدی
خواهد نمود.

نمونه

وسوسه شیطانی

مردی فریب‌خورده در تماس با صدای مشاور داستان خود را این‌گونه تعریف می‌کند:
حدود یک ماه قبل زنی ناشناس به تلفن همراهم زنگ زد و خودش را مهرانه معرفی کرد، من با تعجب گفتم: اشتباه گرفته‌اید؛ اما تماس‌های تلفنی این زن در حالی ادامه یافت که او با لحنی تحریک‌آمیز حرف می‌زد و جملات عاشقانه‌ای را به زبان می‌آورد. من مانده بودم چه کنم و مدتی با خود کلنجر رفتم، موضوع را از همسرم مخفی کردم. با تلفن‌های مرتب او شیفته صدایش شدم و بالاخره با او قرار ملاقات گذاشتیم. او در اولین دیدارش خود را یک زن مطلقه ۳۰ ساله معرفی کرد، قرار بعدی را در منزل او گذاشتیم، طبق قرار من به خانه لعنتی این زن رفتم و دامن خود را آلوده کردم و ارتباط‌ها بیشتر شد تا به این واسطه نسبت به همسر مهربان و حتی فرزندم بی‌علاقه، در خانه عصی مزاج و در این طوفان شهوت متوجه شدم این زن گناهکار با چند مرد دیگر ارتباط دارد و فقط همت او گناه و سرکیسه کردن من است و همسرم هم با فهمیدن ماجرا مرا ترک کرد و من الان مبتلا به یک بیماری جنسی گردیده و زندگی خود را تباه می‌بینم. این را گفتم و درد و دل خود را با شما مطرح کردم تا همچون من کسی دچار این هوس‌ها و بیچارگی‌ها نشود.^۱

* اجتماعی

۱. با ارتکاب به گناهان جنسی، نفرینی از طرف همسر یا فرزندانتان پشت سرتان خواهد بود و گناه جنسی این امکان را می‌دهد که نسل‌های بعد از گناهکار را نسلی ناپاک و ذلیل کند.

چنان‌که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «بعد از شرک به خداوند، هیچ گناهی بزرگ‌تر از این نیست که مردی نطفه حرام خود را در رحمی که بر او حلال نیست، مستقر کند».^۲

۱. مرکز مشاوره امین.

۲. میرزا حسین نوری؛ مستدرک، ج ۲، ص ۵۶۷.

۲. نسل را فاسد و مسائل ارث را مختل می‌کند و حتی تربیت کودک را از بین می‌برد.
امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند زنا را حرام فرمود؛ برای اینکه سبب فسادهایی مانند قتل نفس و از بین رفتن نسب و ترک تربیت اطفال و بهم خوردن ارث می‌شود^۱.
۳. آبادانی‌ها را به خرابی تبدیل می‌کند.

پیامبر خدا علیه السلام فرمودند: «زنا مورث فقر است و آبادی‌ها را ویران خواهد نمود»^۲.
۴. امتی را دچار بحران و گمراهی می‌کند.

رسول اکرم علیه السلام فرمودند: «پس از خود از سه چیز بر امت خود نگرانیم:
گمراهی و انحراف پس از معرفت و هدایت؛ حوادث و وقایع گمراهکننده و
شکمبارگی و شهوت رانی»^۳.

۵. گناه جنسی سبب به دنیا آمدن فرزندان ناخواسته می‌شود.
کودکانی که از این روابط به دنیا می‌آیند، در خانه‌هایی زندگی خواهند کرد که هیچ سایه پدر یا مادر مهربانی بالای سر آنها نخواهد بود.

افزایش روز افزون روابط نامشروع و ضدالاچاقی در غرب آمار عجیبی را به گوش می‌رساند که از روند آماردهی آنها حکایت از و خامت اوضاع در سال‌های اخیر داشته می‌شود. در انگلیس در سال ۱۹۴۸ نزدیک به ۲۰ درصد بچه‌ها که به دنیا آمدند، نامشروع بوده‌اند. (آمار ۲۰۰۷ دوبرابر شده است). این آمار در کشور غربی دیگر؛ یعنی در ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۹۰ به ۲۵ درصد و حدود ۱۰۳۰۰۰ تجاوز به عنف وجود داشته که گزارش شده است و آمار گزارش نشده آن به مراکز پلیس به دست نیامده است. این آمار در سال‌های قبل تهیه شده و آخرین آمارها در سال‌های آخیر نشان از فاجعه در اروپا دارد^۴.

۸. گناه جنسی فرد را در معرض ابتلا به بیماری‌های مسری جنسی خواهد گذاشت.
بیماری‌های مسری جنسی بسیاری وجود دارد که بسیاری از آنها علائم بسیار

۱. حر عاملی؛ *وسائل الشیعه*؛ کتاب نکاح، باب ۱، ص ۳۹.

۲. آیت الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۳. نراقی؛ *جامع السعادات*؛ ج ۲، ص ۴.

۴. محمد کاویانی؛ *چوان و تهاجم فرهنگی*؛ ص ۷۹.

آذانس آمار اروپا در گزارشی درباره تغییرات روی داده در اروپا اعلام کرد میزان تبادل جوانان این قاره به ازدواج کاهش یافته و تعداد فرزندان نامشروع در ۲۰ سال اخیر دو برابر شده است. براساس آمار رسمی در سال ۱۹۹۰ از هر هزار اروپایی شش و سه دهم درصد ازدواج می‌کردند که در ۲۰ سال اخیر این رقم به چهار و نه دهم درصد کاهش یافته است. افزون بر این تعداد کودکان نامشروع در اروپا دو برابر شده است. در سال ۱۹۹۰ هفده و چهار دهم درصد کودکان این قاره به طور نامشروع متولد شده بودند که این رقم در سال ۲۰۰۷ به ۳۵ و یک دهم درصد رسیده است. استونی که ۵۹ درصد کودکان در آن به طور نامشروع متولد می‌شوند، رکوردی در سراسر اروپا به جا گذاشته است و کشورهای سوئد، اسلوونی، فرانسه و بلغارستان در مکان‌های بعدی قرار دارند.(سایت رسمی آذانس آمار اروپا)

ناخوشایند و نامطبوعی را به دنبال خواهند داشت. بدترین این بیماری‌ها، ایدز است که حتی به مرگ نیز منجر می‌شود.

بر اساس آمار منتشر شده در ایران سهم انتقال جنسی بیماری ایدز در موارد جدید بروز بیماری، در حال افزایش است. به گونه‌ای که در سال ۸۹ ۳۲۹ مورد ثبت شده ابتلا به ایدز به وسیله ارتباط جنسی محافظت نشده در کشور داشته‌ایم که این امر نشان‌دهنده خطر آغاز موج سوم این بیماری در کشور است؛ بنابراین توجه به الگوی انتقال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ براساس تخمین‌های علمی انجام شده پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ حدود ۹۳ هزار نفر مبتلا به ایدز در کشور داشته باشیم که با توجه به آمار، بیش از ۲۰ هزار نفر شناسایی شده در کشور، تخمین زده می‌شود حدود ۷۰ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند که هیچ‌گونه خدمات تشخیصی، درمانی و مراقبتی را دریافت نمی‌کنند.^۱

* ضررهاي ايماني و عبادي

قرآن درباره زنا که یکی از گناهان جنسی بسیار بزرگ است، آیات متعددی را برای هشدار نازل فرموده است از جمله:

«وَلَا تَقْرِبُوا الزِّنَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا^۲

در تفسیر این آیه از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «یعنی این گناه معصیت و نفرت‌انگیز است؛ زیرا خداوند زنا را دشمن می‌دارد و از آن نفرت دارد و «بد راهی است». عذاب زناکار از همه گناه‌کاران سخت‌تر است و زنا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است».

۱. گناهان جنسی، جسم فرد را آلوده کرده و توانایی او برای انجام مقاصد الهی را از بین می‌برد.

جسم ما معبد روح الهی است،^۳ وقتی ما از جسم مان برای گناهان جنسی استفاده می‌کنیم، به پاکی آن تجاوز کرده و آن معبد را ویران می‌کنیم؛ همچنین آن افرادی که با آنها این گناه را انجام می‌دهیم، نیز آلوده می‌کنیم. فقدان احترام به جسم مان (و خداوند) رابطه ما با خدا را از بین می‌برد.

۲. گناهان جنسی فطرت پاک الهی را خدشه دار و نهایتاً نابود می‌کند.

۱. مصاحبه اختصاصی دکتر عباس صداقت؛ رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت؛ خبرگزاری جام جم.

۲. «و به زنا نزدیک نشوید که آن فحشاء و بدترین راه‌هاست.» (اسراء: ۳۲)

۳. «پس آنگاه معتدل و استوارش ساختم و از روح خود در او دمیدم.» (حجر: ۲۹)

هر گناهی که انجام می‌دهیم، باعث اندوه‌گین شدن روح خداوندی می‌شود و آتش روح مقدس را در زندگی ما خاموش می‌کند. هرچه این آتش را بیشتر فرو بنشانیم، همان قدر از نیکی و درست‌کاری فاصله خواهیم گرفت.

«فِطْرَةُ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^۱

۳. ارتکاب گناهان جنسی، خواستگاه شیطان در زندگی انسان است.^۲

وقتی ما مرتبًا مرتکب گناه می‌شویم، دژ محکم‌تری برای شیطان در زندگی خود بربا خواهیم کرد. هرچه بیشتر تن به شهوت و هوس دهیم، کنترل آنها بر روی ما بیشتر خواهد شد تا آنجا که ما را بندۀ خود خواهند کرد. این دژ محکم، بسیار مستحکم خواهد بود؛ چون جسم، روح و روان ما را درگیر خود کرده است.

داستان تخلف در استفاده از غریزه جنسی(حکایت عابد و ابلیس)

در بنی اسرائیل مردی زندگی می‌کرد که ۲۰ سال عبادت کرده بود و ۶۰ شاگرد تربیت نموده بود.

روزی شیطان به صورت مردی کهنه‌سال و پیر در آمد و به عبادتگاه او رفت و در کنار او سه روز بدون اینکه چیزی بخورد و بنشود و یا اینکه بخوابد، خداوند را عبادت کرد. عابد تعجب کرد و گفت:

من می‌خوابم، می‌خورم و می‌نوشم، تو چگونه طاقت می‌آوری بدون خوردن، آشامیدن و خوابیدن خداوند را عبادت کنی؟

شیطان گفت: من گناهی مرتکب شدم، هنگامی که ارتکاب آن گناه به ذهنم خطور می‌کند، خوردن و آشامیدن و یا خوابیدن برایم بی‌معنی می‌شود.

عبد گفت: به من عملی بیاموز تا من نیز عابدی همانند تو شوم.

ابلیس گفت: به خداوند عاصی شو و خود را به گناهی آلوده کن، سپس از آن توبه کن؛ زیرا خداوند تواب و رحیم است و توبهات را قبول می‌کند. اگر این کار را انجام دهی، حلاوت و لذت عبادت را خواهی یافت.

عبد گفت: من چه باید بکنم؟

ابلیس جواب داد: زنا کن. عبد گفت: نمی‌توانم زنا کنم. ابلیس دوباره گفت: پس شخصی را به قتل برسان! گفت: نه، نمی‌توانم. گفت: پس اگر اینها را نمی‌توانی انجام دهی، حداقل شراب بخور که این بر تو سبک بوده و طرف مقابلت نیز خداوند است و

۱. «این فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است». (روم: ۳۰)

۲. «شیطان شما را از فقر و تهیه‌ستی بیم می‌دهد و شما را به فحشا و زشتی‌ها فرا می‌خواند». (بقره: ۲۶۸)

اگر توبه کنی، توبهات را قبول می‌کند!
عابد قبول کرد و گفت: شراب را از کجا بیابم؟
ابليس جواب داد: به فلان شهر برو، آنجا در مغازه‌ای شراب فروخته می‌شود.
به آن شهر رفت و همان مغازه را پیدا کرد، دید که در مغازه زنی نشسته و شراب می‌فروشد. از آن زن شراب خرید و آن را نوشید، سپس مست شد و با زن فروشنده زنا کرد. در این حال که زنا می‌کرد، شوهر آن زن از راه رسید، با آن مرد در افتاد و آن را نیز کشت.

خلاصه

هم زنا کرد، هم آدم کشت و هم شراب خورد. ابليس به صورت آدم در آمد و به نزد حاکم شهر رفت و این اتفاق را گزارش داد. مأمورین او را گرفتند و به دلیل خوردن شراب ۸۰ ضربه شلاق، به دلیل زنا ۱۰۰ ضربه شلاق به او زدند و به دلیل کشتن آدم نیز او را اعدام کردند... هنگامی که به دار آویزان بود، ابليس نزد او آمد و گفت: ای عابد حال و احوالت چطور است؟

در جواب گفت: من اطاعَ قَرِينَ السُّوءِ فَجَرَأْوُهُ هکذا: کسی که به دوست بد و مفسد خویش مطیع شود و گفته‌های آن را قبول کرده و انجام دهد، پس جزاء و کیفرش این‌گونه است.

ابليس گفت: من عبادت ۲۲۰ سالهات را به باد دادم و در آخر نیز تو را این‌گونه به مشقت انداختم. حال اگر می‌خواهی از دار پایین آیی و آزاد شوی، من تو را کمک می‌کنم، عابد بدبخث و فریب خورده گفت:

بله می‌خواهم، هرچه می‌خواهی، می‌دهم تا این کار را برایم انجام دهی.

ابليس گفت: من چیز زیادی از تو نمی‌خواهم؛ فقط می‌خواهم یک بار برایم سجده کنی. اگر این کار را انجام دهی، انگار دنیا را برایم داده‌ای.

گفت: با این حال نمی‌توانم سجده کنم. ابليس گفت: پس با اشاره سرت سجده کن. برصیصا بر ابليس سجده کرد و کافر شد و بدون ایمان از دنیا رفت.^۱

ب) اخروی

۱. غضب پروردگار، حساب و کتاب سخت در آخرت

امام باقر علیه السلام در ادامه (حدیث) فرمودند: «اما آثار آخرویه آن[زن] پس غضب پروردگار

۱. نصایح الرجال للخطيب الوعظ.

و سختی حساب و دخول در آتش و جاودان ماندن آن را ایجاب می‌نماید».^۱

۲. چنانچه اصرار بر گناه داشته باشد، بی‌ایمان از دنیا می‌رود و جایگاه او در آتش جهنم است.

چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُذْخَلُهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۲

داستان حمام منجاب

یکی از پولداران خوشگذاران که همواره در عیش و عشرت به سر می‌برد، روزی کنار درب خانه اش نشسته بود. بانویی به حمام معروف «منجاب» می‌رفت؛ ولی راه حمام را گم کرد و از راه‌رفتن خسته شده بود. به اطراف نگاه می‌کرد تا شاید شخصی را بیابد و از او بپرسد، چشمش به آن مرد افتاد، نزد او آمد و از او پرسید:

حمام منجاب کجاست؟ آن مرد به خانه خود اشاره کرد و گفت: حمام منجاب همین جاست. آن بانو به خیال اینکه حمام همان‌جاست، به آن خانه وارد شد، آن مرد فورا درب خانه را بست و به سراغ او آمد و تقاضای گناه کرد.

زن دریافت که گرفتار مرد هوسر باز شده است، چاره‌ای جز حیله ندید و گفت:
من هم کمال اشتیاق را دارم؛ ولی چون کثیف هستم و گرسنه، مقداری عطر و غذا تهیه کن تا با هم بخوریم، بعد در خدمت‌تان باشم.

مرد قبول کرد و به خارج خانه رفت و عطر و غذا تهیه کرد و برگشت. زن را در خانه ندید، بسیار ناراحت شد و مرتب از آن قضیه حسرت می‌خورد.

مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه در بستر مرگ افتاد. آشنايان به بالين او آمدند و او را به کلمه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» تلقین می‌کردند. او به جای این ذکر، همان شعر مذکور در حسرت آن زن را می‌خواند و با این حال از دنیا رفت.^۳

۳. عذاب‌های متعدد در قبر

در حدیثی تکان‌دهنده پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«کسی که به زن مسلمانی یا یهودی یا نصرانی یا مجوسی آزاد یا کنیز زنا کند، پس توبه نکند و با اصرار به این گناه از دنیا برود، خداوند در قبرش سیصد در عذاب را باز می‌فرماید که از هر در مارها و عقربها از آتش بیرون می‌آیند»

۱. آیت‌الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ذیل گناه زنا.

۲. نساء: ۱۴.

۳. مهدی احمدی؛ عالم بزرخ؛ ص ۴۱.

پس می‌فرماید: تا روز قیامت می‌سوزد.

چون از قبرش بیرون شود، از بوی گندش مردم اذیت می‌شوند، پس به این بوی زننده شناخته می‌شود و دانسته می‌گردد که زناکار است تا اینکه امر کرده می‌شود او را به آتش وارد نمایند.....».^۱

۴. بدترین بو در آخرت، بوی زناکاران است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«درروز قیامت به امر خدا بوی گندی وزیده می‌شود که تمام اهل محشر ناراحت می‌شوند تا اینکه نفس کشیدن بر آنها مشکل می‌گردد. پس منادی ندا می‌دهد آیا می‌دانید این بوی گند چیست؟ گویند: نمی‌دانیم و سخت ناراحت‌مان کرده، پس گفته می‌شود: این بوی عورت زناکاران است که بدون توبه از دنیا رفته‌اند، پس آنها را لعنت کنید. در محشر کسی نمی‌ماند مگر اینکه آنها را نفرین می‌کند و می‌گوید: خدایا زناکاران را لعنت فرمای».^۲

۵. گناه لواط مانند زنا بسیار سخت و بلکه شدیدتر است.

رسول خدا علیه السلام فرمودند:

«کسی که با پسری جمع شود، روز قیامت جنب وارد محشر می‌شود و آب دنیا او را پاک نمی‌کند و خشم خدا بر او است و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می‌فرماید و بدجایگاهی است. هرگاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه درآید و خداوند او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می‌کند و ملوط [مفهول] را در کنار جهنم نگه می‌دارند تا خلائق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می‌اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معدب خواهد بود».^۳

داستانی اعجاب آور

در زمان عمر غلامی که مولای خودش را کشته بود، پس از اقرار، عمر امر به کشتن او نمود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از غلام پرسید: چرا مولای خود را کشتب؟ عرض کرد به زور با من لواط کرد، پس او را کشتم. حضرت از اولیای مقتول پرسید: آیا او را دفن کرده‌اید؟ گفتند: آری، هم اکنون از دفنش می‌آییم. پس به عمر فرمودند: غلام را تا سه روز نگهدار. پس از سه روز از اولیای مقتول بخواه تا حاضر شوند. پس از سه روز حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند. از اولیایش سؤال کرد: این قبر میت شما است؟

۱. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۲۴۲.

۲. همان؛ ص ۲۴۳.

۳. همان؛ باب ۱۷، ح ۱.

گفتند: آری؛ فرمودند: قبر را بشکافید تا به لحد برسد؛ چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند، جنازه را ندیدند. حضرت تکبیر گفته و فرمودند:
به خدا قسم شنیدم از رسول خدا ﷺ فرمودند:
«هر کس از امت من عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود، پس در قبرش بیش از سه روز نمی‌ماند تا اینکه زمین او را فرومی‌برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده‌اند، ملحق نماید؛ پس در زمرة ایشان محشور می‌شود».^۱

۶. گناه استمناء

پیامبر خدا درباره این گناه زشت فرمودند:
«همان! لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر کسی که با حیوانی نزدیکی کند و کسی که خودارضایی نماید».^۲
همچنین در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند:
«سه دسته‌اند که خداوند در روز قیامت با آنها سخن نمی‌گوید، به آنها نگاه نمی‌کند، آنها را پاک نمی‌نماید و برای آنها عذابی دردنگ است:
۱. کسی که خودارضایی کند.
۲. و کسی که مفعول در لواط باشد[که به نحوی مقصّر اصلی است] مورد ملامت و عذاب الهی هستند!
۳. و....».^۳

پیام‌های درس:

۱. غریزه جنسی یک هدیه الهی به همه موجودات و بهویژه بشر است.
۲. در این غریزه افراط و تغفیر ناپسند است.
۳. ترک گناه سبب تقرب به خدا و رسیدن به ارزش‌های والای الهی است.
۴. گناه سبب رسوایی و بی‌ایمان از دنیارفتگی می‌شود.
۵. گناهان جنسی افزون بر بیماری‌های جسمی و روانی سبب از هم پاشیده شدن خانواده نیز هست.

سؤالات درس

۱. حکمت غریزه جنسی در بشر برای چیست؟

۱. آیت‌الله دستغیب؛ گناهان کبیره؛ ج ۱، ص ۲۰۵.
۲. محمدی ری‌شهری؛ میزان الحکمة؛ ج ۱۲، ص ۵۶.
۳. مجلسی؛ بخار الانوار؛ ج ۷۹، ص ۵۹.

فصل اول: غریزه جنسی بایدها و نبایدها

۴۳

۲. غریزه جنسی اگر رها شود، چه می‌شود؟
۳. بهترین راه کنترل غریزه جنسی چیست؟
۴. آشفتگی‌های گناهان جنسی به چه صورتی نمایان می‌شوند؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. جامع السعادات؛ مرحوم ملا مهدی نراقی.
۲. گناهان کبیره؛ مرحوم آیت الله دستغیب.
۳. عالم برزخ یا بیداری پس از مرگ؛ مهدی احمدی.
۴. پرسش‌های قرآنی جوانان؛ محمد علی رضایی اصفهانی.

غریزه جنسی بایدها و نبایدها

گام‌های تربیت جنسی (گام اول و دوم)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. آشنایی با تربیت جنسی و هدف از تربیت جنسی؛
۲. برنامه‌های اسلام برای تربیت جنسی؛
۳. جنبه‌های اساسی تربیت جنسی؛
۴. نظرات اسلام در مورد غریزه جنسی؛
۵. ارزش واقعی مسائل جنسی؛

گام‌های تربیت جنسی:

- گام اول: تربیت جنسی (شناخت دوره‌های مختلف جنسی)؛
- گام دوم: در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نیاز اولیاء و مریبان برای آموزش و تربیت صحیح مسائل جنسی؛
- گام سوم: شناخت آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی؛^۱

^۱. در دروس ۳ و ۴ درباره آثار و پیامدهای رهایی غریزه جنسی به تفصیل صحبت شد. در اینجا فقط عنوان تیتر موضوع آورده شد.

گام چهارم: بررسی علل و عوامل انحرافات جنسی در جوانان؛
گام پنجم: کنترل و هدایت غریزه جنسی.

گام اول تربیت جنسی:

تربیت جنسی(کنترل و هدایت غریزه جنسی)

مقدمه

همان‌گونه که در بسیاری از شیوه‌نامات زندگی، انسان احتیاج به تربیت دارد؛ در مسائل جنسی نیز احتیاج به تربیت و آموزش صحیح، یک مسئله جدی می‌باشد و آن هم تربیت جنسی صحیح و اسلامی و برای بروز رفت از بحران‌هایی که غرب دچار آن شده و تبعات مهلك آن شرق و به ویژه کشورهای اسلامی را نیز بی‌نصیب نگذاشته است، باید در همه مکان‌های آموزشی و تربیتی از مدرسه و کلاس درس تا منبرها و سخنرانی‌ها و حتی رسانه‌ها برای تربیت صحیح جنسی نوجوانان و جوانان و خانواده‌ها گام برداشت، این درس می‌تواند پاسخ‌گوی قسمتی از مسائل مهم تربیت جنسی باشد.

تعریف لغوی:

۱. تربیت: پروردن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن.

جنسی: آنچه مربوط به امور شهوانی است.^۱

تربیت جنسی: آموزش اخلاق امور جنسی و شهوانی.

۲. تربیت؛ یعنی فراهم‌آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رساندن امکانات بالقوه موجود در درون او.^۲

منظور از تربیت جنسی فراهم‌آوردن زمینه‌ها و عوامل جنسی، به طوری که استعدادهای شخصی برای رسیدن به کمال اختیاری فرد شکوفا شود و فرد را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری نماید.^۳

تعریف اصطلاحی:

۱. تربیت جنسی، «انتقال اطلاعات و مسائل جنسی» است. از این رو معلمان و مربیان باید از یک رشته معلومات آگاهی داشته باشند و آنچه را در این باره می‌دانند، به فرد منتقل کنند. انسان برخوردار از تربیت جنسی نیز کسی است که مجموعه‌ای از آنچه را درباره مسائل جنسی به آن نیاز دارد، بداند.

۱. فرهنگ معین؛ ذیل کلمه تربیت و جنسی.

۲. اخلاق اسلامی؛ ص ۲۱.

۳. تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۴۴.

۲. تربیت جنسی را عده‌ای از کارشناسان صرفاً به معنی آموزش جنسی نمی‌دانند؛ بلکه تربیت جنسی را «فراهم‌آوردن زمینه رشد غریزه جنسی به گونه‌ای می‌دانند که همراه با استفاده لازم از این غریزه، از انحراف‌ها و لغزش‌های جنسی نیز پیش‌گیری شود».^۱

۳. تربیت جنسی عبارت است از: فراهم‌آوردن زمینه‌ها و عوامل مربوط به غریزه جنسی به گونه‌ای که استعدادهای شخصی فرد شکوفا شود و او را در رسیدن به کمال مطلوب اختیاری اش یاری رساند.^۲

تربیت جنسی از نگاه فیض کاشانی:

غریزه جنسی از قوی‌ترین غریزه‌های آدمی می‌باشد که از کودکی همراه انسان است، هر چند در نوجوانی ویژگی‌های جنسی اولیه و ثانویه بروز می‌کند؛ از این رو نوجوان بیشتر به آموزش صحیح جنسی از سوی مربیان نیاز دارد، هدف تربیت جنسی، حذف و سرکوب کردن غریزه جنسی یا تغییردادن و دگرگون‌ساختن ساختار جنسی نیست؛ بلکه هدف تأمین نیاز جنسی است تا برای تعديل و هدایت تمایل جنسی راهی درست انتخاب شود و زمینه پروردن نسل سالم ایجاد گردد.^۳

هدف از تربیت جنسی

تربیت جنسی فرزند در فرآیند تربیت اسلامی و مهدوی، ارائه آگاهی‌ها و آداب لازم به فرزند درباره چگونگی کنترل و ارضای درست غریزه جنسی و فراهم‌آوردن زمینه‌های ازدواج موفق و به هنگام فرزندان است تا او را برای رسیدن به رشد و کمال و تربیت یاری نماید.

در عرصه تربیت جنسی فرزند لازم است نهادهای مختلف جامعه اعم از خانواده، مدرسه، جامعه، رسانه و حکومت در یک حرکت هدفمند و هماهنگ مسیری را به روی فرزند بگشایند تا او با انتخاب و اختیار آزاد خویش از رفتارهای نابهنهنجار جنسی دوری نماید و در جستجوی راه حل و رفتارهای بهنجار جنسی برآید.^۴

از این رو می‌توان گفت: هدف از تربیت جنسی، دست‌یابی فرد به آگاهی‌ها، عادات و آدابی درباره چگونگی اعمال و ارضای غریزه جنسی است که او را برای رسیدن به رشد و هدف مطلوب یاری کند.^۵

۱. مقصومه اعلایی؛ تربیت جنسی؛ ص ۴۵.

۲. ثابت حافظ؛ تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۴۴.

۳. ملا محمد محسن فیض کاشانی، حکیم فیلسوف، محدث و عارف دوره صفوی و از دانشمندان شیعه است. او شاگرد ملاصدرای شیرازی و داماد بزرگ او بوده است. در فقه، اصول، فلسفه، کلام، حدیث، تفسیر، شعر، ادب توانا و در تمامی ایها و رشته‌های دیگر آثاری از خود به یادگار گذاشته است.

۴. دو فصلنامه تربیت اسلامی؛ شماره ۳، تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی؛ ص ۱۹۰.

۵. مرتضی آقا تهرانی؛ خانواده و تربیت مهدوی؛ ص ۱۰.

۶. تربیت جنسی در اسلام؛ ص ۴۴.

دو جنبه اساسی تربیت جنسی:

۱. حقایق جنسی بیولوژیک(زیست‌شناسی) که در تربیت جنسی باید نوجوان را با ضرورت وجود دستگاه تناسلی در بدن و مسائل بهداشتی آن آشنا نمود.
۲. مراقبت جنسی و آشنانمودن نوجوان با ارزش‌های اخلاقی و دور نمودن او از انحرافات جنسی و تبیین ضررها روانی و جسمی انحرافات. (بخش مربوط به درس ما)

اخلاق جنسی در مسیر تربیت صحیح

تعریف:

۱. اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق به معنی عام است؛ شامل عده‌ای از عادات و ملکات و روش‌های بشری که به غریزه جنسی انسان بستگی دارد، می‌شود.
۲. مهم‌ترین وظیفه اخلاقی در مسائل جنسی سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی است؛ بنابراین سلسله مباحثی که به غریزه جنسی مرتبط‌اند؛ مانند: نحوه ارضای غریزه، حیای زن، غیرت مرد، وفاداری به همسر و.... در اخلاق جنسی مورد بحث قرار می‌گیرد.^۱

هسته اصلی اخلاق جنسی

اخلاق جنسی در اسلام را باید در نظریات آن در مورد غریزه جنسی جستجو کرد که دارای مشخصات زیر می‌باشد:

۱. این میل یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است:
خدا موجودات را از دو جنس مخالف [نر و ماده] آفریده که یکی از بارزترین نشانه‌های قدرت الهی است.^۲
در خصوص انسان هم می‌فرماید: «و از آیات خداوند آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید».^۳
- و بین آن دو هم علقه و محبت قرار داده؛ حتی قرآن کریم از آن به محبت نفسانی یاد می‌کند و می‌فرماید: «آرایش و زینت داده شده‌اند مردم به دوست‌داشتن و میل نفسانی به زنان....».^۴

۱. ویل دورانت؛ تاریخ تمدن؛ ج ۱، ص ۶۹

۲. ذاریات: ۴۹

۳. همان

۴. آل عمران: ۱۴

۲. وسیله‌ای برای تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسان است:

در قرآن از زن تعبیر به کشتزار و محل زاد و ولد فرزند شده است:
«زنان شما کشتزار شماییند، هرجا و هرگاه که بخواهید، به کشتزار خود درآید [و
با آنان آمیزش نمایید] و [در انجام کار نیک] برای خود، پیشی گیرید.^۱

پیام‌ها:

۱. همسر مناسب همچون مزرعه مناسب است و سلامت بذر، شرط تولید بهتر است:
«نسائكم حرت لكم»^۲؛

۲. بذر و زمین هر دو در تولید نقش مهمی دارند. زن و مرد نیز در بقای نسل آینده نقش اساسی دارند: «حربت لكم»^۳؛

۳. در آمیزش، مرد باید به سراغ زن خود برود و از گناه دوری نماید: «فاتوا حرثکم»^۴؛

۴. غرائز نیز باید جهت خدایی بگیرند. اگر هدف از آمیزش، فرزندانی پاک و ذخیره قیامت باشد، آن نیز رنگ الهی می‌گیرد: «قدّموا لانفسكم»^۵؛

۵. در صحیح بخاری آمده است: اولیای خدا در آمیزش قصد می‌کنند که صاحب فرزندانی جهادگر شوند.

۶. اگر نسل پاک تحويل دهید، خودتان بهره‌مند خواهید شد: «قدّموا لانفسكم»^۶؛

۷. زن نه کالاست و نه منشأ تاریکی؛ بلکه او بنیان‌گذار آبادی‌ها و سرمایه‌گذار تاریخ و فرستنده هدایای اخروی است: «حربت لكم، قدّموا لانفسكم»^۷؛

۸. زاد و ولد، هدف اصلی ازدواج است: «قدّموا لانفسكم»^۸.

۳. بین معنویت و بهره‌مندی لذات جنسی دوگانگی دیده نمی‌شود و اسلام با رهبانیت مخالف است:

همواره در این مسئله سه عقیده وجود داشته است:

الف) رهبانیت و ارزش مجردماندن و پلیدی ازدواج:

آنچه ریشه در عقاید قدیمی عده‌ای از مسیحیان دارد، این‌چنین بوده که علاقه جنسی را ذاتاً پلید می‌خوانند و حتی آمیزش جنسی با همسر را موجب تباہی و سقوط می‌دانستند و در بین راهبان و متولیان کلیسا یک عقیده انزجار از ازدواج پدیدار شده و قداست انسان را در ترک آن می‌شمردند و توصیه آنها به طالبان پاکی، تن‌دادن به ازدواج

۱. بقره: ۲۲۳.

۲. تفسیر نور؛ ذیل آید ۲۲۳ بقره.

ره توشہ راهیان نور(جوانان)

بود. آنها وجود غرایز را سد راه درجات عالی انسانی می‌دانستند؛ حتی در یونان «روم قدیم» و حتی افلاطونیان نیز نوعی ریاضت‌طلبی باب بوده است.^۱
ب) همه چیز را از دید جنسی نگاه کردن:

نظریه‌ای که امثال فروید بیان می‌نماید، همه چیز را از دید جنسی می‌بیند و اخلاق را به کلی زیر پا می‌گذارد، او می‌گوید:
حتی مکیدن پستان مادر توسط بچه و خوردن انگشت خود، نشئت گرفته از مسئله جنسی و عشق مادر به فرزند و محبت فرزند به مادر و دوستی بین افراد بشر و حتی محبت خواهر و برادر، استاد و شاگرد و بالآخره تمام عواطف بشری برخاسته از غریزه و تمایل جنسی است.^۲
و مثل راسل را به حد پرستش غریزه جنسی بکشاند!

ج) ارزش واقعی مسائل جنسی:

ولی ارزش واقعی تمایل جنسی چنانچه اسلام و همه مکاتب الهی بدون دستبرد و انحرافات ایجاد شده در آنها، به آن معتقدند این است که هر دو نظر گذشته تباہی و بدینختی‌های اجتماعی را به دنبال داشته است و هر دو در افراط و تفریط وارد شده‌اند؛ ولی اسلام با عنوان کامل‌ترین دین، ارزش واقعی آن را بیان کرده و از طرفی بر پلیدبودن اصل تمایل جنسی و یا آزادی مطلق خط بطلان می‌کشد و حتی سفارش به بهترین راه (ازدواج) می‌نماید:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٌ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ»^۳: به ازدواج در آورید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خود را و اگر مرد و زنی فقیرند، خدا به لطف خود آنان را بی‌نیاز و مستغنى خواهد نمود! که خداوند به احوال بندگانش آگاه و رحمتش وسیع و نامتناهی است.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام در حدیثی نقل می‌کند که به حضرت عرض کرد: آیا درست است که مردم می‌گویند: فردی نزد پیامبر آمد و از تنگ‌دستی و فقر شکایت کرد و حضرت سه بار به او فرمودند:
ازدواج کن؟

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: آری... درست است. سپس امام علیه السلام فرمود: رزق و روزی، به همراه زن و خانواده است.^۴

۱. زناشویی و اخلاق؛ ص ۲۵.

۲. اسلام و تمایل جنسی؛ ص ۲، به نقل از اصول روانکاوی فروید ص ۵۹.

۳. نور، آیه ۲۲.

۴. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، باب ۱۱، ص ۲۵.

بر این اساس فضایل اخلاقی مربوط به غریزه جنسی همانند: عفت و پاکدامنی، کترول جنسی در چارچوب شرع، ازدواج و ... تنها در سایه سه نوع شناخت امکان‌پذیر است:

۱. خداشناسی و تقویت ایمان به خدا و پیامبر و رعایت دستورات دینی؛
۲. خودشناسی و درک درست از خویشتن و توجه به ارزش‌ها؛
۳. شناخت امور و پیامدهای ناگوار دنیوی و اخروی شهوت رانی. (ارجاع به دروس ۴ غریزه جنسی بایدها و نبایدها).

دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد:

۱. آموزش مسائل تربیتی و بهداشت جنسی از قبل از انعقاد نطفه تا تولد فرزند و بعد از آن، از سن کودکی با مراعات در روابط زناشویی و مسایل بهداشتی فرزند و آموزش‌های صحیح در تربیت فرزند تا سن بلوغ و بعد از آن؛
۲. آموزش مسائل اخلاق اسلامی به فرد مکلف و روش طهارت بدن از مسائل ریز دستشویی رفتن تا مسائل جنابت و غسل و ازاله موهای زاید و.....؛
۳. آموزش فرد بالغ به شیوه صحیح استفاده و بهره‌بردن از غریزه جنسی و ترغیب به ازدواج با عنوان بهترین گزینه برای اطفال شهوت تا حتی شیوه لذت کامل و کافی بردن در هم‌بستری با همسر. (موضوع درس ما)

الف) دوره‌های تربیت جنسی:

دوره کودکی

دوره نوجوانی^۱

دوره جوانی و بعد از بلوغ

دوره میانسالی

دوره پیری^۲

در زندگی هر کسی سه نقطه عطف وجود دارد: تولد، بلوغ و مرگ.

نظر به اهمیت حیاتی دوران بلوغ در زندگی نوجوان و پس از آن در دوره جوانی که به شکلی تکمیل دوره نوجوانی است، به ویژه از نظر جنبه‌های تربیتی ضروری است که برخی از آگاهی‌ها و حقایق خاص این دوران تشریح گردد تا هم نوجوان به موقعیت

۱. این دو موضوع با توجه به اینکه بحث ما در مورد تربیت جنسی جوان است، از موضوع خارج است. می‌توانید برای تحقیق بیشتر به کتاب تربیت جنسی در اسلام، ثابت حافظ و مقاله مسائل جنسی بایدها و نبایدها (سایت راسخون) مراجعه فرمایید.

۲. از این دلیل که خارج از موضوع جوان است، به آن نمی‌پردازیم.

حیاتی خود پی ببرد و به تکالیف و وظایف و مسئولیت‌های شرعی، اجتماعی و اخلاقی که از این پس به او تعلق می‌گیرد، آگاهی یابد و هم اولیاء و مریبان بدین وسیله به درک روحی نوجوان خود نایل آیند.

بیشتر والدین از آشفتگی دوران بلوغ آگاهند و دوران بلوغ را با احساساتی متناقض به خاطر می‌آورند؛ مانند بهترین زمان یا بدترین زمان، سن دانایی یا سن نادانی، بهار امید یا زمستان نامیدی که این احساسات حاکی از فراز و نشیب‌های روح یک نوجوان دارد. او گاهی شاداب، خوشحال و سرزنشه و گاهی پژمرده، اندوهگین و ساکت است.

نوجوانان و جوانان به دلیل:

۱. احساس توانایی برای عمل جنسی؛

۲. تشدید انگیزه‌های جنسی؛

۳. کنجکاوی در مورد مسائل جنسی؛

۴. تلاش برای تعیین نقش جنسی؛

۵. ترس شدید از نتایج فعالیت جنسی؛

نسبت به امور جنسی حساس هستند. این حساسیت مفرط که با ترشح هورمون‌های جنسی توأم است، تمایلات جنسی جوان را تشدید می‌کند. اگر طریقه مشروع و قانونی برای تشفی امیال جنسی مقدور نباشد، امکان انحراف جوان می‌رود و این انحراف اغلب به صورت کامجویی‌های بدلتی (خودارضایی، همجنس‌بازی، نظربازی، دوستی‌های آلوده و خطرناک) تجلی می‌کند.

برای حل چنین مشکلاتی باید قبل از هر چیز به ارزیابی پرداخت. در ارزیابی و شناخت مشکلات جنسی باید ابتدا تاریخچه زندگی فرد را به دست آورد و بر اساس آن روش‌های انتخاب تغییر رفتار، شیوه‌های شناختی همچون افزایش بصیرت فرد را در سرلوحه برنامه‌ها قرار داد.

گام دوم تربیت جنسی:

در اختیار گذاشتن اطلاعات مورد نیاز اولیا و مربیان برای آموزش صحیح مسائل جنسی

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. زمان بیداری غریزه جنسی و عوامل مؤثر در آن؛
۲. تربیت جنسی به عهده چه کسانی است؛
۳. جنبه‌های مورد نظر در تربیت جنسی؛
۴. برنامه‌ریزی‌های خاص برای نوجیه مسائل جنسی نوجوان و جوان.

بیداری غریزه جنسی

در دوران بلوغ و پس از آن مشکلات زیادی برای نوجوانان و جوانان پدید می‌آید. در این دو برهه زمانی وظیفه مربی است تا با احتیاط، ذهن فرد را در این زمینه روشن سازد و به او کمک کند، راه را از چاه بشناسد. معمولاً نوجوانان و جوانان مشکلات جنسی و روانی خود را با هر کسی در میان نمی‌گذارد و بسیاری اوقات از طرح آن خودداری می‌نمایند؛ در نتیجه امکان انحراف در این زمینه به وجود می‌آید؛ بنابراین این مسئولیت متوجه چند دسته است:

۱. مسئولیت اصلی تربیت جنسی نوجوان و جوان به عهده پدر و مادر است. برای دختران، مادر می‌تواند یک مربی خوب برای آشنازیدن دختر با مسائل بلوغ، عادت ماهانه و... باشد و در صورت نبود مادر در محیط خانوادگی (به دلیل طلاق، مرگ و)، لازم است آموزش مسائل مربوط به بلوغ دختران، توسط زنان دیگر خانواده دیگر؛ نظیر عمه، مادربزرگ و خاله صورت گیرد و برای پسران، پدر می‌تواند بهترین مربی باشد و در صورت نبود پدر، برادر بزرگ‌تر، عم و دایی می‌توانند این مسئولیت را بر عهده بگیرند.

۲. مشاوران تربیتی مدارس و معلمانی که آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند، به ویژه معلمان دینی و پرورشی مدارس.
۳. روحانیون در طول ایام فراغت تحصیلی و ائمه جماعات مدارس در طول سال تحصیلی و همچنین طلاب و روحانیونی که با نسل جوان در ارتباط هستند.

در تربیت جنسی چهار جنبه باید در نظر گرفته شود:

الف) شیوه طرح مسائل جنسی

۱. برخی از مسائل جنسی؛ همچون احکام مربوط به غسل را می‌توان به صورت عمومی مطرح نمود؛ به طور مثال:
- (الف) در کلاس‌های درس احکام و دین و زندگی؛
 - (ب) روحانیون گرامی در کلاس و منبر؛
 - (ج) در جلسات پرسش و پاسخ.
۲. مسائل و احکام؛ مانند احتلام اگر به صورت انفرادی مطرح شوند، بهتر است:
- (الف) به صورت مشاوره؛
 - (ب) صندوق همراز در مدرسه و مسجد؛
 - (ج) جواب سوالات احکام تحت عنوان نشریه (ویژه نامه).
- نکته: در تمامی این روش‌ها باید طوری مسائل مطرح شود که اشاعه فحشا نگردد.

ب) شرایط طرح مسائل جنسی

شرط و مقتضیات موجود در محیط را باید در نظر گرفت؛ اگر محیط طوری است که بچه‌ها در شرایط سنی تقریباً یکسانی قرار دارند و تقاضاهای زیادی در مورد میزان اطلاعات جنسی آنها وجود ندارد، طرح عمومی مسائل به اشکالی بر نمی‌خورد و در غیر این صورت یا باید با احتیاط بیشتر مسائل مطرح گردد و یا بعد از تفکیک و جداسازی، مسائل مربوطه مطرح گردد.

ولی اگر اختلاف‌های زیادی از هر جهت در یک کلاس مشهود است، طرح مسائل خاص به صورت عمومی، معمولاً نتایج مطلوبی در پی نخواهد داشت.

ج) مراحل آموزشی و تربیتی

* آموزش کافی به والدین از طریق جلسات انجمن اولیا و مریبان و ایراد سخنرانی‌های لازم توسط مشاورین و روحانیون؛

- * آموزش جامع به مریبان تربیتی برای برخورد مناسب با مشکلات نوجوانان و جوانان (از مسائل بهداشتی تا مسائل اخلاقی)؛
- * آموزش کافی به خود نوجوان و جوان (در ادامه مطالب درباره آن صحبت می‌گردد)؛
- * آسیب‌زدایی از محیط؛
- * تقویت اراده و پرورش معنویت (در دروس کنترل و هدایت بررسی می‌شود).

د) تربیت گام به گام مسائل جنسی:

۱. نه زودتر از زمانی که لازم است و نه دیرتر از آن شروع و مطرح شود؛ در نتیجه: مسائل بلوغ باید در آستانه بلوغ نوجوان و مسائل ازدواج در آستانه جوانی مطرح شود.
۲. به هیچ وجه ضروری نیست فرد را از جزئیات روابط جنسی زن و مرد آگاهی یابد؛ ولی ضمناً مایه تأسف خواهد بود اگر دختری که آماده ازدواج است، آنقدر نسبت به مسائل جنسی ناآگاه باشد که بدترین خاطرات زندگی او مربوط به زمان عروسی او باشد.
۳. دختران از نظر جنسی نسبت به پسران آسیب پذیرتر هستند. یکی به این دلیل که از لحاظ جسمی از پسران ضعیف‌ترند و دیگر اینکه سن بلوغ در آنها کمتر از سن بلوغ در پسران است. دختران معمولاً در سن بلوغ از آگاهی و تعلیمات جنسی لازم برخوردار نیستند؛ بنابراین به سهولت در دام انحراف جنسی می‌افتد.

برنامه‌ریزی برای دو دوره نوجوانی و جوانی

مرحله اول:

این مرحله که با بیداری غریزه جنسی و بلوغ همراه است، از حدود ۱۱ تا ۱۲ سالگی آغاز می‌شود. اساس بلوغ، فعال شدن غده‌های جنسی است که در اثر این فعالیت، دگرگونی ویژه‌ای در نوجوان پدید می‌آید و با یک سری علائم و تظاهرات جسمانی و روانی همراه است. نوجوان به دلیل این انقلاب عظیم جسمی، گاهی دچار تنش غریزه شده و تجلیات و تمایلات جنسی در وجودش اوج می‌گیرد. این حساسیت شدید از حدود پانزده سالگی آغاز و تا نوزده سالگی ادامه می‌یابد.

حالات نوجوان در این سن:

۱. غالباً با والدین و مریبان در رابطه با مسائل جنسی ارتباط مناسبی ندارند و نمی‌توانند سؤالات خویش را با آنان بی‌پرده میان بگذارند؛ در نتیجه یا مشکلات خود را در دل نگه

- می دارند یا از دوستان و معاشران خود سؤال می کنند.^۱
۲. آغاز رفتارهای جنسی آگاهانه (خود دوستی، دگر دوستی، بازی با آلت تناسلی، علاقه به نظر بازی و احساس نیاز و تمایلات جنسی).
۳. پر خاشگر و انزوا طلب است (غالباً دوست دارد در گوشه‌ای نشسته و در افکار خود غوطه‌ور گردد).

آغاز بیان مسائل جنسی:

۱. نقطه شروع بیان مسائل جنسی

هنگامی که احساس کردید غریزه جنسی نوجوان تا حدی بیدار گشته و در معرض انقلاب و دگرگونی است، می‌توانید به مناسبت‌هایی رشتہ سخن را در دست گرفته و به زبان ساده و اما در عین حال سربسته، به بیان مسائل جنسی بپردازید.

به طور مثال به او بگویید: می‌دانم که اکنون به جایی رسیده‌ای که شاید افکار گوناگونی در مغزت ایجاد می‌شود، گاهی حالت تحریک به تو دست می‌دهد و میل داری شخص دیگری را لمس نمایی و...؛ اینها هیچ مانع ندارد و مقدمه‌ای برای کامل شدن توست؛ اما شرایط زندگی و تحصیلات تو اکنون اجازه ازدواج نمی‌دهد، مواظب باش به دام فساد نیافتد.^۲

۲. چگونگی اجتناب از برخورد غیرمنتظره با مسائل جنسی:

(الف) علامت‌های بلوغ و احتلام‌های شبانه و وجوب غسل را بر او تشریح کنید و به او بگویید که این‌گونه رؤیاها و احتلام‌ها طبیعی است و هیچ وقت نباید احساس گناه کند.

(ب) عواقب و خطرات انحرافات جنسی را برای فرد توضیح داده و او را آگاه نماییم.

بسیاری از نوجوانان و جوانان در اثر معاشرت با دوستان ناباب و آلوده، استمناء را تجربه کرده‌اند و یا در آستانه ابتلا به آن هستند؛ ولی در عین حال فراموش نکنید که باید به آنها حسن ظن داشت و با سعه صدر با آنها رفتار کرد. برخی از آنها به غلط می‌اندیشند بر اساس یک نیاز جسمی و جنسی و ناخودآگاه به این کار دست می‌زنند؛ در حالی که در بررسی‌های پژوهشکی و روان‌شناسی نشان داده است که نه تنها خودداری از ارضاء تمایلات جنسی تا دوره روابط زناشویی و ازدواج مطلقاً ضرری ندارد؛ بلکه سبب کامل‌تر شدن رشد جسمی و روانی شخص می‌گردد.^۳

۱. ابراهیم امینی؛ تربیت؛ ص ۲۶۵-۲۷۳.

۲. روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان؛ ص ۲۱۲.

۳. دنیای بلوغ؛ ص ۲۵۲

(ج) باید به نوجوان و جوان تغهیم کنیم که عفیف و خویشن‌دار باشد و بداند که حفظ و صیانت غریزه جنسی از سرمایه‌ها و امانت‌های الهی است و ارضاء آن به گونه‌ای مشروع از اهم واجبات است.^۱

(د) نوجوان و جوان را با موعظه‌ها و نطق‌های اخلاقی و مدارا و مماشات و با انگشت نهادن بر نقاط فطری و وجودانی او که در این سن بیدار است، با خود همراه کنید. بکوشید از تعریض و کنایه و داستان سرایی، به کارگیری امثال و حکم، بازگویی عبرت‌ها، ترساندن بجا، دادن جایزه، قهر کوتاه‌مدت و روش تساهل و تسامح استفاده کنید. توجه داشته باشید هرگز آنها را مأیوس نسازید؛ بلکه همیشه روح امید را بر کالبد وجودشان بدمید.^۲

(ه) در برخورد با نوجوانان و جوانان از ملامت و سرزنش باید دوری نمود؛ زیرا موجب لجاجت و عصیان در آنها می‌شود.

امیر مومنان علیؑ می‌فرماید: «زیاده‌روی در ملامت و توپیخ، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد».^۳

(و) برگزاری جشن تکلیف چه برای دخترها (در نه‌سالگی) و برای پسرها (پانزده‌سالگی) می‌تواند آغاز خوبی برای تربیت جنسی و طرح مسائل اخلاقی، احکام و اعتقادی باشد.

(ز) آنها را از انزوا، تنها‌بی و تفکرات مضر دور نمود.

امام علیؑ فرمودند: «کسی که به گناهان زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خود می‌کشانند».^۴

(ح) برای تربیت جنسی صحیح باید والدین مراقبت‌هایی را از خود و فرزندانشان نمایند:

* محل خواب و استراحت خود را از محل خواب فرزندان جدا کنند و همچنین آنها را در یک تخت یا کنار هم نخوابانند.

فرزندي که صدای نفس پدر و مادر را در هنگام مسائل زناشویی بشنوند، روی رستگاری را نخواهد دید.

رسول خدا ﷺ به امیر المؤمنین علیؑ فرمودند:

«یا علی! مبادا هنگام زناشویی تو با همسرت، فرزندی بیدار باشد و صدای شما و نفس‌هایتان را بشنود که اگر این‌طور شد، این کودک روی سعادت را نمی‌بیند».^۵

۱. دنیای نوجوانی؛ ص ۲۳۹

۲. دنیای بلوغ؛ ص ۱۳۱

۳. غررالحكم؛ ص ۷۰

۴. همان؛ ص ۶۶۴

۵. علل الشرائع؛ ج ۲، ص ۶۴۵

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «باید بستر دو پسر و دو دختر و پسر و دختر در ده سالگی جدا شود».^۱

همچنین امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «دختر و پسر چون ده ساله شوند، باید بسترشان جدا شود».^۲

* بدنه خود را در حضور آنان عریان نکنند.

اگر لباس از پوشش مناسب برخوردار نباشد و بیش از حد معمول عریان، تنگ و چسبان و در رنگ‌های تن و زننده باشد، می‌تواند موجب تحریک کاذب و در نتیجه موجبات فساد را در جوان شود.^۳

* مسئله حجاب و پوشش در مقابل نامحرم را رعایت و به دختران آموزش داد. آموزش این مسئله افروزن بر وجوب دینی آن، گام مهمی در کمک به حیا، عفت و پاکدامنی آنها خواهیم برداشت.

از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی پیامبر ﷺ که به صورت سیره عملی به دیگران می‌آموخته‌اند، نیز موارد زیادی در اخبار رسیده است. نقل است روزی می‌خواستند وارد خانه حضرت فاطمه علیها السلام شوند، نخست بر در خانه آمده دست به روی در گذاشتند و در را کمی عقب زده، سپس فرمودند: السلام عليکم!

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ سلام پدر را داد.

بعد پیامبر ﷺ فرمودند: اجازه دارم وارد شوم؟

عرض کرد: وارد شوید ای رسول‌خدا.

ایشان فرمودند: کسی که همراه من است، او نیز اجازه دارد وارد شود.

عرض کرد: مقنעה بر سر من نیست و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت؛ حضرت دوباره سلام کردند و فاطمه علیها السلام جواب داد و مجددًا اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق دخترشان، اجازه ورود برای همراحت که جابرین عبدالله بود را گرفت.^۴

* از مزاح و شوخی‌های تحریک‌کننده خودداری کنند.

بنابراین از بوسیدن همدیگر، در آغوش گرفتن و نگاه‌های معنی دار در حضور فرزندان خودداری کنند.

۱. مکارم الأخلاق؛ ج ۱، ص ۴۲۸.

۲. همان؛ ص ۴۱۸.

۳. فرهنگ جوان؛ ص ۵۸۵ - ۵۸۶.

۴. نفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۳۶۰.

* در نوازش‌ها، رعایت ادب و اخلاق را بکنند.

روایات در این مورد می‌تواند جالب توجه باشد؛ از آن جمله:

* نبوسیدن زنان و مردان نامحرم پسر و دختر بالاتر از شش‌ساله را و حتی در آغوش نگرفتن و نچسباندن او به خود؟^۱

* وقتی دختر بچه‌ای به سن شش‌سالگی رسید، پسر بچه او را نبود و هنگامی که پسر از سن هفت‌سالگی گذشت، زن نامحرم او را نبود.^۲

* در آرایش‌ها، سادگی و متانت را در نظر داشته باشند.

از آرایش‌های تند و زننده توسط مادر و خواهر در مقابل جوان و نوجوان باید خودداری نمود؛ چرا که موجب تحریک دائمی شخص حتی در خانه و بروز این تحریکات در بیرون از خانه و یا به صورت خودارضایی بروز خواهد نمود.

از نظر حکم شرعی واجب نیست مادر همه اعضای بدن خود را از فرزندان خودش بپوشاند؛ بنابراین بازیودن سر و گردن، دست‌ها و پاهای و ساق پا اشکالی ندارد.^۳

اما از نظر تربیتی باید گفت: زن موقعی که متوجه حساسیت جوان یا نوجوان نسبت به اعضای خویش گردید، باید مراعات بیشتری نموده و موجب تحریک او نگردد.

* از تماشای فیلم‌های نامناسب بپرهیزن.

فیلم‌های مخرب هوس‌آلود موجب تحریک جدی جوان و نوجوان می‌گردد؛ بنابراین پدر و مادر هم خود از دیدن این‌گونه فیلم‌ها باید اجتناب نمایند و هم فرزندان را از دیدن این صحنه‌ها دور نگاه دارند.

* آموزش در زدن و اجازه‌گرفتن برای ورود به اتاق و خانه دیگران، حتی پدر و مادر قرآن می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید مملوک‌های شما [بردگانتان] و همچنین فرزندانتان [کودکان] که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت از شما اجازه بگیرند:

قبل از نماز صبح و در نیم روز هنگامی که لباس‌های [معمولی] خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء». ^۴

مردی از پیامبر ﷺ پرسید: آیا به هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم، باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری. عرض کرد: مادرم غیر از من خدمت‌گزاری ندارد، باز هم باید اجازه بگیرم؟

۱. بخار الانوار؛ ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. همان؛ ج ۱۰۴، ص ۹۶.

۳. احمد رزاقي؛ بدحجابي، ريشه‌ها و راهكارها؛ (قسمت اول).

۴. نور؛ ۱۴.۵۸.

حضرت فرمودند: آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟ عرض کرد: نه. فرمود: اکنون که چنین است، از او اجازه بگیر.^۱* روابط جنسی خود را دور از دید فرزندان برقرار کنند.^۲ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «موقعی که در اطاق کودکی حضور دارد، مردان با زنان یا کنیزان خود نیامیزند؛ زیرا این عمل طفل را به راه بی‌عفتنی و زناکاری سوق می‌دهد».^۳

پیام‌های درس

۱. آگاهی‌ها و آداب لازم به فرزند درباره چگونگی کترول و ارضاي درست غریزه جنسی و فراهم‌آوردن زمینه‌های ازدواج موفق و به هنگام را تربیت جنسی می‌نامند.
۲. مهم‌ترین وظیفه اخلاقی در مسائل جنسی سر و سامان بخشیدن به روابط جنسی است.
۳. دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد: آموزش مسائل تربیتی و بهداشت جنسی، آموزش مسائل اخلاق اسلامی و آموزش فرد بالغ.
۴. والدین باید مراقبت‌های صحیح هم از خود و هم از فرزندانشان داشته باشند.

سؤالات درس

۱. تربیت جنسی را تعریف نمایید؟
۲. حالات نوجوان و جوان در سن بلوغ و بعد از آن چگونه است؟
۳. پدر و مادر در تربیت چه مسائلی را باید در نظر بگیرند؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. خانواده و تربیت مهدوی؛ مرتضی آقا تهرانی.
۲. تربیت جنسی در اسلام؛ حافظ ثابت.
۳. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب؛ متفکر شهید استاد مطهری.

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۳۵۸.
 ۲. مجله رشد، شماره ۲، محسن فرمینی فراهانی؛ دکترای فلسفه تعلیم و تربیت معلم.
 ۳. روایات تربیتی؛ ج ۳، ص ۸۶.

غیریزه جنسی بایدها و نبایدها

گام چهارم: بررسی علل و عوامل انحرافات جنسی در جوانان

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. تعریف انحرافات جنسی در دیدگاه‌های مختلف؛
۲. علل مختلف انحرافات جنسی در جوانان؛
۳. عوامل ضعف ایمان انسان و کشیده شدن به انحراف؛
۴. علل و اسباب خانوادگی انحرافات جنسی؛
۵. عوامل درون‌مرزی و بروون‌مرزی انحرافات.

تعریف انحراف جنسی:

انحرافات جنسی در واقع گروهی متنوع از بیماری‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی هستند که مبتلایان آنها، رفتارهای جنسی مغایر با مدل‌های پذیرفته شده و ارزش‌ها و معیارهای مقبول جامعه دارند.

دیدگاه جامعه‌شناسان:

انحرافات جنسی به منزله یک آسیب اجتماعی تلقی می‌گردند. از نظر حقوقی و قضایی نیز بیشتر انحرافات جنسی عملی مجرمانه شناخته شده‌اند و با مرتكبین برخورد قضایی به عمل می‌آید.^۱

۱. امیر حسین شریفی خضارتنی؛ انحرافات جنسی؛ ص ۱۰.

دیدگاه دینی:

منظور از انحراف جنسی، هرگونه لذت جویی جنسی خارج از چارچوب ارتباط با همسر دائم و موقت است که تمام مصادیق آن که عبارت است از: «لواط، سحق، خودارضایی و...» را در بر میگیرد و در قرآن با عبارت تعدی و تجاوز از راه صحیح یاد شده است.^۱

علل انحرافات جنسی:

- الف) علل فردی؛
- ب) علل خانوادگی؛
- ج) علل اجتماعی؛
- د) علل اقتصادی؛
- ه) علل درون مرزی؛
- و) علل برون مرزی.

الف) علل فردی:

۱. ضعف ایمان

غفلت از خدا، زمینه وسوسه شیطان را فراهم میکند و فرد را در منجلاب گناه و انحرافات جنسی غوطه‌ور میسازد.

عوامل ضعف ایمان

- الف) غفلت از یاد خدا؛
- ب) ارتکاب معصیت و اصرار بر گناهان؛
- ج) فاصله‌گرفتن از فضاهای ایمانی؛
- د) دوستی و اطاعت از غافلان و هوا پرستان؛
- ه) دوری از صلحاء و الگوهای نمونه؛
- و) قرارگرفتن در محیط آکنده از معصیت؛
- ز) آرزوهای طولانی، عامل سستشدن ایمان در دل

ضعف ایمان دارای عوامل و علتهای مختلفی است؛ از آن جمله میتوان به موارد

ذیل اشاره نمود:

۱. مؤمنون: ۷

الف) غفلت از یاد خدا:

در قرآن کریم می خوانیم: «و هر آن کس از یاد من دوری کند:

۱. زندگی سختی در انتظارش خواهد بود.

۲. روز قیامت، ناییننا محسور می شود».۱

به تعبیر سعدی:

هر که امروز نبیند اثر قدرت او

غالب آن است که فرداش نبیند دیدار

۳. و هر آن که از یاد خدا روی گرداند، شیطان همراه او خواهد شد.^۲

۴. هر که خدا را که فراموش کند، حقیقت انسانی خویش را از یاد برد و فاسق می شود.

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد، همانا آنها فاسقانند.^۳

کسی که به خدا توجه ندارد، هرقدر برای به دست آوردن لذت‌ها و منافع مادی و ظاهری تلاش کند، بنا به فطرت خداجویش که همواره او را به سوی کمالات فرامی خواند، لذت‌های به دست آمده او را سیراب نمی‌کند، آرام و قرار نمی‌گیرد، او یا همواره در حسرت آن چیزهایی است که ندارد یا در ترس و اندوه از دست دادن چیزهایی است که به دست آورده است؛ پس هرگز روی آرامش و اطمینان را نمی‌بیند و به جای خدا، شیطان قلب او را گرفته و همنشین او می‌گردد و در نتیجه فاسق از دنیا می‌رود.

ب) ارتکاب معصیت و اصرار بر گناهان:

قرآن کریم می فرماید:

«آیات خدا را که بر او خوانده می شود، می شنود، سپس با گردن کشی [بر گناهش] اصرار ورزیده و پای می فشارد؛ چنان‌که گویی آن را نشنیده است؛ پس او را به عذابی دردآور بشارت بد».۴

امیر المؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: «از اصرار برگناه بپرهیز؛ زیرا اصرار برگناه از بزرگترین گناهان کبیره و اعظم جرائم است».۵

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «اصرار بر گناه این است که انسان گناه کند و استغفار نکند و تصمیم بر توبه و بازگشت نگیرد».۶

۱. طه: ۱۲۴.

۲. زخرف: ۳۶.

۳. حشر: ۱۹.

۴. جاثیه: ۸.

۵. غزال الحکم؛ ج ۲، ص ۸۰.

۶. کافی؛ ج ۲، ص ۲۸.

ج) فاصله‌گرفتن از فضاهای ایمانی:

خدا در قرآن کریم می‌فرماید:

«آیا برای مؤمنان وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا و آنچه از حق و حقیقت فرو فرستاده، بذرزد؟ و آیا هنگام آن نیست که مانند کسانی نباشند که قبل از ایشان کتاب فرستاده شده و سپس زمان طولانی بر آنان سپری شده [و با دوری از دوران پیامبران] دل‌هایشان سخت شده است و بیشترشان فاسق گشته‌اند».۱

د) دوستی و اطاعت از غافلان و هواپرستان:

قرآن در این باره می‌فرماید:

«و از کسانی که قلب‌شان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن! همان‌ها که از هوا نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است».۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: «سزاوار نیست افراد با ایمان در مجلسی بنشینند که در آن گناه می‌شود و توانایی بر تغییر آن را ندارند».۳

ه) دوری از صلحاء و الگوهای نمونه:

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«مَثَلُ هَمْنَشِينَ خَوْبٍ، مَثَلُ عَطَارٍ أَسْتُ كَهْ أَكْرَ عَطْرَى بِهِ تُوْ نَهَدَدْ، حَدَاقَلْ بُوْيِ عَطْرَشْ رَا بِهِ تُوْ مَىْ رَسَانَدْ وَ مَثَلُ هَمْنَشِينَ بَدْ، مَثَلُ آهَنَّجَرْ أَسْتُ كَهْ شَرَارَ آتَشْ آنْ تُوْ رَانَمِيْ سُوزَانَدْ؛ وَلَيْ بُوْيِ بَدْ آنْ بِهِ تُوْ مَىْ رَسَدْ».۴

امیر المؤمنین علیه السلام در توصیه به امام حسن عسکری فرمودند:

«از مجلسی که بدان گمان بد می‌رود، بپرهیز که همنشین ناباب همنشین خود را دگرگون سازد».۵

امام کاظم علیه السلام به هشام از قول حضرت مسیح فرمودند:

«با دانشمندان همنشین شوید؛ گرچه بسر زانو بروید [سواره تاخت کنید]؛ زیرا خدا دل‌های مرده را به نور حکمت زنده کند؛ چنان‌که زمین را به باران زنده کند».۶

۱. حدید: ۱۶.

۲. کهف: ۲۸.

۳. بخار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۹۰.

۴. نهج الفضاحه؛ ص ۷۱۴.

۵. امالی شیخ مفید؛ مجلس ۲۶، ص ۲۴۵.

۶. تحف العقول؛ ص ۴۰۴.

و) قرار گرفتن در محیط آکنده از معصیت:

قرآن کریم، حاضر نشدن در مجلس گناه و اعراض از لغو را یکی از صفات پسندیده مؤمنان و بندگان صالح خدا معرفی نموده است.^۱

امیر مؤمنان علیؑ فرمودند:

«همنشینی با اهل لهو و گناه، موجب فراموشی قرآن و حضور شیطان می‌شود».^۲

ز) آرزوهای طولانی، عامل سست شدن ایمان در دل:

خداآوند متعال می‌فرماید:

«بگذار کافران را که بخورند و [از دنیا] بهره برند و آرزوهای ایشان آنان را غافل سازد؛ بالاخره خواهند دانست چگونه در دنیا به آرزوها و دنیاپرستی، مشغول شده‌اند».^۳

حضرت علیؑ می‌فرمایند: «بیشترین چیزی که بر شما از آن هراس دارم، پیروی هوا و هوس و آرزوهای طولانی است؛ دنباله روی هوا و هوس، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد انسان می‌برد [و آدمی را به غفلت می‌اندازد]».^۴

۲. تقلید از دیگران:

انحرافات جنسی می‌تواند به سرعت مورد تقلید فرد قرار گیرد؛ چنانچه نوجوانان و جوانان فرصت‌های زیادی را با هم و دور از چشم پدر و مادرها به سر برند، امکان انتقال اینگونه تجربیات منفی را خواهند داشت.

از مهم‌ترین علل گرایش نوجوان و جوان به دوستان نامطلوب و ناشایست، به طور معمول غفلت والدین در روابط فرزند با دیگران در دوران کودکی و ابتدای نوجوانی و سپس جوانی است. اگر به روابط فرزندمان با همسالان و دوستی‌های او به موقع توجه کنیم و ملاک‌های دوست خوب را به او بیاموزیم و از همان کودکی در او پشتونه دینی و فرهنگی و اعتماد به نفس ایجاد و وی را درست تربیت کنیم، در دوران نوجوانی و بلوغ کمتر با چنین مشکلی مواجه می‌شویم.^۵

معمولًا در خلوات‌ها دوست ناباب با تعریف خاطرات واقعی یا خیالی، سبب تحریک دیگر دوستان شده و فضا را برای مسائل بعدی از قبیل در اختیار قراردادن سی‌دی مبتذل، بلوقوت‌های جنسی و معاشرت‌های شهوانی جنسی با هم دیگر آماده می‌سازد.

۱. ر.ک: فرقان: ۷۲؛ مومنون ۳ و قصص ۵۵.

۲. میزان الحکمه: ج ۸، ص ۵۳۲.

۳. حجر: ۳.

۴. احادیث منظوم؛ ص ۸۰.

۵. حسین دهنوی؛ نسیم مهر (۲).

۳. تخلیه‌نشدن به موقع ادرار و مدفعه:

اگر فرد فرصت نیابد به تخلیه مثانه پردازد، این امر در تحریک شهوت او سهم مؤثری دارد.

وجود حالتی چون بیوست می‌تواند عاملی برای این امر باشد. نگهداری ادرار و مدفعه معمولاً ناشی از روش غلط تربیتی والدین در کودک است.

۴. دست‌کاری‌های فردی:

حس کنجکاوی در آستانه بلوغ در افراد سبب می‌شود آنها برای شناخت تفاوت خود با جنس مخالف بیندیشند و یا به اعضای خود حساس شوند و پس از دست‌کاری با بدن خود، آن را زنده کنند.

شروع این انحراف می‌تواند از کودکی به جوانی و بزرگ‌سالی انتقال پیدا کند. برخی از کودکان همواره با خود بازی می‌کنند و دست‌شان به خودشان مشغول است؛ در تنها یی یا در حضور دیگران در جیب شلوار دست کرده و با خود بازی می‌کنند، در مستراح و در حین دفع و یا در حمام به خود مشغول می‌شوند؛ این امر به تدریج عادت به استمنا را در آنان زنده می‌کند و در نوجوانی و جوانی آنان را به استمنا سوق می‌دهد.

۵. اختلالات روانی و شخصیتی:

اختلالات روانی در افراد باعث می‌شود با خودش سرگرم شود و از این راه غریزه خود و راه لذت‌بری از آن را کشف نماید؛ همچنین اختلالات شخصیتی یکی از مهم‌ترین عناصر برای شناسایی عوامل انحرافات است. بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده در تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان، این اختلال‌ها به چشم می‌خورد. پرخاشگری‌های گوناگون، رفتارهای ناسازگارانه، خودزنی (خودکشی) و رفتارهای نابهنجار دیگر چه پیش از انحراف و چه پس از آن، نشان‌دهنده وجود اختلال شخصیت در این افراد است.

۶. چشم‌چرانی و دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل:

افراد زیادی دلیل انحرافات جنسی خود را یا نگاه به زنان و دختران و یا دیدن فیلم‌های منحرف و غیر اخلاقی و دیدن عکس‌های زنان یا مردان برهنه که دائمًا جزء سرگرمی آنها است، معرفی می‌کنند. قرآن کریم درباره نگاه حرام می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان [حرام] فرو گیرند».۱

«و به زنان مؤمن بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند». ^۱
 برای بیدارنودن کسانی که چشمان خود را به گناه آلوه می‌نمایند، می‌فرماید: «او
 چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و از آنچه درسینه‌ها پنهان است، با خبر
 است». ^۲

امیرمؤمنان علیهم السلام فرمودند: «چشم‌ها، کیمن‌گاه‌های شیطان است». ^۳
 همچنین امام صادق علیهم السلام فرمودند: «نگاه اول خطأ است، نگاه دوم عمد است و نگاه
 سوم موجب هلاکت است». ^۴

که هر چه دیده بیند دل کند یاد	زدست دیده و دل هر دو فریاد
زمن بر دیده تا دل گردد آزاد	بسازم خنجری نیشش ز فولاد

۷. پوشیدن لباس‌های تنگ:

یکی از چیزهایی که می‌تواند غریزه جنسی را تحریک نماید؛ به ویژه در جوانان مجرد،
 پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان است؛ مثل شورت، مایو و زیرپوش. این نوع لباس‌ها
 باید نه زیاد نرم باشند و نه زیاد ضخیم و نه خیلی تنگ و نه گشاد.

اسلام به ویژه در مورد جوان و نوجوان تأکید دارد لباس‌هایی که می‌پوشند از جنس
 نخ باشد، چسبان نباشد ^۵ (به ویژه لباس‌های زیر) و نایلون و تنگ نباشد، اصطکاک لباس
 تنگ و نایلونی موجب خشکی پوست و سپس خارش و تحریک پوست است که خود
 موجب ابتلا به بیماری‌های جنسی؛ از جمله خودارضایی می‌شود.

۸. عاطفی‌بودن و فریب‌خوردن:

لغزش فرد در دوران بلوغ، به دلیل حساس و عاطفی‌بودن و ضعف جسمی او است؛
 دختران قبل از بلوغ کمتر دچار لغزش می‌شوند و پس از بلوغ هم اگر در معرض لغزش
 و یا فریب قرار می‌گیرند، دلیل اساسی را در عاطفی بودنشان باید جستجو کرد؛ زیرا خیلی
 زود تحت تاثیر افراد منحرف قرار می‌گیرند و چون معمولاً پنهان‌کاری می‌کنند، کار آنان
 کمتر آشکار می‌شود و همان‌گونه که محبت بیش از اندازه و شیوه‌های غلط ابراز محبت
 باعث انحراف نوجوان می‌شود، کمبود محبت نیز در انحراف آن بسیار موثر است.
 هاد فیلد یکی از روان‌شناسان می‌گوید: کمبود محبت در نوجوانی بهترین علت روانی

۱. همان: ۲۱

۲. غافر: ۱۹

۳. بخار الانوار؛ ج ۱۰۴، ص ۲۸

۴. مکارم الاخلاق؛ ج ۱، ص ۲۳۶

۵. اسلام و تمايل جنسی؛ ص ۱۰۶

استمنا است. نوجوان چون از دیگران مأیوس و دلسرد می‌شود، به خودش می‌گراید؛ به طوری که تمام زندگی او روی زندگی جسمانی متمرکز گردیده و میل شدیدی به احساس لذتبردن در او پدید می‌آید.^۱

۹. انزوا و تنهايی:

انحرافات جنسی مرض تنهايی ناميده شده است. اين مطلب به خوبی نشان می‌دهد تنهايی يكى از زمينه‌های اصلی ابتلای فرد به انحرافات جنسی از جمله خوددارضایي است. تنهايی؛ يعني درهم شکستن پيوندهای ارتباطی خودمان با دیگران، نوجوانی که در اتاق خودش، منزل و یا محیط‌های دیگر زمان زیادی را در تنهايی به سرمی‌برد و کسی را نظاره‌گر خود نمی‌بیند، بسياری از اوقات وسوسه می‌شود و بر اثر دستورزی با اندامش کم کم لذت‌هایی را تجربه می‌کند و همین امر باعث ابتلای او به خوددارضایی و کم کم سایر انحرافات جنسی می‌شود. در واقع تنهايی به منزله حصاری است که نوجوان را به دور خودش می‌کشد. معمولاً انسان‌ها وقتی در حضور دیگران هستند، حریم‌ها را حفظ می‌کنند و دست به هر کاری نمی‌زنند؛ ولی در تنهايی به اين تصور که کسی حضور ندارد، در حالی که خدا همیشه و همه‌جا شاهد کارهای ماست، ممکن است کارهایی غیر اخلاقی مرتکب شوند.

۱۰. ويزگی‌های دوران نوجوانی و بلوغ زودرس:

يکى از مسائل مورد توجه در انحرافات جنسی جوانان، سن آنها است. بر اساس آمارهای موجود بيشترین تعداد منحرفين بين دوازده تا هجده سالگی به انحراف کشیده می‌شوند که اين مسئله درصد بالاي انحراف در سنین بلوغ را نشان می‌دهد. در اين سنین احساسات و هيجانات شديد با بحران بلوغ همراه شده و نوجوان را وا می‌دارد تا به دنبال هویت خود باشد و اغلب آن را در گروه همسالان خویش می‌يابد. از سوی دیگر تعداد زیادي از مشکلات عاطفى، فرهنگی، فکري و شناختي که در دختران فراری دیده می‌شود، مشکلاتی است که معمولاً در دوران نوجوانی و بلوغ به وجود می‌آيد و از ويزگی‌های اين دوره به شمار می‌رود. توجه نکردن و برخورد نادرست برخی والدین به ويزگی‌های روانی و عاطفى فرزندان در اين دوره مانند: زودرنجی و احساساتی‌بودن، کم‌روبي، گوش‌گيری و درون گرایي، برتری‌جويی و جلب توجه دیگران باعث تزلزل شخصيت و هویت نوجوان شده و نوجوان به دليل نداشتن هدف مشخص و الگو پذيری نادرست از دیگران، نيازها

۱. خانواده و زندگی؛ بخش آموزش مسائل جنسی.

و دلبستگی‌های خود را در جنس مخالف جستجو کرده و به دنبال آن به انحراف کشیده می‌شود.^۱

معمولًا بین بلوغ جنسی و بلوغ روانی و اقتصادی یک نوجوان فاصله‌ای چند ساله وجود دارد. نوجوان در این فاصله فشارهای زیادی را تحمل می‌کند و دوران حساسی را می‌گذراند. حال اگر فرض کنیم نوجوانی زودتر از معمول به بلوغ برسد (بلوغ زودرس)، مشکل انحرافات جنسی را در مورد او بیشتر می‌کند.

به دلیل تحولاتی که در دوره بلوغ در فرد به وجود می‌آید، فرد تمایل درونی به جنس مخالف را در خود احساس می‌کند؛ ولی چون تماس بدنی با جنس مخالف برایش امکان ندارد، برای رهایی از تنش ناشی از این تمایلات درونی به اعمالی مثل خوددارضایی، چشم‌چرانی (ایترنوتی یا غیر ایترنوتی) و ... روی می‌آورد.

بدیهی است نوجوانانی که زودتر به بلوغ می‌رسند، مشکلات بیشتری دارند؛ زیرا باید فاصله زمانی طولانی‌تری را طی کنند تا در زمان مناسب بتوانند با ازدواج، غریزه جنسی‌شان را به طرز صحیحی ارضا کنند و همین فاصله زیاد ممکن است زمینه ساز ابتلا به انحرافات جنسی شود.^۲

۱۱. اضطراب:

هر فرد در زندگی خود ممکن است در شرایطی دچار اضطراب شود. اضطراب، مکانیزمی است که برای بدن لازم و ضروری است؛ اما زمانی که اضطراب از حالت بهنجار خارج گردد، به اضطراب مرضی تبدیل می‌شود که حتی غیر طبیعی و برای سلامت فرد مضر است. اضطراب مرضی؛ یعنی نگرانی پیشایش نسبت به خطرها یا بدیختی‌های آینده، به صورت غیر طبیعی و همراه با احساس بی‌لذتی یا نشانه‌های بدنی تنش و منبع خطر پیش‌بینی شده که می‌تواند درونی یا بیرونی باشد. در بیشتر منحرفین جنسی، نشانه‌های اضطراب به چشم می‌خورد و آنان از این اختلال رنج می‌برند. یکی از ویژگی‌های اضطراب، سردرگمی و ناتوانی در تصمیم‌گیری صحیح است.

نوجوانی که اختلال اضطراب دارد، در زمان‌های حساس و هیجانی، هیچ کنترلی بر روی رفتار خود ندارد. او نمی‌تواند خود را آرام کند و تصمیم درستی بگیرد؛ بنابراین کارهایی انجام می‌دهد که مشکلات او را بیشتر می‌کند و در نتیجه بر اثر ایجاد شکاف میان او و خانواده و تمایل به دیگران دست به اعمال انحرافي می‌زند.^۳

۱. همان.

۲. محمود محمدیان؛ بلوغ تولیدی دیگر؛ ص ۴۰.

۳. خانه‌گریزی دختران.

۱۲. افسردگی:

یکی دیگر از اختلالات روانی که در انحرافات جنسی جوانان مؤثر است، افسردگی می‌باشد. این اختلال به گونه‌ای است که بر توانایی‌های فرد اثر می‌گذارد، یعنی توانایی‌های جسمانی، فکری، عاطفی، هیجانی، یادگیری و ارتباط ساده و طبیعی با دیگران و خانواده را در حد بسیار زیادی مختل می‌کند، در نوع شدید این اختلال گاه فرد ساعت‌هایی بی‌حرکت در گوشه‌ای می‌نشیند، در فکر فرو می‌رود که این شرایط با حالت‌های غم و یأس، خستگی مفرط، خواب آلودگی و همچنین اضطراب همراه است. افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالاتی است که منحرفین جنسی با آن دست به گربیان هستند.^۱

۱۳. تخیلات تحریک‌کننده؛

۱۴. تماس فیزیکی با نامحرم؛

۱۵. ناآگاهی از عواقب انحرافات جنسی؛

۱۶. داشتن نگرشی مثبت و مفید به انحرافات جنسی؛

۱۷. نارسایی‌های ذهنی و کسب‌نکردن موفقیت‌های تحصیلی و درسی.

ب) علل خانوادگی:

خانواده پیکره اصلی جامعه است و نقش مهمی در پرورش فرزندان دارد. والدین با ایجاد روابط سالم و دوستانه با فرزندان و توجه به نیازهای جسمانی و روانی آنان می‌توانند آنها را از لحاظ شخصیتی و روانی متعادل و سالم بار بیاورند. به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ریشه اصلی آسیب‌های اجتماعی و از جمله انحراف جوانان، خانواده است. به عقیده آنان یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف، سلب آرامش روانی و عاطفی فرزندان در محیط خانه و خانواده است.

وقتی در خانواده به جای توجه به مسائل و نیازهای فرزندان، فقر فرهنگی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و ... حاکم شود، فرزندان خانواده به انحراف کشیده می‌شوند. آنها به پندار خود می‌روند تا به یک زندگی بهتر و با وضعی مطلوب‌تر برسند و آرامش و محبت را تجربه کنند؛ اما خواسته و ناخواسته دچار انحرافات اجتماعی و جنسی؛ مثل اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، سرقت، تشکیل خانه‌های فساد و... می‌شوند.

۱. فرزانه صمدی؛ بلوغ و دگرگونی‌های آن.

نتایج تحقیقات انجام شده درباره انحرافات جنسی نوجوانان و جوانان نیز مؤید این مسئله می‌باشد که مشکلات خانوادگی از جمله عوامل اصلی انحرافات می‌باشد؛ به طور مثال در تحقیقی با عنوان «علل فرار دختران از خانه» در مورد ۱۲۰ دختر فراری در تهران انجام شده، در خصوص علل فرار (۳۶٪) دختران فراری، اختلاف با پدر و کنک خوردن از وی، (۵٪) اختلاف با برادر و کنک خوردن از او، (۱۵٪) اختلاف با مادر و (۳٪) ازدواج اجباری را ذکر کرده‌اند. (۷۸٪) دختران فراری والدین معتمد داشته و (۸۵٪) آنها دارای خانواده‌هایی هستند که حداقل یک نفر از آنها به جرم سرقت به زندان رفته است. عوامل دیگری همچون تبعیض در خانواده (۸۸٪)، کنترل شدید والدین (۸۲٪)، اختلاف خانوادگی و احساس طردشده از خانواده (۸۴٪) از دلایل دیگر فرار است.^۱

برخی از علل و اسباب خانوادگی در انحرافات جنسی

۱. نظارت و مراقبت‌نکردن والدین از فرزندان خود:

نظارت و مراقبت‌نکردن نوجوانان و شکست‌های تحصیلی پی‌درپی و ازدواط‌لبی بیش از حد آنها یکی از علل اصلی انحرافات جنسی در محیط خانواده است.

۲. دیر ازدواج نمودن یا تأخیر در ازدواج بین افراد خانواده:

اسلام ازدواج را برای جوان یا نوجوان در آغاز بلوغ یک مستحب مؤکد شمرده است و با بروز اولین نشانه‌های حرام و گناه، آن را واجب می‌داند؛ یعنی اگر ازدواج نکند و در دام گناه اسیر بماند، خداوند او را تبیه خواهد کرد و می‌بایست خانواده به هر صورتی که می‌تواند زمینه ازدواج او را پدید آورد و اگر نتواند زمینه ازدواج او را فراهم کند و به گناه بیفتد، خداوند افزون بر مؤاخذه آن جوان که به هر دلیل خود را حفظ نکرده، آن خانواده را هم مؤاخذه خواهد نمود.

۳. نبود برنامه اوقات فراغت برای اعضاء خانواده:

گاهی اوقات دلیل ابتلای نوجوان به انحرافات جنسی، نداشتن برنامه برای اوقات فراغت از طرف خانواده می‌باشد. اعضای خانواده که بی‌ برنامه هستند و اوقات بیکاری‌شان به بطالت می‌گذرد، معمولاً ذهنشان مورد هجوم افکار مختلف قرار می‌گیرد. هر فکری ذهنشان را به سمت خودش می‌کشاند و نوجوان بیکار هم بسیاری از اوقات برای پرکردن وقتش، ممکن است تسلیم وسوسه‌های شیطان شود و به گناه آلوده گردد.

۱. مجله پیام زن؛ شماره ۱۲، ص ۴۰۳.

۴. ناسازگاری در محیط خانوادگی:

بروز ناسازگاری خانوادگی از جمله عواملی هستند که فشارهای روانی زیادی را بر زندگی مشترک زوجین تحمیل می‌کنند و موجب به وجود آمدن زمینه‌های انحرافات جنسی در بین آنها می‌شود.

۵. عقده حقارت یا احساس طرد شدن در خانواده و کمبود محبت:

به اعتقاد بسیاری از روانشناسان انحرافات جنسی ناشی از کمبود توجه و محبت در خانواده و عقده حقارت است.^۱ همان‌گونه که محبت بیش از اندازه و شیوه‌های غلط ابراز محبت باعث انحراف نوجوان می‌شود، کمبود محبت نیز در انحراف آن بسیار موثر است. کمبود محبت در نوجوانی بهترین دلیل روانی انحرافات جنسی است. فرد چون از اعضاء خانواده و دیگران مأیوس و دلسوز می‌شود، به خودش می‌گراید؛ به طوری که تمام زندگی او روی زندگی جسمانی مرکز گردیده و میل شدیدی به احساس لذت‌بردن در او پدید می‌آید.

۶. مساعدنیودن شرایط و محیط خانواده:

ریشه بسیاری از انحرافات جنسی را باید در محیط خانواده و شرایط زندگی افراد جستجو کرد. مراعات نکردن اصل مهم حیا و شیوه لباس پوشیدن و به کارگیری الفاظ نامناسب و تماس بدنی با کودکان و کنترل نشدن روابط کودکان، جدانکردن محل خواب فرزندان و ...، زمینه انحرافات جنسی در دوران بلوغ را فراهم می‌کند. باید توجه داشت خانواده‌هایی بیشتر در معرض انحرافات جنسی قرار می‌گیرند که میان پدر و مادر اختلاف و ناسازگاری و بدرفتاری با فرزندان باشد.^۲

۷. بی‌بندوباری جنسی والدین در برقراری روابط زناشویی با یکدیگر:

برخی از نوجوانان دلیل ابتلای خود به انحرافات جنسی بی‌بندوباری جنسی والدین در برقراری روابط زناشویی ذکر کرده‌اند.

۸. بی‌توجهی در مجالست‌ها و همنشینی با افراد بی‌بندوبار و لابالی و منحرف خانواده‌های فامیل؛

۹. توجه‌نکردن به مسائل تربیتی فرزندان؛

۱۰. وجود اختلافات زناشویی؛

۱۱. طلاق؛

۱. محمود محمدیان؛ بلوغ تولیدی دیگر؛ ص ۴۰.

۲. محمد علی سادات؛ راهنمای پدران و مادران؛ ج ۱، ص ۹۳.

فصل اول: غریزه جنسی بایدها و نبایدها (کام چهارم) بررسی علل و عوامل انحرافات جنسی در جوانان

۷۳

۱۲. اعتیاد والدین؛

۱۳. بی‌سربیرستی و یا بدسربرستی؛

۱۴. زندگی با ناپدری و یا نامادری؛

۱۵. خشونت در خانواده؛

۱۶. تبعیض بین فرزندان؛

۱۷. فقر اقتصادی خانواده؛

۱۸. تعصبات و پاییندی به آداب و رسوم قومی (به ویژه در ازدواج دختران)؛

۱۹. ضعیف‌بودن اعتقادات مذهبی خانواده.

ج) علل اجتماعی:^۱

۱. افزایش ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌هایی مانند بدحجابی و مدگرایی:

هر اجتماعی هنجارها و ناهنجارها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی دارد و بی‌شک افرادی که در این اجتماع زندگی می‌کنند، از این ارزش‌ها اثراپذیرند. در این میان اثراپذیری نوجوانان و جوانان به مراتب بیشتر از بزرگ‌سالان است؛ زیرا هنوز هویت خود را کاملاً بازشناسی نکرده و شخصیت او به ثبات و تکامل نرسیده است. او مانند جسم سیالی است که در هر ظرف و قالبی ریخته شود، شکل آن را به خود می‌گیرد؛ بنابراین ارزش‌ها و ضد ارزش‌های جامعه باید کاملاً در مسیری باشد که نوجوان و جوان را برای یافتن هویت واقعی مذهبی و ملی خود یاری کند؛ در غیر این صورت بیشترین آسیب متوجه آنها خواهد بود.

بدحجابی و مدگرایی که در ذهن و عمل بسیاری از افراد به یک هنجار تبدیل شده است؛ از جمله نا هنجاری‌هایی هستند که سبب می‌شوند تا فرد، شخصیت خود را بر اساس همین هنجارهای غلط پایه‌ریزی کنند و به سنتیز با خانواده و هنجارهای آن برخیزند.

۲. اعتیاد:

وجود اعتیاد سالیان درازی است که دامان جامعه ما، به ویژه نسل جوان را فرا گرفته و خواسته یا ناخواسته ابعاد آن گسترش یافته است. به گونه‌ای که امروزه برای بعضی از افراد صحبت‌کردن درباره معتادان و اعتیاد، مسئله‌ای عادی تلقی می‌شود. قرارگرفتن ایران در مسیر ترانزیت مواد مخدر به اروپا، هم‌جواری با دو کشور پاکستان و افغانستان که از

۱. همان.

مهم‌ترین مرکز تهیه و توزیع مواد مخدر در دنیا می‌باشد، توطئه استعمارگران برای پخش مواد مخدر در کشور اسلامی ایران، وجود افراد سودجو و درآمد بالای حاصل از قاچاق مواد مخدر از جمله مهم‌ترین عوامل گسترش مواد مخدر در کشور ما می‌باشد.

نوجوانان و جوانان منحرف ضمن اینکه خود مشکلات گوناگونی را تجربه کرده و انگیزه بیشتری برای اعتیاد دارند؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که تعدادی از آنها به سبب تهیه مواد مخدر از خانه گریخته‌اند؛ زیرا در خانه والدین اصرار به ترک اعتیاد آنان داشته‌اند و آنها به دلیل اینکه اعتیاد را ترک نکنند، از خانه گریخته‌اند. از طرفی برخی از جوانان و نوجوانان به دلیل اعتیاد والدین و به خواسته آنان مجبور به خرید مواد مخدر برای والدین معتمد می‌باشند؛ بنابراین اعتیاد خود و اعتیاد والدین یکی دیگر از عوامل مؤثر در انحراف آنان می‌باشد.^۱

۳. قاچاق:

از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، مسئله قاچاق زنان در سطح جهانی ابعاد گستردۀ‌ای پیدا کرد؛ هر چند از ابتدای سده بیستم چند سند بین‌المللی برای سرکوبی این جرم طراحی و تصویب شد. در دهه‌های اخیر مشاهده شده تعداد زیادی از زنان و دختران، به ویژه از کشورهای آسیایی، اروپایی مرکزی و روسیه با وعده مشاغلی چون خدمتکاری رستوران، بچه‌داری، پرستاری و... و درآمد خوب فریب خورده و در نهایت عده زیادی از آنان به صورت ابزاری برای خوشگذرانی مردها درآمده‌اند. در ایران نیز نمونه‌های بسیاری از قاچاق دختران و زنان به شیوه‌های مختلف مشاهده شده است.

آمارها حکایت از آن دارد که مجموع سود حاصل از این تجارت کثیف، سالانه بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار است. فساد دولت مردان و به تبع آن سکوت آنها و نیز سکوت جامعه در قبال این پدیده زشت، دست تبهکاران را برای این تجارت مدرن و پرسود بازگذاشته است.

در دنیای امروزی، قاچاق جهانی زنان و کودکان برای مقاصد جنسی به سرعت در حال جایگزین شدن قاچاق اسلحه و مواد مخدر است؛ به گونه‌ای که این کالا هم‌اکنون توجه باندهای تبهکار را سخت به خود معطوف نموده است. به واسطه مخاطرات نسبتاً اندک این تجارت و سود سرشار آن است که باندهای سازمان یافته، به گونه‌ای فزاینده، فعالیت‌های خود را به این حوزه جدید سوق می‌دهند. آمارها بیانگر آن است که همه ساله چهار میلیون زن و کودک کالای این تجارت مورد سوءاستفاده خریداران و فروشنده‌گان

۱. خانه‌گریزی دختران.

قرار می‌گیرند تا تداعی کننده نوعی بردگی در دنیای جدید باشند و در این بین درآمدی معادل ۵۲ میلیارد دلار در سال عاید صاحبان این تجارت نماید.^۱

۴. فریب خوردن و اعتماد نابجا به افراد ناشناس در جامعه:

فریب خوردن و اعتماد نابجا به افراد ناشناس از جمله زمینه‌ساز فحشا در جامعه می‌باشد. تحقیقی بر روی دختران فراری در سال ۱۳۸۰ نشان داده است که ۲۴٪ افراد فراری از منزل، دخترانی هستند که اغفال شده، سپس ترک منزل نموده‌اند. فریب خوردن ممکن است علل مختلفی از جمله: نارضایتی از خانه پدر یا همسر، تسلیم شدن در مقابل مردان به امید ازدواج آینده، بی‌سوادی و آگاهی نداشتن افراد والدین آنها و مورد سوء استفاده قرار گرفتن توسط فرصت طلبان، استفاده‌های نامناسب ارتباطی به وسیله اینترنت و... داشته باشد.^۲

۵. رسانه‌های گروهی:

رسانه‌های گروهی به ویژه ماهواره، اینترنت، رادیو و تلویزیون (به ویژه رسانه‌های بیگانه) امروزه در زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند؛ اما در این میان تلویزیون و ماهواره با بهره‌گیری از دو حس بینایی و شنوایی تأثیرگذارترین عامل پس از خانواده، بر روی افراد، به ویژه نوجوانان و جوانان است. این رسانه‌ها می‌توانند هم نقش ویرانگری بزرگ را داشته باشند و هم در مورد مطالب گوناگون آموزش‌های مفیدی به مخاطبان بدهند؛ همچنین می‌توانند با استفاده از برنامه‌های مختلف در هویت‌دهی به جوانان نقش ایفا کرده و الگوها و فرهنگ‌هایی را به جامعه مخاطبین معرفی نمایند.

در واقع الگوپردازی و تأثیرپذیری مستقیم از رسانه‌ها و فیلم‌های به نمایش درآمده در آن واقعیتی انکارناپذیر است که در زمینه انحراف هم این آثار کاملاً به چشم می‌خورد. تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان منحرف اعتراف کرده‌اند تا زمانی که در بعضی از فیلم‌ها ندیده بودند نوجوانی به سبب تمایلات جنسی با جنس مخالف رابطه برقرار می‌کند و از حالت طبیعی و روزمره خود خارج می‌شود، چنین زمینه‌ای به ذهن آنان نرسیده بود. آنها تنها با دیدن چنین فیلم‌هایی به فکر انحراف افتاده‌اند تا از وسوسه‌های شیطانی خود خلاص شوند.^۳

به تصویر کشیده شدن رفتارهای جنسی در عرصه رسانه‌های تصویری (ماهواره‌ها و

۱. ماهنامه سیاحت غرب؛ سال اول، شماره ۶.

۲. زمینه‌های بروز انحرافات اجتماعی زنان در جامعه.

۳. ر.ک: درس هرزه‌منگاری رسانه‌ای.

ایترنت)، با تأثیر مستقیم بر رفتارهای مخاطبان آنها و به ویژه جوانان و نوجوانان همراه بوده است. بر پایه مطالعات و تحقیقات متعدد، بسیاری از رفتارهای نابهنجار جنسی در بین جوانان، نتیجه انتشار و پخش چنین تصاویر تحریک‌آمیز و اغواکننده‌ای می‌باشد که روز به روز بر دامنه آنها افزوده می‌شود.^۱

۶. دوستی با جنس مخالف در سطح جامعه:

دوستی و رابطه با جنس مخالف در سطح جامعه، یکی از انحرافات اخلاقی است که امروزه دامنگیر برخی از نوجوانان شده است. منظور ما از رابطه هر نوع ارتباطی بین دختر و پسر نامحرم است که به تحریک شهوت در آنها منجر شود. حال چه ارتباط حضوری باشد، چه تلفنی، چه از طریق نامه، چه چت کردن و یا؛ ارتباط و دوستی دختر و پسر که معمولاً با تبادل عواطف و احساسات همراه است، باعث تشدید شهوت در دوطرف می‌شود. وقتی دختر و پس از یکدیگر جدا می‌شوند، آتش این شهوت شعله‌ورتر می‌گردد و به دلیل افکار تحریک‌کننده‌ای که ذهن آنها را پرکرده است، ممکن است دست به یکی از مصادیق انحرافات جنسی از جمله خوددارضایی یا پورنوگرافی بزنند.

۷. اطلاعات نادرست و مفید جلوه داده شدن برخی از انحرافات جنسی در اجتماع:

بسیاری از گروه‌های اجتماعی سعی می‌کنند از هر راهی که امکان دارد اطلاعاتی در اختیار نوجوانان، به دلیل کمبود اطلاعات‌شان در مورد مسائل جنسی قرار دهند. نوجوانان بسیاری از اطلاعاتی را هم که به دست می‌آورند به وسیله دوستان، بزرگترها، کتاب‌ها و سایت‌های مختلف و غلط است و هیچ مبنای علمی ندارد. چه بسا در خلال اطلاعاتی که به دست می‌آورند به این نتیجه نادرست برسند که مثلاً خوددارضایی نه تنها ضرر ندارد، بلکه برای بدن مفید هم هست و باعث آرامش فرد می‌شود. همین امر ممکن است زمینه‌ساز ابتلای نوجوان به سایر انحرافات جنسی گردد.

۸. معاشرت با منحرفان (دوستان منحرف و ناباب):

یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی تأثیرپذیری و الگوگیری از همسالان است. نوجوان به رفاقت و دوستی با همسالان خودش اهمیت فراوانی می‌دهد و از آنها بیش از دیگران تأثیر می‌پذیرد. معمولاً اوقات زیادی را با دوستانش سپری می‌کند و به راحتی از آنها رنگ می‌پذیرد. طبیعتاً اگر در بین دوستانش افرادی ناباب و منحرف باشند، روی او تأثیر می‌گذارند. به طور کلی دوست هر شخصی تأثیری عمیق بر روحیات، افکار و رفتارهای

۱. ماهنامه سیاحت غرب؛ شماره ۴۰

او می‌گذارد. بسیاری از افرادی که به بیراهه کشیده می‌شوند و مرتكب کارهای خلاف می‌گردند، از دوست بد می‌نالند و دلیل بدینختی و انحراف خود را رفاقت با رفیقان ناسالم می‌دانند. آلوودگی و انحراف، به سرعت به وسیله دوستان نااهل به افراد پاک سرایت می‌کند.

البته اثر گذاری دوستان ناباب تدریجی و آرام است و گاهی اوقات نوجوان خودش هم متوجه انحرافش نمی‌شود و بعد از مدتی می‌فهمد در چاهی افتاده است که بیرون‌آمدن از آن مشکل است.

موارد زیادی اتفاق افتاده است که نوجوان به دلیل بی‌دقیقی در انتخاب دوستانش و رفاقت با دوستان منحرف، دچار انحرافات جنسی شده است.

۹. کمبود امکانات جایگزین معضل ناشی از انحرافات جنسی در سطح اجتماع.

۱۰. کمبود خدمات مشاوره و مددکاری در سطح جامعه.

۱۱. گفتگو و صحبت کردن با نامحرم به خصوص در مورد چیزهایی که موجب تحریک جنسی می‌شود.

۱۲. گوش دادن به گفتگوهای افراد منحرف و آلوود و کسب اطلاعات نادرست و نامناسب از مسائل جنسی

د) علل اقتصادی

۱. فقر:

حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ می‌فرمایند: «گاه فقر به کفر می‌انجامد». فقر مادی یکی از عوامل به وجود آورنده پدیده انحرافات است. به نظر می‌رسد آمار انحرافات در خانواده‌های فقیر، بیشتر از خانواده‌های ثروتمند است. هرچند تفاوت بین آمار انحراف خانواده فقیر و متول، خیلی زیاد نیست؛ ولی به طور کلی تعداد انحراف در خانواده‌های تهییدست بیشتر به نظر می‌رسد.

در بسیاری از خانواده‌ها بر اثر ناتوانی اقتصادی، نیازهای اصلی فرزندان از جمله تغذیه، پوشان، بهداشت و... بر آورده نشده و مشکلات فراوانی مانند انواع بیماری‌ها، سوء تغذیه، محرومیت از داشتن پوشان مناسب و... را به وجود می‌آورد. بر اثر به وجود آمدن مشکلات یاد شده، تعادل خانواده در موارد گوناگون به هم خورده و استرس و تنفس میان اعضاء خانواده شکل می‌گیرد.

بسیاری از ترک تحصیل‌ها، کار کودکان در سنین پایین، سرقت، سوء استفاده از کودکان

۱. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۳۰۷ و بحار الانوار؛ ج ۲۷، ص ۲۴۷

و فرار از خانه به سبب فقر و تهییدستی در خانواده به وجود می‌آید. کودکی که از یک سو به سبب کمودهای مادی به آرزوهاش نرسیده و از سوی دیگر به سبب نداشتن امکانات برای رشد فکری و فرهنگی، فردی کوتاه‌فکر و ساده بار آمده است، قدرت تجزیه و تحلیل ضعیفتری نسبت به دیگر همسالان خود دارد و با اندک وعدهای حاضر می‌شود دست به هر کاری بزند.^۱

۲. بیکاری:

امروزه بیکاری و نداشتن شغل نیروهای قادر به کار، با عنوان یکی از پدیده‌های اقتصادی - اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. عواملی چون علل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افزایش جمعیت و مهاجرت، علل سیاسی (جنگ، تحریم اقتصادی، ...) و علل فردی در بروز این پدیده نقش دارند. بیکاری اثراتی چون فقر و گرسنگی، تحول جمعیت، مسائل فرهنگی - اجتماعی، ظهور و ترویج مشاغل کاذب و مخرب، اثرات عاطفی و روانی بر افراد و... را به دنبال دارد. بیکاری و عدم اشتغال نیروی فعال به ویژه در نسل جوان، زمینه بروز انواع انحرافات اجتماعی و اختلالات فرهنگی را فراهم می‌کند؛ بنابراین بیکاری را می‌توان بلاای تصور کرد که اگر در جامعه رو به افزایش باشد، حاصل آن سلب امنیت و آسایش از جامعه و ترویج فحشا و فساد خواهد بود.^۲

۵) علل درون مرزی

۱. جراید و مطبوعات:

از جمله ابزارهای دشمن در داخل کشور برای انحراف نسل جوان کتاب، روزنامه، مجله و مطبوعات است. امروزه روان‌شناسان معتقدند نشریات و کتب انحرافی، همان اندازه در تخریب شخصیت فکری و معنوی جوانان موثر است که نشریات و کتب مفید در سازندگی آنها؛ از این رو مهاجمان فرهنگی برای به انحراف‌کشاندن نسل جوان و تهی‌کردن امت اسلام از فرهنگ غنی و اصیل خویش در قالب شعر، قصه، رمان، طنز و داستان‌های پلیسی به فعالیت‌های گسترده‌ای دست زده‌اند.

در زمان طاغوت تألیف و چاپ و نشر این‌گونه کتب در کشور در تیراز بالا رواج داشت و بعد از انقلاب اسلامی تألیف و چاپ و نشر آنها ممنوع گردید؛ اما متأسفانه الان هم به طور قاچاق این‌گونه کتاب‌ها چاپ و توزیع می‌گردد و گاه در دست فروشی‌ها به معرض فروش گذارده می‌شود و مورد مطالعه جوانان قرار می‌گیرد که لازم است ضمن توجه مسئولان فرهنگی از این‌گونه کتاب‌ها، به جوانان

۱. خانه‌گریزی دختران؛ ص ۳۰.
۲. همان.

توصیه شود که کتاب‌های منحرف کننده؛ همچون غذای فاسدی است که خوردن آن جر مرض و ناخوشی چیزی به ارمغان نمی‌آورد و همان‌گونه که جوانان هر غذایی را وارد معده خویش نمی‌کنند، باید هر کتاب و نشریه‌ای را مورد مطالعه قرار ندهند؛ بلکه با معیارهای صحیح به بررسی غذای روان خویش بپردازنند و به این نکته توجه داشته باشند که زدودن اثرهای سوء مسائل فکری غلط، بعضی مواقع کاری بسیار دشوار و مشکل است.^۱

۲. لباس‌های آرمدار:

یکی دیگر از ابزارهای درونمرزی دشمن برای انحراف جوانان، استفاده از لباس‌های آرمدار است. منظور از لباس‌های آرمدار، لباس‌هایی است که به گونه‌ای نشانه فرهنگ غرب و بی‌توجهی به فرهنگ خودی می‌باشد؛ مانند نحوه دوخت از جهت گشادی یا تنگی، ترکیب رنگ آن، کوتاهی یا بلندی آن و نوشه و نقش‌های روی آن.

پوشیدن لباس فواید فراوانی دارد؛ از جمله حفظ بدن از سرما و گرما، پوشاندن عیوب جسمی، افزایش زیبایی آدمی، جلوگیری از مفاسد و حفظ عفت.

اما امروزه اوضاع به گونه‌ای است که کیفیت لباس از جهات مختلف می‌تواند یکی از عوامل مهم تبلیغ فرهنگ‌ها شود. با توجه به اصل تأثیر ظاهر بر باطن و اینکه ظاهر انسان تأثیر فراوانی در شکل دهی باطن و شخصیت او دارد، باید به مسئله لباس توجه خاص داشته باشیم. امروزه اجتماع به گونه‌ای تحول یافته است که کیفیت پوشیدن لباس زن و مرد تابع بینش و ارزش‌های حاکم بر افراد آن جامعه است و نوع جهان‌بینی شخص را معین می‌کند.

در جوامعی که ارزش‌های معنوی و الهی مدفون گردیده است و درخت فرهنگ‌ها از آب فضیلت و معنویت محروم مانده و شخصیت انسان‌ها بر پایه اعتباریات و توجه دیگران شکل یافته است، مدل‌سازان داخلی سعی می‌کنند از این طریق وارد دنیای جوانان شوند و ضمن عرضه لباس‌های مختلف در مدهای متفاوت، فرهنگ غرب را ترویج نمایند و با تحول در ظاهر آنها، باطن، فکر و فرهنگ آنها را به کل تغییر دهند.

امروزه لباس یکی از ابزارهای مهم تبلیغاتی در دست مهاجمان فرهنگی قرار گرفته است و با توجه به اینکه لباس، صرفاً یک امر سلیقه‌ای نیست؛ بلکه بیانگر نوع ارزش‌های حاکم بر افراد است، اسلام توجه خاص به آن نموده و دستورهایی در این باره فرموده؛ از جمله: لباس به گونه‌ای باشد که برجستگی بدن را مخفی کند، حافظ عفت و عصمت باشد، مایه جلب توجه نامحرم نباشد (مخصوصاً در بانوان)، لباس شهرت و

۱. همت سهراب پور؛ جوانان در طوفان غریز؛ ج ۱.

خلاف عرف و عادت نباشد، حالت اشرافیت نداشته باشد، تمیز و پاک باشد، باعث تبلیغ فرهنگ کفار نباشد و از زیبایی لازم برخوردار باشد.
از این رو به جوانان کشورمان که وارث فرهنگ اصیل اسلامی و ارزش‌های الهی هستند، توصیه می‌کنیم نکته‌های مورد توجه اسلام را در پوشیدن لباس رعایت کنند و نگذارند به این وسیله فرهنگ غرب در کشورمان نفوذ کند؛ زیرا هر جا ابر سیاه فرهنگ بیگانگان گسترده شد، مانع از تابش خورشید معنویات و ارزش‌های انسانی می‌گردد.^۱

۳. معرفی الگوهای کاذب:

با توجه به حس الگوپذیری در جوان، قطعاً الگویی که جامعه به او معرفی می‌کند، نقش مهمی در تکمیل یا تخریب شخصیت روحی و اجتماعی و معنوی وی دارد.
اگر الگو سالم باشد، موجب تکمیل و رشد شخصیت جوان و اگر ناسالم باشد، عامل تخریب و انحطاط او خواهد گشت.

از این رو مهاجمان فرهنگی درون مرزی که به اهمیت حس الگوپذیری در جوانان پی برده‌اند، سعی در اشاعه الگوهای کاذب می‌نمایند.
آنها به وسیله معرفی هنرپیشه‌های فاسد سینما، فوتbalیست‌های ناسالم، ورزشکاران بی‌بندوبار، خوانندگان بی‌شخصیت، نویسنده‌گان مزدور و هنرمندان ناپاک سعی در ارائه الگو به جوانان هستند.^۲

البته آنها همه این کارها را در پرتو امور مقدس؛ مانند هنر، ورزش، دفاع شخصی، نشاط روحی و غیره به جوانان القا می‌کنند.

جوانان مسلمان و آگاه باید مواظب باشند فریب الگوهای کاذب را نخورند که سرمشق قراردادن آنها چیزی جز پستی، ذلت، سقوط، بی‌شخصیتی و در یک کلام تبدیل شدن به یک حیوان تمام عیار به دنبال ندارد؛ زیرا آنان کسانی را الگوی جوانان می‌دانند که در فساد، پوچی شهودترانی گوی سبقت از دیگران ربوده باشند و به قطع الگو قراردادن چنین افرادی جز همشکل شدن با آنان ثمره‌ای دیگر ندارد.^۳

و) علل برون مرزی

۱. اشاعه فساد و فحشا:

دشمنان برون مرزی فرهنگ اصیل اسلام، اشاعه فساد و منکرات را بهترین راه برای تضعیف و نابودی فرهنگ اسلام و جایگزین کردن فرهنگ غرب می‌دانند.
آنان سعیشان بر این بوده و هست که با ترویج منکرها و زشتی‌ها در بین یک ملت، به

۱. همان.

۲. ر.ک: درس الگوپذیری جوانان.

۳. همت سهراب پور؛ جوانان در طوفان غراییز؛ ج ۲.

ویژه جوانان با تیری نشانه‌های بسیاری را هدف گیرند. ترویج فساد در میان هر ملتی نتایج زیر را موجب می‌شود:

۱. آن ملت درشهوت غرق می‌گردد و از مسائل اجتماعی و سیاسی غافل می‌ماند و این بهترین راه برای چپاول آن ملت است.
۲. با اشاعهً مفاسد ملت از فرهنگ خویش فاصله می‌گیرد.
۳. روحیهٔ انقلابی از آنان سلب می‌شود؛ زیرا ملتی می‌تواند انقلابی باشد که وارسته از شهوت گردد.
۴. این ملت به فرهنگ غرب گرایش پیدا می‌کند؛ زیرا ملتی که در عمل به مادی‌گری گرایش یافت، طبق اصل انتباط با محیط، از نظر فکری هم مادی خواهد شد. امروزه مهاجمان فرهنگی از راه‌های گوناگون؛ از جمله فیلم، عکس، کتاب‌های جنایی، مجالس شادی، رمان و... سعی در اشاعهٔ فساد و نابهنجاری‌ها در بین مردم، به ویژه در بین جوانان دارند و این یکی از خطرناک‌ترین نقشه‌های شوم استکبار جهانی و مشوقان فرهنگ غرب است که جوانان متعهد ما باید با هوشیاری تام به مقابله با آن پردازنند.^۱

۲. مخدوش‌کردن فرهنگ انقلابی:

یکی دیگر از مصادیق به انحراف‌کشاندن تودهٔ مردم توسط مهاجمان برونمرزی، مخدوش‌کردن فرهنگ انقلابی و ایجاد روحیهٔ بی‌توجهی در میان مردم، به ویژه جوانان است. مهاجمان فرهنگی در تبلیغات خود برای رسیدن به این هدف شوم اهتمام می‌ورزند اسلام را به گونه‌ای جلوه دهنده که فاقد جنبهٔ انقلابی و ظلم‌ستیزی باشد و چنین وانسmod می‌کنند که نظام طاغوتی از نظام اسلامی برتر است، به این امید که روحیهٔ جهادگری و کوشش‌کردن در صحنه‌های انقلاب را از ملت مسلمان بگیرند و آنان را از جهاد در راه خدا و سایر جبهه‌های نظامی و فرهنگی پشیمان سازند و در نتیجه نگذارند نظام اسلامی به صورت یک الگو برای جهانیان جلوه‌گر شود؛ زیرا از اینکه جهان متوجه قدرت اسلام در صحنه سیاست باشد، به شدت می‌هراسند.^۲

۳. نفی ولایت فقیه:

از جمله نمونه‌های بارز تهاجم فرهنگی، نفی ولایت فقیه است. عده‌ای که معتقد به اسلام نیستند، ولایت فقیه را مخالف حاکمیت ملت می‌دانند و می‌گویند: ولایت فقیه باعث استبداد و دیکتاتوری و در نتیجه سلب حاکمیت ملی می‌شود و از این طریق با نفی

۱. همان.

۲. همان.

ولایت فقیه، قصد تسلط خود را در سر می‌پرورانند تا بدین وسیله زمینه انحرافات گوناگون و به ویژه انحرافات جنسی را در جامعه فراهم آورند.^۱

پیام‌های درس:

۱. قبل از ورود به تربیت جنسی، باید جوانان را با انحرافات جنسی آشنا نمود تا در آن قرار نگیرند.
۲. ضعف ایمان از مهم‌ترین عوامل کشیده‌شدن به انحرافات است که باید عوامل ضعف ایمان را شناخت و برای قوی نمودن ایمان برنامه‌ریزی نمود.
۳. دوستان خوب، انسان را با ایمان و دوستان منحرف با واردنمودن جوان به محافل و مجالس گناهشان، شخص را فاسد می‌نمایند.
۴. از علل و اسباب انحرافات جنسی، علل خانوادگی است که در این موارد والدین هم باید مواظب روابط خود و هم جوانان باشند.
۵. عوامل برومنرزی مانند ماهواره، سایت‌های منحرف اینترنتی، لباس‌ها و پوشش‌های غربی از عوامل جدی انحرافات جوانان هستند.

سؤالات درس

۱. انحرافات جنسی را تعریف نمایید؟
۲. عوامل ضعف ایمان انسان و کشیده‌شدن به انحرافات را نام ببرید؟
۳. پنج دلیل از موارد انحرافات جنسی را بیان کنید؟
۴. شش مورد از علل و اسباب خانوادگی انحرافات جنسی را بیان نمایید؟
۵. عوامل برومنرزی و برومنرزی انحرافات را فقط نام ببرید؟
۶. فقر و بیکاری چگونه عامل فساد می‌شود؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. جوانان در طوفان غراییز؛ همت سهراب پور؛ ناشر: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت علیهم السلام.
۲. خانه‌گریزی دختران؛ رضا مهکام؛ ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
۳. زمینه‌های بروز انحرافات اجتماعی زنان در جامعه؛ عظیم جان‌آبادی؛ ناشر: مؤسسه آسیب‌های اجتماعی ستایشگران زاهدان.
۴. انحرافات جنسی؛ امیر شریفی خضاری؛ ناشر: اندیشه عصر، ۱۳۸۸.
۵. کندوکاو پاسخ به سوال‌های نوجوانان؛ علی اصغر احمدی؛ ناشر: انتشارات انجمن اولیاء و مریبان، ۱۳۷۴.
۶. راز یک فریب؛ یوسف غلامی؛ ناشر: لاهیجی، ۱۳۸۱.

۱. همان.

غیریزه جنسی بایدها و نبایدها

(گام پنجم) دوره جوانی (قربیت یا کنترل و هدایت غیریزه جنسی)

آنچه انتظار می‌رود مخاطب از این درس بداند:

۱. جلوگیری از مشکلات جوانان با راه حل‌های اسلامی؛
۲. توصیه‌های اسلامی برای استفاده صحیح از اوقات فراغت؛
۳. اهمیت ورزش‌های اسلامی در سلامتی جسم و روح؛
۴. راه حل‌های دینی برای بحران جنسی جوانان.

دوره جوانی و بعد از بلوغ:^۱

از این رو که جوانی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی انسان است، برای کنترل و هدایت صحیح آن باید برنامه‌ریزی‌های دقیق و راه حل‌های اسلامی را توجه نموده و در هدایت جوان تلاش و کوشش نمود.

راه حل‌های اسلامی برای کنترل و هدایت غیریزه جنسی:

۱. کنترل صحیح
۲. ازدواج

۱. دوره جوانی و بعد از بلوغ به تفصیل و دوره میانسالی با توضیحات مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. کنترل صحیح:

- الف) فردی
- ب) خانوادگی
- ج) اجتماعی

د) روش تربیتی خاص قرآن و اهل بیت ﷺ

الف) فردی:

۱. احساس ناظر بیرونی (خدا، انبیاء، ائمه علیهم السلام، شهداء و ...);
۲. یاد خدا؛
۳. پرورش وجودان یا نفس لواحه (سرزنش‌گر)؛
۴. تفکر و تعقل؛
۵. یاد مرگ؛
۶. شناخت حقوق اعضای بدن؛
۷. تغذیه سالم؛
۸. روزه‌گرفتن؛
۹. خواب به موقع و کافی؛
۱۰. پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال؛
۱۱. دوری از نگاه‌های مسموم و مناظر محرک؛
۱۲. اجتناب از هم‌صحبتی و هم‌جواری با نامحرم؛
۱۳. پرهیز از خلوت با نامحرم؛
۱۴. گوش ندادن به آوازها و موسیقی‌های تحریک‌کننده و مبتذل؛
۱۵. دوری و اجتناب از دوستان و سوسه‌گر و گناه‌کار و نشست‌های غفلت‌زا؛
۱۶. ورزش و سرگرمی‌های مفید و استغلال به کار و دوری از بیکاری؛
۱۷. تلاوت قرآن؛
۱۸. حضور همراه با عفاف زنان در جامعه و تحریک نکردن دیگران؛
۱۹. فرار از موقعیت گناه؛

۱. احساس ناظر بیرونی (خدا، انبیاء، ائمه علیهم السلام و ...)

الف) خدا:

خداآوند سبحان در قرآن کریم بارها در آیات متعدد، مسئله نظارت و بازرگانی اعمال

بندگانش را مطرح کرده و خود را شاهد و ناظر کارهای بندگان خود معرفی می‌نماید: «[ای پیامبر] بگو: عمل کنید، خداوند و رسول خدا و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد».^۱ همچنین می‌فرماید: «خداوند بر اعمال و رفتار و نیت‌های [نیک و بد] بندگانش نظارت می‌نماید. در هر حال که باشی و هر آیه‌ای از قرآن که بخوانی و هر کاری را انجام دهید، ما شاهد و ناظر بر شما هستیم، هنگامی که در آن کار وارد می‌شوید».^۲

پس نخستین ناظر بر اعمال انسان، خود خداوند متعال است. حضرت امام خمینی با الهام از روایتی فرمودند: «العالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید». واقعیت این است که اگر انسان این حقیقت را همیشه نصب‌العين خود قرار دهد و خداوند متعال را همواره شاهد و ناظر بر کارهای خود بداند و به عبارت دیگر خود را همواره در محضر خدا ببیند، از هرگونه لغزش و خطأ و خیانت مصون خواهد ماند.

در روزی که کمترین و کوچک‌ترین چیزی از دید خدا غافل نمانده و در محاسبه و میزان قرار خواهد گرفت؛ ما ترازووهای عدل را در روز قیامت نصب می‌کنیم. به هیچ‌کس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل [کار نیک یا بدی باشد] ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است، ما حساب‌کننده باشیم.^۳

امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید: «خَفِ اللَّهُ عَزَّوَجْلَ لِقْرَتَهِ عَلَيْكَ»: از خدا بیم داشته باش؛ چون او بر تو توانا است. این‌طور نیست که بتوانی از چنگ خدا فرار کنی، خجالت بکش و معصیت نکن! خیال نکن می‌توانی از عذابی که وعده کرده است، فرار کنی. در ادامه می‌فرماید: «وَ اسْتَحْ منْ لَقْرَبِهِ مِنْكَ»: از خدا خجالت بکش؛ چون به تو نزدیک است.^۴ این روایت اشاره به همین معنا است که خدا ناظر است و می‌بیند، پس حیا داشته باش و در منظر او معصیت نکن.

روزی پیامبر خدا علیه السلام به ابوذر فرمودند: یا اباذر! آیا دوست داری وارد بهشت شوی؟ ابوذر می‌گوید، عرضه داشتم: بله، پدر و مادرم فدایت باد. حضرت فرمودند: «آرزوی دنیا را کوتاه کن و همواره مرگ را در مقابل چشمانست مجسم بدار و از خدا آنچنان که شایسته حیا است، شرم کن».

۱. توبه: ۱۰۵.

۲. یونس: ۶۱.

۳. انبیاء: ۴۷.

۴. کشف الغمة: ج ۲، ص ۱۰۸.

عرضه داشتم: یا رسول الله، همه ما از خدا حیا می‌کنیم؛ فرمودند: «این حیا مراد نیست، بلکه حیا و شرم از خدا این است که گورستان و پوسیدن در خاک را فراموش نکنی و در مورد شکم و آنچه در آن جای می‌گیرد و همچنین سر و آنچه در آن است، خلاف فرمان خدا انجام ندهی و آنکس که بخواهد در آخرت گرامی باشد، باید زینت دنیا را واگذارد؛ هرگاه چنین گشته، ولایت خدا را درک کرده‌ای».^۱

داستان زن خدا ترس:

گرانی بر همه سرزمین سایه افکنده بود، زن سیده‌ای در آن سرزمین زندگی اسفباری را می‌گذراند. در همسایگی او مردی آهنگر که وضع مادیش خوب بود، زندگی می‌کرد. فشار گرسنگی، زن را به درب منزل آهنگر آورد، به او گفت: مقداری گندم به من بده. مرد آهنگر که از عفت بهره‌ای نبرده بود، از زن تمنای حرام کرد!

زن سیده جوابش را نداد و رفت. دو سه روز گذشت و چون دید که بر کودکانش بسیار سخت می‌گذرد، دوباره برای گرفتن گندم به همان منزل مراجعه کرد و مجدداً همان جواب را شنید. از پاسخ آهنگر سخت بر خود لرزید و راه خانه را در پیش گرفت و بازگشت. برای بار سوم مجبور شد که باز همان درب را بکوبد و در برابر خواسته آهنگر بگوید: حاضرم! اما یک شرط دارد و آن اینکه مرا به جایی ببری که جز من و تو کسی نباشد!

مرد گفت: معلوم است، تو را جایی می‌برم که کسی نباشد و بعد زن را تنها به اتاقی در خانه برد ناگهان دید زن در حال لرزیدن است؛ از او پرسید: چرا می‌لرزی؟ پاسخ داد: برای اینکه تو به سختی وفا نکردی! مرد با تعجب گفت: اینجا کسی نیست! زن مؤمنه جواب داد: ای غافل! اینجا خدا هست، اینجا ملک رقیب و عنید هست! مرد آهنگر از این کلام ترسید و لرزه بر اندامش افتاد و از گناه خود صرف نظر کرد. زن گفت:

امیدوارم همان‌گونه که آتش شهوت را از من خاموش کردی، خدا آتش دنیا و آخرت را بر تو خاموش گرداند، پس از آن آتش دنیا بر مرد آهنگر خاموش شد تا جایی که دست خود را در کوره آهنگری می‌کرد و آهن سرخ شده را با دستش بیرون می‌آورد.^۲

ب) پیامبران و امامان:

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «چگونه خواهد بود آن روز که از هر امتی گواهی

۱. نهج الخطابه؛ ج ۱، ص ۴۳۱.
۲. زنان نموئه؛ داستان ۵۱.

می‌آوریم و تو [پیامبر خاتم] را گواه بر این امت [اسلام] قرار می‌دهیم».^۱ در ذیل این آیه شریفه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «این آیه درباره امت محمد ﷺ نازل شده که در هر قرنی برای آنها امامی از ما خواهد بود گواه بر آنان و محمد ﷺ گواه بر همه ماست».^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اعمال بندگان هر صبح و شامی به حضرت رسول اکرم ﷺ عرضه داشته می‌شود، چه اعمال نیکوکاران از مردم و چه اعمال بدکرداران از آنها؛ پس همان ای مردم! در حذر باشید! و باید تک تک شما از اینکه عمل زشت او را بر پیغمبر شعرضه دارند، در شرم و حیا و خجالت فرو رو».^۳

ج) فرشتگان:

عده‌ای از فرشتگان مأمور نظارت بر اعمال و رفتار و نیات انسان‌ها می‌باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «در آن روز [قيامت]، هر انسانی وارد صحنه محشر می‌شود، در حالی که فرشته‌ای با اوست که او را به سوی حساب سوق می‌دهد و شاهدی از فرشتگان است که بر اعمال او شهادت می‌دهد».^۴ و در جای دیگر می‌فرماید: «هر سخنی گفته می‌شود، دو فرشته رقیب و عتید آن را می‌نویسنده».^۵

در سوره مبارکه انقطار عده‌ای از ملائکه را نگاهبانان اعمال معرفی می‌فرماید: «نگاهبانانی بر شما گمارده شده است، نگاهبانانی که در نزد پروردگار مقرب و محترمند و پیوسته اعمال شما را می‌نویسند و از آنچه شما انجام می‌دهید، آگاهند و همه را به خوبی می‌دانند».

د) شهدا:

خداآوند می‌فرماید: «زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و نامه عمل قرار داده می‌شود و پیامبران و شهداء را می‌آورند و برای شهادت حاضر می‌کنند؛ و بین آنها به حق قضاؤت می‌شود و ابدًا انسان مورد ظلم و ستم قرار نمی‌گیرد».^۶

ه) اعضای بدن انسان:

۱. نساء: ۴۱.

۲. تفسیرالمیزان: ذیل آیه.

۳. بحارالانوار: ج ۲۳، ص ۳۴۰.

۴. ق: ۲۱.

۵. همان: ۱۸.

۶. زمر: ۶۹.

همه اعضای بدن انسان شاهد و ناظر اعمال او می‌باشند. در قرآن کریم به نظارت و گواهی چند عضو بدن تصریح شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به زبان، دست، پا، چشم و گوش اشاره کرد که می‌فرماید: «روزی که زبان و دست و پای آنان به آنچه انجام داده‌اند، شهادت خواهد داد».^۱

و در آن روز زبان هم قدرت بر کتمان و یا رد شهادت اعضای بدن ندارد: در امروز [که روز قیامت است] ما بر دهان‌های آنان مُهر می‌زنیم و دست‌های آنها با ما سخن می‌گویند و پاهای آنان شهادت می‌دهند به آنچه آنها بجا آورده و کسب نموده‌اند.^۲ قرآن درباره شهادت اعضای بدن بر علیه گناه‌کاران و دشمنان خدا می‌فرماید: «روزی می‌رسد که دشمنان خدا همه در پیشگاه پروردگار حاضر می‌شوند و حشر نسبت به آنها برقرار می‌گردد و آنها همه در یک صفت بسته می‌شوند و آماده برای سؤال و جواب قرار می‌گیرند و چون جملگی محشور شدند و فرقه فرقه و دسته دسته گردیدند و هر صفت، گروه و فرقه‌ای در محل خاص و مختص خود قرار گرفت، همه را برای بازپرسی و برای شهادت اعمال می‌آورند و چون در مقابل آتش قرار گرفتند، علیه آنان شهادت می‌دهند، گوش‌های آنان و چشم‌های آنان و پوست‌های بدن آنان به آنچه آنان در دنیا انجام داده‌اند، شهادت می‌دهند پس آنها به پوست‌های خود گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ گویند: آن خدایی که هر چیزی را به سخن می‌آورد و شما را نخستین بار بیافرید و به او بازگشت می‌یابید، ما را به سخن آورده است. از اینکه گوش و چشم‌ها و پوست‌هایتان به زیان شما شهادت دهند، چیزی نهان نمی‌داشtid، بلکه می‌پنداشtid که خدا بر بسیاری از کارهایی که می‌کنید، آگاه نیست و این بود گمانی که به پروردگار تان داشtid، هلاک تان کرد و در شمار زیان‌کاران درآمدید».^۳

و) زمان:

زمان به اذن خداوند متعال در این دنیا بر اعمال و رفتار انسان‌ها نظارت دارد و در قیامت گواهی و شهادت خواهد داد.

امام صادق علی‌الله فرمودند: «هیچ روزی برای انسان نمی‌آید مگر اینکه آن روز می‌گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و بر تو شاهدم، پس در این روز خیر بگو تا روز قیامت بر تو شهادت دهم، پس تو هرگز بعد از این مرا نخواهی دید».^۴

۱. نور: ۲۴.

۲. پیش: ۶۵.

۳. فصلت: ۱۹ - ۲۳.

۴. وسائل الشیعه: ج ۱۶، ص ۹۵

ز) زمین:

زمینی که زیر پای ما قرار دارد و ما همواره می‌همان آن هستم و از ما با انواع نعمت‌ها و برکاتش پذیرایی می‌کند، مراقب و ناظر اعمال و رفتار ماست و در روز قیامت آنها را بازگو خواهد کرد. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد و انسان می‌گوید: زمین را چه می‌شود [که اینگونه می‌لرزد] در آن روز، زمین تمام خبرهای خود را بازگو می‌کند».^۱

۲. یاد خدا

از جمله آثار یاد خدا برای مومنان، خداترسی و خشیت می‌باشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «تنها مؤمنان هستند که هرگاه یاد خدا به میان آید، دل‌هایشان ترسان شود».^۲ «و یاد خدا و حاضر و ناظر دانستن او سبب باحیاشدن انسان می‌شود و او را از جرم‌ها و خطاهای بازمی‌دارد و به روح و قلب او اینمی و اطمینان می‌بخشد».^۳ یکی از مؤثرترین عوامل علاج مرگ دل و احیای دوباره آن، پناهبردن به ذکر خداست؛ ذکر حق نور است و مداومت در آن، قلب را از تاریکی و نامیدی و قساوت نجات می‌دهد.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌گوید:

«هر اندازه که ایمان مذهبی انسان بیشتر باشد، بیشتر به یاد خداوند است و هر اندازه که انسان به یاد خداوند باشد، کمتر معصیت می‌کند. معصیت‌کردن و نکردن، دایر مدار علم و آگاهی نیست؛ بلکه دایر مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه که انسان غافل باشد؛ یعنی خداوند را فراموش کرده باشد، بیشتر معصیت می‌کند و هر اندازه که خداوند بیشتر به یادش بیاید، کمتر معصیت می‌کند.

عصمت، نهایت درجه ایمان است و ایمان به هر اندازه که بیشتر باشد، انسان بیشتر به یاد خداوند است. اگر کسی دائم الحضور باشد و همیشه خداوند در نظرش باشد، طبعاً هیچ وقت گناه نمی‌کند».^۴

۳. تقویت وجودان یا نفس لوامه (سرزنش‌گر)

برای پیش‌گیری از گناهان، بیدار نگهداشت و پرورش وجودان یا همان نفس لوامه و سرزنش‌گر بسیار کمک کار انسان است که بعضی از دانشمندان اخلاق آن را وجودان

۱. زلزال: ۱ - ۵.

۲. آنفال: ۲.

۳. رعد: ۲۸.

۴. مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۲، ص ۵۱۹.

اخلاقی یا پلیس مخفی نیز می‌نامند. ویژگی این نفس این است که صاحبش را در صورت انجام گناه و جرم، زیر تبع سرزنش قرار می‌دهد و در نتیجه سبب پشیمانی او می‌شود و زمینه را برای رهاکردن خلافکاری‌ها آماده می‌سازد. اهمیت این نفس تا آنجاست که خداوند در قرآن به آن سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةٍ»^۱ و سوگند به نفس لوامه و سرزنش گر.

داستان مبارزه با نفس اماره:

شب هنگام محمد باقر - طلبه جوان - در اتاق خود مشغول مطالعه بود که به ناگاه دختری وارد اتاق او شد در را بست و با انگشت به طلبه بیچاره اشاره کرد که سکوت کند و هیچ نگوید.

دختر پرسید: شام چه داری؟

طلبه آنچه را که حاضر کرده بود، آورد و سپس دختر که شاهزاده بود و به دلیل اختلاف با زنان حرم‌سرا خارج شده بود، در گوش‌های از اتاق خوابید. صبح که دختر از خواب بیدار شد و از اتاق خارج شد، مأموران شاهزاده خانم را همراه طلبه جوان نزد شاه بردنند. شاه عصیانی پرسید: چرا شب به ما اطلاع ندادی و ...؟ محمد باقر گفت: شاهزاده تهدید کرد اگر به کسی خبر دهم، مرا به دست جlad خواهد داد.

شاه دستور داد تحقیق شود که آیا این جوان خطایی کرده یا نه؟ بعد از تحقیق از محمد باقر پرسید: چطور توانستی در برابر نفست مقاومت نمایی؟ محمد باقر ده انگشت خود را نشان داد و شاه دید که تمام انگشتانش سوخته!

دلیل را پرسید؟ طلبه گفت: چون او به خواب رفت، نفس اماره مرا وسوسه می‌نمود، هر بار که نفسم وسوسه می‌کرد، یکی از انگشتان را بر روی شعله سوزان شمع می‌گذاشتمن تا طعم آتش جهنم را بچشم و بالاخره از سر شب تا صبح بدین وسیله با نفس مبارزه کردم و به فضل خدا شیطان نتوانست مرا از راه راست منحرف کند و ایمانم را بسوزاند. شاه عباس از تقوا و پرهیزکاری او خوشش آمد و دستور داد همین شاهزاده را به عقد میر محمد باقر در آوردند و به او لقب میرداماد داد و امروزه تمام علم دوستان از وی به عظمت و نیکی یاد کرده و نام و یادش را گرامی می‌دارند. از مهم‌ترین شاگردان وی می‌توان به ملا صدر اشاره نمود.^۲

۱. قیامت: ۲.

۲. داستان بزرگان؛ به نقل از شخصیت‌های ایران زمین (سایت راسخون).

۴. تفکر و تعقل

عقل در لغت به معنای بازداشتمن است و خرد انسانی را عقل می‌نامند؛ زیرا انسان را از گفتار و رفتار ناپسند باز می‌دارد.^۱ به عبارت دیگر عقل در انسان قوهای است که صلاح و فساد او را در جریان زندگی مادی و معنوی تشخیص می‌دهد و آن‌گاه نفس را در مرز صلاح و فساد نگه می‌دارد. از لوازم آن: بازدارندگی، تدبیر و خوش‌فهمی، ادرارک، دوری‌جستن از بدی و شر و شناخت نسبت به اموری است که در زندگانی مورد نیاز است و همچنین ماندن در دایره عدل و حق و خودداری از هوس‌ها و تمایلات نفسانی است.^۲

تفکر و تدبیر در اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. قرآن درباره ارسال رسیل و انزل کتب الهی می‌فرماید:

«ما پیامبران پیش از تو را» همراه با معجزات و کتب «آسمانی فرستادیم» و به سوی تو ذکر [قرآن] را فرو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده، روش بیان کنی و شاید تفکر نموده و بیاندیشند.^۳

بنابراین خداوند بهترین نعمتی که به انسان داده و او را از حیوانات متمايز نموده، تعقل و تفکر است تا او را از زشتی‌ها دور نموده، انسان واقعی گردد و او را در مقابل دشمن اصلی اش نفس اماره و شیطان یاری نمایند؛ چنان که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «دوست واقعی هر کس عقل اوست و دشمن واقعی جهل او».^۴

واقعاً هم بهترین و واقعی‌ترین دوست هر شخصی عقل او است که با بزرگ‌ترین دشمن او، یعنی نفس اماره مبارزه می‌کند؛ چون اگر دشمنی پیدا شود که بهترین دوست انسان را از او بگیرد و از پای درآورد، پس او بزرگ‌ترین و خطناک‌ترین دشمن او است، امیر المؤمنان علی علیه السلام در حدیثی فرمودند: «تفکر در عاقبت امر انسان را از مهلكه‌ها نجات می‌بخشد».^۵ همچنین فرمودند: «ریشه سلامتی از لغزش‌ها، تفکر قبل از انجام کار است».^۶ تعقل و تفکر از بالاترین جایگاه معنوی در دین برخوردار است تا جایی که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اندیشه یک ساعت بهتر است از یک سال عبادت».^۷

۱. ابن فارس؛ معجم مقاييس اللغة؛ ج ۴، ص ۶۹.

۲. حسن مصطفوی؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۸، ص ۱۹۶.

۳. نحل: ۴۴.

۴. بخاری الأئمّة؛ ج ۷۴، ص ۱۳۹.

۵. میزان الحكمه؛ ج ۳، ش ۱۶۱۸۰.

۶. همان؛ شماره ۱۶۱۸۵.

۷. همان؛ ص ۲۴۶۵.

نمونه بارز آن حُرّبِن یزید ریاحی است که در چند دقیقه آخر زندگی اش با تفکر در عاقبت امر، خود را از عذاب ابدی نجات و خود را در شمار اصحاب امام حسین علیهم السلام و از رامیافته‌گان خاص بارگاه الهی قرار داد و به بهشت و رضوان الهی نائل آمد.

پس تدبیر و تفکر در همه مواردی که تأمین‌کننده سعادت انسان است، حقیقت را برای بشر آشکار می‌سازد، موجب ترقی و تکامل انسان می‌شود و او را از تباہی نجات می‌دهد. دو کلام حکمت‌آمیز در این زمینه از حضرت علی علیهم السلام وارد شده که خود گویای ارزش عقل و جایگاه آن در مقابل شهوت است:

«هر که عقلش کامل شود، شهوت‌ها را سبک می‌شمارد». ^۱ «آنکه بر شهوتش غالب شود، عقلش آشکار می‌گردد». ^۲

انسان عاقل چه ویژگی‌هایی دارد؟^۳

امام کاظم علیهم السلام فرمودند: «خدا بر مردم دو حجت دارد: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی همان فرستادگان و پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و حجت درونی همان عقل است». ^۴

هر کس این نعمت بزرگ الهی یعنی عقل را در زندگی خویش بکار گیرد، به سعادت دنیا و آخرت دست یافته است و آنها که عقل را چراغ راه زندگی قرار نداده‌اند، به جز بدینختی و هلاکت نصیبی حاصلشان نخواهد شد.

نشانه عاقلان

الف) به پند و نصیحت ناصحان گوش فرا می‌دهند:

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَبُ»؛ ^۵ کسانی که خودرأی و خودسر هستند و به حرف احادیث به غیر از خود توجه نمی‌کنند. این افراد خردمند نیستند و عاقبت‌شان به جز دوزخ نخواهد بود: و «اهل جهنم» گفتند: اگر می‌شنیدیم و تعقل می‌کردیم، از اصحاب دوزخ نبودیم. ^۶

ب) کسی که عاقل است، دین دار نیز هست:

امام علی علیهم السلام فرمودند: «دیندار نیست کسی که خردمند نباشد». ^۷

۱. غرالحكم؛ ح ۴۰۵۴.

۲. همان؛ ح ۸۲۲۶.

۳. میزان الحكمه؛ ج ۸، ص ۲۸۷۷.

۴. بقره؛ ۲۶۹.

۵. ملک؛ ۱۰.

۶. میزان الحكمه؛ ج ۸، ص ۳۸۸۱.

تنها عاقلان هستند که به دستورات حضرت حق و انبیاء و اوصیای آنها گوش فرا داده، به دنیا به چشم مزروعه‌ای برای آخرت می‌نگردند و تنها به خوشی زودگذر دنیا دل خوش نمی‌دارند، بلکه با کمک‌گرفتن از عقل خود، به فرامین شارع مقدس گوش جان می‌دهند و اینان مؤمن حقیقی‌اند.

ج) عاقلان، کمال طلبند:

امام علی علیّه السلام فرمودند: «خردمند، جویای کمال است و نادان، جویای مال».^۱ عده‌ای از مردم تصور می‌کنند هر کس با هر شرایطی به جمع کردن مال بپردازد و در فاصله زمانی اندک صاحب اموال فراوان شود، او انسان عاقلی است؛ در حالی که در فرهنگ اسلامی به چینی کسی عاقل نمی‌گویند؛ بلکه به فرموده امام علی علیّه السلام عاقل آن کسی است که به دنبال کمالات گشته و خود را به آنها ملیس می‌کند.

د) زبان عاقل در بند است:

امام علی علیّه السلام: «خردمند کسی است که زبان خود را در بند کشد».^۲ بسیاری از بدینکنندگان و مشکلات، از کنترل نکردن زبان است؛ زیرا بیشتر مردم قبل از اینکه خوب فکر کنند، حرف می‌زنند؛ به همین دلیل بیشتر مردم از غالب گفته‌های اشان پشیمانند و ای کاش قضیه به همین جا ختم می‌شده؛ چه گرفتاری‌ها، جدایی‌ها، کشمکش‌ها و.... که به دلیل کنترل نکردن زبان، نصیب انسان می‌شود.

ه) عاقل به نفس خود اعتماد نمی‌کند:

امام علی علیّه السلام: «خردمند کسی است که اندیشه خود را متهمن کند و به هر چیزی که نفسش در نظر او می‌آراید، اعتماد نکند».^۳

عاقل می‌داند نفس، کار قبیح را زیبا و فعل زیبا را رشت جلوه می‌دهد. عاقل می‌داند دشمن‌ترین دشمنان او نفس اوست؛ بنابراین اهل دقت و موشکافی در نفس خویش است و گول نفسش را نمی‌خورد.

از دیگر نشانه‌های عاقل:

تسلیم قضای الهی، بی‌رغبتی به دنیا، اندیشیدن در هنگام خاموشی، ذکر و یاد خدا در وقت سخن‌گفتن و عبرت‌آموختن به هنگام نگریستن، اخلاص در عمل، تکیه‌کردن بر کار خود نه به آرزوی خویش، افراط نکردن در وقت قدرت و از پای ننشستن در وقت

۱. همان؛ ج، ۸، ص ۳۸۹۱.

۲. غررالحكم؛ ص ۵۳.

۳. میزان‌الحكمه؛ ج، ۸، ص ۳۸۹۱.

ناتوانی، خوارنشمردن دیگران، رامبودن در پذیرش حق، پرهیز از گناهان و...^۱.

۵. یاد مرگ:

الف) مرگ از نشانه‌های الهی

[خداؤند] آن کسی است که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می‌کند و او عزیز و غفور است.^۲

در این آیه نخست آفرینش مرگ و حیات را نشانه قدرت بی‌پایانش معرفی می‌کند؛ سپس می‌فرماید:

هدف از این آفرینش، حسن عمل است. آزمایشی که با عنوان انسان‌ها و هدایت به سوی قرب پروردگار خواهد بود.

ب) اصلاح‌گر انسان

پیامبر خدا ﷺ یاد مرگ را اصلاح‌گر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خواند و می‌فرمایند:

«به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و مکدرکننده شهوت و قطع کننده آرزوهاست، به یاد آورید».^۳

آیا با خود اندیشیده‌ایم به راستی مگر این حادثه در زندگی تک‌تک ما انسان‌ها همیشه در حال تکرار نیست و مگر هر روز که از عمرمان می‌گذرد و هر نفسی که می‌کشیم، گامی به سوی مرگ نزدیک‌تر نمی‌شویم؟ امیر مؤمنان(علیه السلام) می‌فرمایند:

«نفس‌های انسان، گام‌های او به سوی مرگ است».^۴

ج) از بین برنده لذت‌های حرام

یاد مرگ بسیار سازنده است و انسان را از لذت‌های حرام و زودگذر دور می‌نماید.

در این‌باره رسول اکرم ﷺ به اصحاب‌شان فرمودند: زیاد در یاد نابودکننده لذت‌ها باشید. عرض شد: یا رسول الله آن چیست؟

در پاسخ فرمودند: «مرگ است. آن کس که به حقیقت از مرگ یاد می‌کند، اگر در سعه و گشایش زندگی باشد، غرورش بر طرف می‌شود و دنیا بر وی تنگ می‌گردد و اگر در مضیقه و سختی باشد، با یاد مرگ، از فشار فکری رهایی می‌یابد و دنیا به نظرش وسیع و

۱. میزان الحکمه: ج ۸.

۲. ملک: ۲.

۳. ارشاد القلوب: ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. بخار الانوار: ج ۷۰، ص ۱.

گسترده می‌نماید. مرگ اولین منزل از منازل آخرت و آخرین منزل از منازل دنیا است. خیر و خوشبختی بر آن کسی است که هنگام فرود آمدن در اولین منزل، مورد تکریم و احترام باشد و موقع بیرون رفتن از آخرین منزل، به شایستگی و خوبی بدرقه شود.^۱ حال اگر انسان مرگ را که همواره در کمین آدمی است و کسی را از آمدن خود خبر نمی‌نماید و کسی را فراموش نمی‌کند و فراری از آن نیست،^۲ به یاد آورده، آیا دیگر قدرت بر گناه دارد؟!

د) نشانه زیرکی مؤمن

از حضرت رسول سؤال کردند: زیرک ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «کسی که بیشتر به یاد مرگ بوده و خود را برای آن آماده کند».^۳

ه) نشانه زهد

و نیز از آن حضرت سؤال کردند: زاهدترین مردم کیست؟ فرمودند: «کسی که قبر و عذاب‌های آن را از یاد نبرد، فریب زینت‌های دنیا را نخورد، سرای جاودان را بر این دنیا زودگذر برگزیند، فردا را از عمر خود حساب نکند و خود را آماده مرگ نماید».^۴

و) موجب قناعت

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که زیاد به یاد مرگ باشد، از دنیا به اندکش راضی می‌شود».^۵

ز) پاک‌کننده گناهان

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا مرگ گناهان را پاک می‌کند و میل و رغبت به دنیا را می‌کاهد».^۶

داستان: دوست سلمان

روزی سلمان در کوفه از بازار آهنگران عبور می‌کرد، چشمش به جوانی افتاد که نعره‌ای کشید و بیهوش به زمین افتاد. مردم اطراف او جمع شدند، وقتی سلمان را دیدند، به او گفتند: مثل اینکه این جوان بیماری حمله مغزی دارد، شما بیا و دعایی در گوش او

۱. الحدیث: ج ۳، ص ۲۰۴.

۲. بخار الانوار: ج ۲، ص ۲۷.

۳. ارشاد القلوب: ص ۱۸۱.

۴. تنف القول: ص ۳۷.

۵. میزان الحکمة: ج ۴، ش ۱۹۱۶۳.

۶. همان: ش ۱۹۱۵۳.

بخوان؛ شاید سلامتی خود را باز یابد. سلمان جلو آمد و جوان هم به هوش آمد. وقتی که سلمان را شناخت، گفت:

این گونه که این مردم خیال می‌کنند، بیمار نیستم؛ بلکه هنگام عبور از بازار آهنگرهای دیدم آنها میله‌های سرخ شده را با پتک می‌کوبند؛ به یاد این آیه افتادم: «وَلَهُمْ مَقَامٌ مِّنْ حَدِيدٍ»^۱؛ برای مأمورین دوزخ گرزهایی از آهن است.
از ترس عذاب الهی عقل از سرم پرید و چنین حالی پیدا کردم.

سلمان به او علاقمند شد و پیوند دوستی با او برقرار ساخت و همواره از او یاد می‌کرد تا اینکه چند روز او را ندید. جویای حال او شد، دریافت که بیمار و بستری است. به عیادت او رفت. وقتی به بالین او رسید، او را در حال جان‌دادن یافت. از او دلجویی کرد و خطاب به عزرائیل گفت:

«یا مَلِكُ الْمَوْتِ ارْفَقْ بَأْخِي»؛ ای فرشته مرگ به برادر ایمانیم مدارا کن.
عزرائیل گفت: «إِنِّي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَّفِيقٌ»؛ من به همه مؤمنان مهریانم.^۲

۶. شناخت حقوق اعضای بدن:

امام سجاد علیه السلام در مورد حقوق اعضای بدن می‌فرمایند:
«و حق نفست بر تو این است که آن را گرامی داری [به دور داری] از فحش و عادت‌دهی به نیکویی و ترک زیاده‌گویی بی‌فایده و نیکی به مردم و خوش‌گفتاری درباره مردم.

حق گوش این است که آن را منزه کنی از شنیدن غیبت و شنیدن آنچه شنیدنش حلال نیست.

حق چشم این است که بپوشانی آن را از آنچه برایش حلال نیست و به واسطه نظر با چشم اعتبار بگیری و حق دو دست بر تو این است که دراز نکنی آنها را به آنچه برای تو حلال نیست و حق پاهاست این است که به وسیله آنها نروی به سوی آنچه بر تو حلال نیست که با آنها در «صراط» وقوف خواهی کرد، پس بنگر که نلغزی و در آتش نیافتنی و حق شکمت این است که آن را ظرف [غذای] حرام قرار نداده و بیش از سیری زیاده نخوری و حق فرج [عورت] تو این است که آن را از زنا نگهداری و حفظ کنی از اینکه به آن نظر شود».^۳

۱. حج: ۲۱.

۲. بخار الانوار؛ ج ۲۲، ص ۳۶۰.

۳. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۷. تغذیه سالم:

غذا تأثیر مستقیم در وجود انسان دارد و پیامبر ﷺ فرمودند: «غذای خود را پاک کن از غذای حرام پرهیز نما». ^۱

همین معنی از همان بزرگوار با تعبیر دیگری آمده است، می‌فرماید: «کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، طعام و کسب خود را از حرام پاک کند!»^۲

غذا افروزن بر حلال بودنش، باید مناسب حالات جسمی اشخاص باشد؛ بنابراین جوان که در اوج شهوت است، باید از غذاهای چرب و پرکالری بکاهد و چنانچه مصرف نمود، باید با ورزش و تحرک بیشتر تخلیه گردد. رژیم غذایی مناسب، بسیار در مهار و کنترل غریزه جنسی جوان را یاری می‌نماید، جوانان مجرد باید در انتخاب و نوع خوردن غذاهای احتیاط کنند؛ زیرا برخی از مواد غذایی و میوه‌ها در تحریک جنسی انسان مؤثر هستند؛ از جمله موز، پیاز، هویج، زعفران، فلفل و... اگر هم چنین غذایی مصرف شد، باید انرژی حاصل از آن سریعاً در فعالیت‌های مجاز از قبیل ورزش تخلیه گردد و گرنه می‌تواند محرک جنسی باشد.^۳

۸. روزه‌گرفتن:

توصیه زیادی در احادیث به روزه شده و در کلمات بزرگان هم سفارش زیاد درباره آن شده است.

در همین رابطه احادیثی وارد شده است که از جمله امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ای جوانان... و هر که قدرت بر ازدواج ندارد، بسیار روزه بگیرد که از نیروی جنسی می‌کاهد». ^۴

۹. خواب به موقع و کافی:

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در هنگام خواب، باید خواب تو مانند خواب اهل عبادت باشد». ^۵

پیام‌های روایت:

* بعد از فراغ از فرایض و اعمال عبادی و آنچه وظیفه‌های بوده از کار، درس و...

۱. آیین بندگی و نیایش؛ ص ۲۳۷.

۲. عده الداعی؛ ص ۱۳۹.

۳. مسعود صفی یاری؛ غریزه جنسی، مشکل بزرگ جوانان؛ ش ۹.

۴. مکارم الأخلاق؛ ص ۱۹۶.

۵. بحار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۱۸۹.

بخواب؛ نه همچون خواب اهل غفلت که چندان اهتمامی به وظایف یومیه ندارند و مثل حیوانات، کار ایشان خورد و خواب است.

* در وقت خوابیدن، مثل اهل عبادت، اوراد و اذکاری که برای خواب مقرر است، به جا آور و مثل اهل غفلت مباش که رعایت آداب نمی‌کنند.

* خواب را به قصد رفع خستگی و تحصیل قوت عبادت انجام ده؛ مثل اهل عبادت، نه از روی طغیان نفس، مثل اهل غفلت؛ که این روایت مؤید آن است: «فَإِنَّ الْمُتَعَبدَينَ إِلَّا كِيَاسَ يَنَامُونَ أَسْتِرُوا حَاجَةَ، وَلَا يَنَامُونَ أَسْتِبْطَارًا».^۱

راه حل‌هایی برای خواب صحیح جوانان:

(الف) کاستن از ساعات خواب و زیاد خوابیدن موجب می‌شود انسان تبل نشده و افکار آلوده سراغ او نیاید.

(ب) میانه‌روی در خواب، میانه‌روی در هر چیز از نشانه‌های انسان مسلمان می‌باشد و او در خواب هم میانه‌روی پیشه می‌نماید. خوابیدن بسیار منجر به کسالت و تبلی می‌گردد.

(ج) جوان باید سعی کند با حالت خستگی بخوابد؛ یعنی زودتر وارد رختخواب نشود تا افکار سراغ او نیاید.

(د) دست‌های خود را بپرون از رختخواب بگذارد (به دلیل اینکه ممکن است دست موجب تحریک آلت گردد).

(ه) هنگام رفتن به رختخواب خود را تخلیه نماید.

(و) سعی کند قبل از خواب کتابی را بخواند، چشم‌ها موقعی که خسته شود، خود به خود به خواب می‌رود.

(ز) هنگام خواب خود را به ذکر مشغول نماید تا راه نفوذ افکار شیطانی بسته گردد.

(بهترین اذکار و خواندن سوره‌های قرآن)

(ح) زمان بیدارشدن از خواب به سرعت از رختخواب خارج شود و بی‌دلیل از این پهلو به آن پهلو نشود و مشغول کار یا فعالیتی مثبت گردد. این امور باعث می‌شود قدرت بر کنترل افکار زیاد گردد و افکار محرك، به سراغ اشخاص کمتر بیاید.^۲

۱۰. پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرك در ذهن و خیال:

عیسیٰ علیه السلام به اصحاب خود گفتند:

۱. مصباح الشریعه؛ ص ۲۸۳.

۲. برگفته از ایمان، پرسش و پاسخ کنترل غریزه جنسی، بخش ۷ و مسائل جنسی بایدها و نبایدها (قسمت خوددارضایی).

«... موسی به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می‌دهم که فکر زنا هم در سر نپرورانید تا چه رسد به اینکه زنا نکنید؛ زیرا کسی که خیال زنا کند، مانند کسی است که در خانه‌ای نقش و نگار شده دود و آتش به پا کند؛ چنین کاری گرچه خانه را نمی‌سوزاند؛ ولی زینت و صفاتی آن را مکدر کرده و فاسد می‌کند». ^۱

۱۱. دوری از نگاه‌های مسموم و مناظر تحریک‌آمیز:

قرآن کریم دستور به اغماس و نگهداری چشم از نگاه حرام و هوس آلود داده است؛ در آیه اول می‌فرماید: «قُلْ لِلّمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»^۲ و در آیه بعدی می‌فرماید: «قُلْ لِلّمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظنَ فُرُوجَهُنَّ».^۳ در این دو آیه قرآن ابتدا اشاره به حفظ چشم و سپس حفظ دامن از آلودگی می‌فرماید. رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«نگاه هوس آلود تیری است مسموم از تیرهای شیطان، هر کس آن را برای خوف الهی ترک کند، خداوند ایمانی به او می‌بخشد که حلاوت آن را در قلب خود احساس می‌کند». ^۴

داستان نجات از چنگال شیطان

حکایت

ابن سیرین جوانی پاک و مخلص بود که خدا جمال و زیبایی به او داده بود. شاگرد بزار بود. یکی از مشتریان زنی بود که شیفته جمال وی شده بود و شهوت بر آن زن غلبه کرده بود. هر روز که برای خرید پارچه می‌رفت، شعله شهوت او زیادتر می‌شد. یک روز چند طاقه پارچه خرید و به بازار گفت:

من نمی‌توانم بیاورم، بده شاگردت بیاورد. خودش به منزل رفت تا خود را مهیا کند. ابن سیرین آمد، درب را زد. زن گفت: پارچه‌ها را داخل بیاور. همین که داخل آمد، زن درب را بست و خود را در مقابل ابن سیرین با بی‌حیایی برخنی کرد و اعلام کرد که اگر با من نباشی، فریاد می‌زنم که این می‌خواست با من عمل منافقی عفت انجام دهد. ابن سیرین مات و مبهوت مانده بود چه کند؟

گناه جلوی او ظاهر شد. اینجاست که «اجْتِنَابُ الْمَعَاصِي» معنا می‌دهد. او توکل به خدا

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۲. نور؛ ۳۰.

۳. همان؛ ۳۱.

۴. جامع الأخبار؛ ص ۱۴۵.

کرد و از پروردگار عالم یاری خواست و به ظاهر اعلان کرد که من می‌روم تا آماده شوم. به مستراح رفت، در آنجا خود را به کنافات آلوده کرد. وقتی بیرون آمد، زن دید آن جمال زیبا به کنافات متعفن شده است، در را باز کرد و گفت: برو بیرون.

آیت‌الله العظمی ادیب درباره ایشان می‌فرماید:

«ایشان از گناه اجتناب کرد و رفت با یک درهم یا دیناری خود را شست و تمام شد؛ اما در مقابل، پروردگار عالم به او چه چیزها که نداد! طوری شد که ابن‌سیرین هر جا می‌رفت، بدون اینکه عطر بزند، بدنش بوی عطر می‌داد. تعبیر خواب پیدا کرد، ریاضی‌دان شد. یک شاگرد بازار از گناه اجتناب کرد، خدا مقامی به او مرحمت کرد که همان مقام مخلصین است».۱

شعرها و مثل‌ها

دگر لذت نفس لذت ندانی که هر چه دیده بیند دل کند یاد (بابا طاهر)	اگر لذت ترک لذت بدانی زدست دیده و دل هر دو فریاد
هر که در شهوت فروشد بر نخاست وای او کن کف چنین شاخی بهشت	ترک شهوت‌ها ولذت‌ها سخت این سخاشایست از سر و بهشت
بر کشد این شاخ جان را بر سما (مولوی)	عروء الوقلاست این ترک هوا

پیام‌ها:

۱. آن زن جلوی چشم‌ش را اگر گرفته بود، خود را به گناه نمی‌انداخت.
۲. ابن‌سیرین جلوی چشمانش را گرفت، دامنش آلوده نشد.
۳. باید در هنگام پیش آمدن گناه از آن فرار کرد و تفکر می‌تواند مانع در مقابل شهوت باشد.
۴. دوری از گناهان جنسی برکات‌الهی فراوانی را دارد که وصف شدنی نیست.

۱۲. اجتناب از هم‌صحبتی و هم‌جواری با نامحرم:

افرادی که به هر دلیل با جنس مخالف ارتباط مستمر دارند، باید از خطرات احتمالی هم‌جواری بر حذر باشند. هم‌جواری زلیخا با یوسف علیه السلام بود که زمینه‌ای فراهم کرد تا زلیخا قصد کام‌جوبی از وی را عملی سازد. یوسف علیه السلام نیز که خطر وسوسه‌های شیطانی را در هم‌جواری احساس کرده بود، از خداوند جدایی از زنان مصر را درخواست کرد، هر چند جدایی از آنان در جایی چون زندان محقق شود.

۱۱. ابن سیرین؛ تعبیر خواب؛ مقدمه کتاب.

یوسف گفت:

«ای پروردگار من! مرا [رنج] زندان خوش تر از این کار [زشتی] است که زنان مرا بدان می خوانند و اگر [تو] حیله اینان را از من دفع ننمایی، به آنها میل کرده و از جاهلان گردم». ^۱

۱۳. پرهیز از خلوت با نامحرم:

در خلوت با نامحرم امکان وسوسه شیطان و زمینه انحرافات اخلاقی بسیار زیاد می شود؛ چنان که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نکنند؛ زیرا سومین آنها شیطان خواهد بود». ^۲

در داستان حضرت نوح علیه السلام موقعاً که قوم خود را نفرین نمود، ابليس نزد ایشان آمد و گفت:

ای نوح در سه موقعیت از من بر حذر باش؛ چرا که من در این موقعیت‌ها به بند نزدیکترم: به هنگام خشم، به هنگام قضاوت میان دو نفر و هنگام خلوت با زن نامحرم.

۱۴. گوش ندادن به آوازها و موسیقی‌های تحریک‌کننده و مبتذل:

در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام آمده است: مردی از آن حضرت در باره شنیدن آواز محرک پرسید؟

حضرت از آن نهی کرده و این آیه را خواندند: «به یقین گوش و چشم و دل هر یک مورد سؤال خواهند بود» ^۳ و فرمودند: «گوش از آنچه شنیده و قلب از آنچه بدان دل بسته و چشم از آنچه دیده است، مسئول بوده و بازخواست خواهند شد». ^۴ ابابصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» ^۵ سؤال کردم؟ امام فرمودند: منظور «غنا» است. ^۶

آیت الله جوادی آملی در پاسخ به این سؤال که به نظر شما موسیقی‌های متداول چه تاثیری بر روان آدمی می‌گذارد؟ مرقوم داشته‌اند:

«... همه می‌دانیم که آهنگ‌های طرب‌انگیز، خوی حیوانی را در انسان زنده می‌کند.

۱. یوسف: ۳۳.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۳. إسراء: ۳۶.

۴. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۴۵۹.

۵. حج: ۳۰.

۶. البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، ص ۸۸۱.

آهنگ‌هایی که فرشته مَنشی را در آدم احیا می‌کند، به انسان سبکباری می‌دهد و بشر را از شهوت و غضب دور می‌کند، نیز می‌شناسیم. به آهنگ‌های مشکوک گوش نمی‌دهیم.

* موسیقی بر سه قسم است:

۱. موسیقی‌هایی که حالتی روحانی در انسان ایجاد می‌کند که اشکال ندارد.
۲. موسیقی‌هایی که به مجالس لهو و لعب اختصاص دارد و شهوت را تحریک می‌کند که این دسته نامشروع است.
۳. دسته‌ای از موسیقی‌ها هم مشکوک است، پس با داشتن راه صحیح، دیگر به دنبال مشکوک نمی‌رویم».^۱

۱۵. دوری و اجتناب از دوستان و سوشه‌گر و گناهکار و نشست‌های غفلتزا:

دوستان مسموم از دیگر عوامل مؤثر در انحطاط اخلاقی افراد به شمار می‌روند. از معاشرت با دوستان ناباب و گوش‌سپردن به سخنان تحریک‌آمیز و گفتگوهای دوستانه تحریک‌آمیز باید دوری نمود؛ زیرا این افراد با زمزمه‌های پی‌درپی خود تلاش می‌کنند موضوع را به گونه‌ای عادی جلوه دهند. آنان معمولاً با چنین سخنانی دوستان خود را به سمت نابهنجاری‌های جنسی می‌کشانند و معمولاً می‌گویند:

چیز مهمی نیست، ترسو مباش، از زندگی لذت ببر و... .

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«هرکس به سخن گوینده‌ای گوش فرا دهد، او را بندگی کرده است؛ پس اگر ناطق از خدا بگوید، شفونده خداوند را بنده شده و اگر از شیطان و سخنان شیطانی بر زبانش جاری کند، قطعاً بندگی شیطان کرده است».^۲

اثر طبیعی چنین وسوشه‌هایی آن است که فرد پس از اندکی مقاومت، فریب می‌خورد و مقاصد نفسانی خود و انگیزه‌های شیطانی آنان را دنبال می‌کند. نمونه دوست و سوشه‌گر ابلیس است که نخست مردان قوم لوط را به سوی همجنس‌بازی کشاند و سپس زنان ایشان را به سوی انحراف شنیع جنسی در همجنس‌بازی سوق داد.^۳

در چنین شرایطی باید ضمن مراقبت و دقت کامل در انتخاب دوست، کوشش کرد تا از دوستان نامناسب و وسوشه‌گر فاصله گرفت و زمینه انحراف را از بین برد.

فریاد بسیاری از جهنمیان از دوستان ناباب است؛ زیرا دوستی با آنان، ایشان را به آتش

۱. سایت آیت الله جوادی آملی.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۳. همان؛ ج ۲۰، ص ۳۴۴.

قهر الهی فرو افکنده است: وای بر من! ای کاش که فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم که مرا از یاد خدا و پیروی قرآن و رسول گمراه ساخت.^۱

۱۶. ورزش و سرگرمی‌های مفید و اشتغال به کار و دوری از بیکاری:

زیرا شخص بیکار انژری در وجودش انباشته شده و همراه فکر و خیال‌های باطل موجب کشیده شدن به گناهان جنسی می‌گردد و بنابراین در روایات بر اشتغال و کار و پرهیز از فراغت تأکید بسیار شده است.

امام صادق علیه السلام در حدیث «مفضل» می‌فرمایند:

«همین گونه انسان اگر بیکار و فارغ باشد، به بیهودگی و سرمستی دچار می‌شود و بر اثر آن به مسائلی مبتلا می‌شود که زیان آن هم بر خود و هم بر نزدیکان او سنگینی خواهد کرد....».^۲

برنامه‌های ورزشی اسلام

- استفاده صحیح از اوقات فراغت:

از آنجا که یکی از علل عمدۀ انحراف جوانان، بیکاری است، لازم است اوقات فراغت به شکل مناسب استفاده گردد. اوقاتی که در دست انسان است و قرآن به ساعت و لحظه آن قسم یاد کرده است: «قسم به عصر که واقعاً انسان در معرض زیان است؛ مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده و به حق و صبر، یکدیگر را توصیه کرده‌اند». ^۳

توصیه‌های اسلامی در مورد استفاده از اوقات فراغت:

(الف) عبادت

بهترین اعمال در زمان فراغت عبادت و بندگی خداوند است. در قرآن کریم آمده است: «پس چون فراغت یافته، به طاعت در کوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور». ^۴

حضرت علی علیه السلام درباره فراغت اولیاء خدا می‌فرمایند:

«شب زنده‌داری با یاد خدا فرصتی است برای افراد سعادتمند و تفریح و آسایشی

۱. فرقان: ۲۸-۲۹.

۲. توحید المفضل؛ ص ۸۷

۳. عصر: ۱ - ۳.

۴. انتشار: ۷ - ۸.

است برای اولیای خدا».^۱

ب) تفکر

حضرت علی علیه السلام می‌گوید: «چقدر شایسته است که انسان در ساعاتی از زندگی خود از مشغولیت‌های زندگی چشم بپوشد و به حساب نفس خود برسد و در آنچه که در روز و شب خود به دست آورده و یا از کف داده، اندیشه کند».^۲

ج) کار

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «کار بزرگ‌ترین تفریح است و همراه با بیکاری، تمایل به خواسته‌های شیطانی حاصل می‌شود».^۳

د) سیر و سفر

سیر و سفر و گردش در زمین برای آشنایی با وضع گذشتگان، عوامل انحطاط جوامع و سقوط تمدن‌ها است و نتیجه آن دل‌هایی آگاه و بیدار و گوش‌هایی شنواست: «آیا مردم در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آنها بشنوند».^۴

امام رضا علیه السلام نیز در مورد سفر می‌فرمایند: «به گردش و سیاحت بپردازید؛ زیرا هرگاه آب جاری شود، مطبوع و دلنشیں می‌گردد و هرگاه در یک جا متوقف شود، به آسودگی می‌گراید».^۵

برخیز تاقرچ بستان کنیم و باع
چون دست می‌دهد نفسی نوبت فراغ (سعدي)

ه) انجام‌دادن کارها و حل مشکلات آینده

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زمان فراغت و آسایش خود را برای روزگار گرفتاری‌ات سرمایه و توشہ قرار ده».^۶

و) ورزش

ورزش در اسلام موجب نشاط و سلامتی بدن می‌شود امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی خود بکوشید».^۷

۱. غررالحكم؛ ح .۵۶۴۲

۲. همان؛ ح .۹۶۸۴

۳. همان؛ ح .۹۷۷۴۳

۴. حج: .۴۶

۵. بخار الانوار؛ ج ۱، ص .۱۱۴

۶. غررالحكم؛ ح .۲۲۸۰

۷. تحف العقول؛ ص .۲۲۹

*ورزش‌های توصیه شده در اسلام عبارتند از: تیراندازی، اسب‌سواری، شنا، شمشیر بازی و

احادیث ورزشی

تیراندازی

پیامبر خدا ﷺ چنین به تیراندازی توصیه فرمودند: «ای فرزندان اسماعیل! تیراندازی کنید که پدرتان تیرانداز بود». ^۱

شنا

رسول خدا ﷺ فرمودند: «بهترین سرگرمی برای مرد با ایمان، شنا و بهترین سرگرمی برای زن ایمان دار، ریستندگی است». ^۲

همچنین در روایت دیگری فرمودند: «حق فرزند بر عهده پدرش این است که به او آموزش نوشتن، شنا کردن، تیراندازی و را دهد». ^۳

شمشیر بازی

و در روایت دیگری می‌فرماید: «بهشت زیر سایه شمشیرهاست».^۴

اسب‌سواری

«هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب آماده کنید تا با آن تدارکات دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید». ^۵

پیامبر ﷺ نیز به اسب علاقه داشت، با انگشت خویش موی پیشانی اسب را می‌پیچید و صورت اسب خود را با عباری خویش پاک می‌کرد.

پیاده‌روی و دویدن

امام صادق علیه السلام فرمودند: «گروهی از مردم پیاده راه می‌رفتند، به پیامبر ﷺ رسیدند و از خستگی و درماندگی شکایت کردند. آن حضرت فرمودند: «بدوید تا خستگی از تنتان بیرون شود، آنها چنین کردند و خستگی‌شان برطرف شد، گویا از پاهایشان گشوده باشند». ^۶

۱. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱.

۲. میزان الحکمه؛ ح ۱۸۰۶۹.

۳. همان؛ ج ۱۰، ص ۷۲۰.

۴. ورزش در اسلام؛ ص ۱۳۷.

۵. انفال؛ ۶۰.

۶. ورزش در اسلام و ایران؛ ص ۵۴.

کوهنوردی

پیامبران خدا معمولاً انسی با کوه داشته‌اند و دامنه کوهی را یا غاری در کوه را برای مناجات انتخاب می‌کردند؛ آدم علیه السلام کوه سراندیب، نوح علیه السلام کوه آزارات، ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام کوه طور، عیسی علیه السلام کوه سعیر و پیامبر علیه السلام کوه نور را برای عبادت انتخاب نموده بودند.^۱

۱۷. تلاوت قرآن:

بی‌شک انس با قرآن، تلاوت، تدبیر و تفکر در مضامین آن شفای هر دردی است که به سرعت کار هر پریشانی را رو به سامان می‌برد و زخم‌های پنهان را التیام می‌دهد و همت را زیاد و بشر را از فرورفتگی در عالم حیوانات نجات می‌بخشد.

امیرمؤمنان علیهم السلام می‌فرمایند:

«قرآن را فرا گیرید؛ زیرا قرآن بهار دل‌هاست و از نور آن بر مرض‌ها و دردهای خود مرhem بگذارید؛ زیرا آن داروی شفابخش سینه‌هاست و آن را نیکو تلاوت کنید که به یقین سودمندترین سخن‌هاست».^۲

۱۸. حضور همراه با عفاف زنان در جامعه و تحریک‌نکردن دیگران:

اولاً: سزاوار است که تا حد امکان، دختران و زنان کمتر از منزل خارج شوند و حتی در عرصه عبادت نیز خانه محور باشند.^۳

ثانیاً: هنگام خروج از خانه به جای حرکت در میانه راه، از کنار راه و از سمت دیوار حرکت کنند. را رفتن در این موقعیت مکانی، مصونیت بیشتر برای آنها فراهم می‌سازد؛ برای زن سزاوار نیست از وسط راه حرکت کند، بلکه باید از کنار دیوار حرکت کند.^۴

در داستان حضرت موسی علیه السلام در مسیر منزل شعیب علیه السلام، از دختران شعیب خواست تا موقعیت خود را تغییر داده و پشت سر او حرکت نمایند و او را به سوی منزل راهنمایی کنند.^۵

۱۹. فرار از موقعیت گناه:

گاهی فرد ناخواسته در موقعیتی خطرناک و آسیب‌زا قرار می‌گیرد؛ بنابراین باقی ماندن در صحنه‌ای که زمینه‌ساز انحراف و یا آسیب‌پذیری است، باعث کاهش ایمنی اخلاقی فرد

۱. همان؛ ص ۵۴

۲. بخار الانوار؛ ج ۲، ص ۲۶

۳. وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۲۲۶

۴. بخار الانوار؛ ج ۱۳، ص ۴۴

۵. همان.

می شود؛ بر همین اساس هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام خود را در دام هولناک زلیخا گرفتار دید، افزون بر پناهبردن به خدای متعال، اقدام به فرار از موقعیت پیش آمده کرد؛ هر دو به جانب در شتافتند.^۱

تشخیص موقعیت خطر به عهده خود فرد است تا جایی که باید به محض احساس خطر از آن وضعیت فاصله بگیرد تا از آسیب‌های احتمالی در امان بماند.

ب) خانوادگی

۱. اصلاح روابط خانوادگی:

خانواده مهم‌ترین پناهگاه برای جوانان است.

* اولین قدم: شناخت حقوق فرزندان است و نحوه صحیح تربیت دینی و اخلاقی جوان.

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«از جمله حق فرزندت این است که تو مسئول ادب‌آموزی او هستی». ^۲

* دومین قدم: راهنمای او به شناخت صحیح از خداوند و یاری او در عبادت خدا.

«راهنمایی‌کننده او به پروردگارش باشی و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی و در بندگی پروردگار یاریش نمایی». ^۳

۲. شخصیت‌دادن به جوان:

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«فرزند خود را در هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و هفت سال او را با آداب و روش‌های مفید تربیت کن و در هفت سال سوم [دوران جوانی بین ۱۵ تا ۲۲ سالگی] مانند یک رفیق صمیمی مصاحب و ملازمش باش». ^۴

در این حدیث امام صادق علیه السلام احترام و اکرام نوجوانان و جوانان را با کلمه ملازمت با اولیاء بیان نموده‌اند. پدر و مادر تا قبل از بلوغ بر فرزندان خود حکومت می‌کنند؛ ولی از آغاز ۱۵ سالگی موظفند به شخصیت آنان احترام بگذارند و به جای فرمان‌دادن، رفیق صمیمی و مصاحب باصفای آنان باشند.

جوان و نوجوانی که مورد تکریم پدر و مادر است، در شورای خانواده شرکت می‌کند و به نظراتش ترتیب اثر داده می‌شود. جوانی که پدرش با وی مانند یک رفیق صمیمی

۱. یوسف: ۲۵

۲. رساله حقوق امام سجاد؛ حق فرزند.

۳. همان.

۴. مکارم الأخلاق؛ ص ۲۱۸

رفتار می‌کند و شخصیتش همواره گرامی شمرده می‌شود، کوشش می‌کند خود را به پستی آلوده نکند و رفتارش شایسته این تکریم باشد.

۳. جلوگیری از سرزنش بیجا:

گاهی اشتباهات جوان موجبات سرزنش او را فراهم می‌آورد؛ ولی افراط در سرزنش و سرزنش‌های بیجا آتش لجاجت و خصوصیت را در جوان شعله‌ور می‌سازد و او را از خانواده دور می‌نماید.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«زیاده‌روی در سرزنش؛ هر دم و ساعت فرزند خود را ملامت‌کردن، آتش لجاجت و سرکشی را در آنان شعله‌ور می‌سازد».^۱

۴. اسوه و الگو بودن پدر و مادر:

پدر و مادر باید الگوی مناسب برای فرزندان به ویژه جوانان خود باشند. وقتی والدین رفتار درستی نداشته باشند، نمی‌توان از جوانان انتظار رفتار مناسب را داشت. با این شرایط نقش والدین بسیار پررنگ است و بنابراین لازم است الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند که این الگودهی در سه بعد می‌باشد:

* دیداری؛

* گفتاری و شنیداری؛

* کرداری.

بنابراین فرزندان با دیدن ظاهر و نیز خصوصیات اخلاقی و باطنی والدین از آنها الگوگیری می‌کنند. همچنین با گفت و شنود و نیز مشاهده رفتار و کردار آنها مسائل تربیتی را دریافت می‌نمایند.^۲

۵. انتخاب دوستان مناسب برای جوان:

خانواده (پدر و مادر) نسبت به گزینش دوست برای فرزندانشان از همیازی دوران کودکی تا دوست دوران تحصیل (هم‌کلاسی) باید مراقبت ویژه داشته و در جاهایی که امکان انحراف هست، خود وارد عمل شده و فرزند خود را از دوست بد جدا نمایند؛ زیرا افراد تابع عقیده دوست خود هستند؛ پس مواظب باشید با چه کسی دوست می‌شوند. در همین باره امام سجاد علیه السلام فرمودند: «همنشینی با صالحین، انسان را به سوی

۱. غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۲۲۳.

۲. رادر؛ دین و اندیشه تبیان.

شایستگی می‌کشاند».۱

۶. تشویق جوانان به بهره‌برداری از دوران جوانی:

پدر و مادر باید جوانان را تشویق نموده تا از این دوره کمال استفاده را ببرند و به آنها گوشزد شود که دانشمندان بزرگ، بیشترین موفقیت خود را بهره‌گیری صحیح از دورانی خود می‌دانند.

پیامبر خدا^{صلی الله علیه و سلم} به اباذر فرمودند: «ای اباذر پنج چیز را پیش از پنج تا غنیمت شمر: جوانیت را پیش از پیری...».^۲

ج) اجتماعی:

نقش اجتماع در بالندگی یا انحطاط جوانان بسیار سنگین بوده و دارای اهمیت ویژه است؛ بنابراین حکومت اسلامی (دولت، مجلس و نهادهای اجتماعی) به طور نمونه وظایف ذیل را باید متعهد باشند:

۱. بستر سازی فرهنگی برای کنترل و تعدیل غریزه جنسی (به طور مثال: اهمیت حجاب، پوشش جوانان، روابط اجتماعی و...);
۲. اصلاح و برنامه‌ریزی صحیح برای مسائل جنسی در رسانه‌ها و مطبوعات (آموزش مسائل مبتلا به و خطرات گناهان جنسی);
۳. فراهم آوردن زمینه کار برای جوانان؛
۴. زمینه‌سازی برای تحصیلات عالیه جوانان؛
۵. بستر سازی برای ازدواج آسان؛
۶. جلوگیری از بدحجابی و بی‌بند و باری؛
۷. جلوگیری از ورود و پخش سی‌دی‌های غیر مجاز، آموزش صحیح استفاده از اینترنت و ماهواره و کنترل صحیح آن.

د) روش تربیتی خاص قرآن و اهل بیت^{علیهم السلام}

در منابع اسلامی برنامه‌های گوناگونی برای جلوگیری از نابهنجاری‌های جنسی مطرح شده است. در این نوشتار راهکارهای مختلف که در متون دینی به صورت پراکنده ارائه شده، در قالب پنج روش تربیتی معرفت‌انگیزی همراه با محبت، استعاذه، تغییر موقعیت و تحمیل به نفس مطرح می‌شود:

۱. بخارا(ابنوار؛ ص ۱۰۶).
۲. همان؛ ج ۷۴، ص ۷۲.

۱. روش تربیتی معرفت انگیزی همراه با محبت

پیامبر اکرم ﷺ و معصومین علیهم السلام روش‌های تربیتی را در اولین گام شروع می‌نمودند و این نشان می‌دهد که ایشان به هنگام هدایت‌گری جوانان و نجات ایشان از غوطه‌وری در منجلاب فساد، کلام معرفت‌انگیز خویش را با لطف و محبت می‌آمیختند و به همین دلیل حتی سرسرخ‌ترین جوانان در مقابل ایشان تسليم می‌شدند و به راه حق گام برمی‌داشتند.

۲. روش تربیتی پناه‌بردن به خدا و استعاذه

خداآوند متعال در قرآن به پیامبر خویش دستور می‌دهد در هنگام رویه‌رو شدن با وسوسه شیطان، خود را در پناه خداوند قرار ده و از این راه خود را از تأثیر وسوسه‌های شیطان، این‌منی بخش و چنانچه از سوی شیطان به تو وسوسه‌ای رسد، به خدا پناه ببر که او [به حقیقت] شنوا و دانا است.^۱

یکی از مؤثرترین وسوسه‌های شیطان که زمینه انحراف افراد را فراهم می‌سازد، وسوسه و تحریک در زمینه‌های جنسی است. قرآن کریم برای مقابله با این وسوسه بر روش استعاذه تأکید دارد، این تأثیر را در داستان یوسف علیهم السلام تأکید می‌فرماید.

داستان

هنگامی که وسوسه شیطان در مورد زلیخا کارگر افتاد و او به قصد کام‌جویی از آن حضرت، همه درهای خلوتگاه خود را بست و با آراستگی کامل در برابر یوسف علیهم السلام ظاهر شد. آن ولی خدا به پناهگاه خداوندی پناه برد و درها را [زلیخا] بست و گفت: بشتاب. یوسف گفت: به خدا پناه می‌برم^۲ و فرار نمود. از آنجایی که خداوند پاک، پاک‌سیرستان را دوست دارد؛ به اذن او درهای بسته گشوده شد و خداوند برای رفع اتهام از یوسف، بچه شیرخواره را نزد عزیز مصر به زبان آورد و او بر پاکی یوسف شهادت داد.^۳

۲. ازدواج

اصلی‌ترین مهارکننده غریزه جنسی و پاسخ طبیعی به آن است و از التهاب آن کاسته و قبل از آنکه انرژی انباشته آن از وجودش سرمازیر شود و دامنش را آلوده کرده و بسوزاند، آن را با پاسخ طبیعی و مشروع بی‌اضطراب و نگرانی فرو نشانده است و این نخستین توصیه دین در این مورد است که به طور مثال آیه و روایاتی در این باب آورده شده است

۱. اعراف: ۲۰۰.

۲. یوسف: ۲۳.

۳. ر.ک: تفسیر نمونه؛ ذیل آیه ۲۲ یوسف.

و آیه «و انکحوا الْيَامِی» یکی از آن آیات شریفه است که خدا می فرماید:
 * **وَ أَنْكِحُوا الْيَامِی مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ...**^۱.

پیام‌ها:

۱. خانواده و جامعه، مسئول ازدواج افراد بی همسر است: «و انکحوا»;
۲. ازدواج در اسلام، امری مقدس و مورد تأکید است: «و انکحوا»;
۳. تنها سفارش به ترک نگاه حرام کافی نیست، برای ازدواج جوانان باید اقدام کرد: «يَعْضُوا، يَغْضُضُنَ، انكحوا»;
۴. در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست: (زن، مرد، غلام و کنیز) «منکم، عباد کم، امائکم»؛
۵. فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. «ان يَكُونُوا فَقَارِءِ...»؛
۶. در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید: «يُغَنِّهمُ اللَّهُ»؛
۷. خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است: «يُغَنِّهمُ اللَّهُ».

روایت

رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «يَا مَعْشِرَ الشَّبَابِ؛ مِنْ اسْتِطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلِيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضَى لِلْبَصَرِ وَ أَحْسَنَ لِلْفَرْجِ»^۲: ای جمعیت جوانان هرکس از شما توانایی ازدواج دارد، ازدواج کند؛ زیرا آن بیشتر موجب محفوظماندن چشم و پاکدامنی می شود. بنابراین اگر برای کسی به هر دلیلی امکان ازدواج نباشد، چنین شخصی تحت هیچ عنوان مجاز نیست روی به گناه آورد؛ زیرا خطر گناه و آلوده دامنی بسیار فراتر از فشارها و رنج‌های بی همسری است و در صورت خوف و قوع در گناه، ازدواج به هر صورت ممکن واجب می شود و بنابراین چنین کسی یا باید خود را کنترل کند و دست به گناه نیالاید و یا مقدمات ازدواج خود را از هر راه ممکن فراهم آورد که در ادامه قرآن کریم می فرماید: «وَ لَيْسَتْعَفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا».^۳

و باید آن کسانی که ازدواج برایشان مقدور نیست، عفت بورزند.(این مسئله در باب قبلی به تفصیل توضیح داده شد).

دوره میان‌سالی:

-
۱. نور: .۳۲
 ۲. پیام پیامبر؛ ترجمه فارسی، ص ۸۷۱
 ۳. نور: .۳۳

درباره این دوره نیز مواظبت‌های ویژه را خود فرد باید داشته باشد، با توجه به اینکه غالباً افراد در این سن متأهل هستند، نابهنجاری‌های جنسی به صورت دیگری تبلور پیدا می‌کند:

۱. نابهنجاری‌های جنسی باقی‌مانده از دوران جوانی همچون استمناء؛

متأسفانه خودارضایی در میان مردان متأهل که اعتقادات قوی مذهبی ندارند، شایع است. این مسئله برای خانم‌ها بسیار ناراحت‌کننده و در واقع باعث کسر شأن آنهاست. به همین دلیل بسیاری از آقایان در صورت اقدام به خودارضایی، سعی می‌کنند این موضوع کاملاً از دید همسرشان پنهان بمانند. خودارضایی در آقایان متأهل سبب آسیب کانون خانواده شده و محبت زوجین را کم می‌کند.

وقتی مرد در دوران مجردی به عمل ناپسند خودارضایی عادت و در واقع اعتیاد پیدا می‌کند، از نظر روحی و روانی در دوران ازدواج نیز لذت خروج منی با خودارضایی برایش از رابطه سالم جنسی با همسر بیشتر است و همین مسئله سبب می‌شود زن این برداشت را داشته باشد که مرد توجه و علاقه‌ای به او ندارد و در نتیجه دلسربدی و حتی موجب از هم‌پاشیدگی کانون خانواده شود.

۲. ارضانشدن جنسی با همسر و هوس‌بازی‌های خطرناک جنسی (زنای محسنه، لواط، چشم‌چرانی و...).

راه درمان

۱. در شرایطی مناسب و به دور از تنفس در یک موقعیت روحی و عاطفی ایده‌آل زن با شوهر خود صحبت نموده و این مشکل را به او متذکر شود و از او بخواهد اگر مشکلی در همسر می‌بیند، مطرح کند تا وی آن مشکل را رفع نماید.

۲. شخص را متوجه قبح شدید عمل نموده و اینکه این عمل موجب غضب الهی است، به ویژه برای شخصی که متأهل است و راه درمان خودارضایی را دین ازدواج قرار داده است، از امام صادق علیه السلام روایت شده: «مردی که با خود بازی می‌کرد او را نزد امیر مؤمنان علیه السلام آوردند. حضرت به دست او تازیانه زدند، تا دستش سرخ شد و آن‌گاه از بیت‌المال برایش زن گرفتند».^۱ حال شخص بعد از تأهل هم بخواهد به همان عمل قبیح پردازد، قطعاً در مقابل خدا بهانه‌ای نخواهد داشت.

۳. قطعاً زن با آرامش و صبر و تأمل می‌تواند همسر خود را قانع کند که این عمل

۱. اصول کافی؛ ج ۷، ص ۲۶۵

سبب ضربه روحی برای همسر است. به او متذکر شود انجام این عمل در خلوت و پنهان سبب می‌شود محبت و عاطفه بین زوج کم شود و زندگی زیبای متأهلی تیره و تار گردد.
۴. مشورت با یک پزشک مشاور برای درمان آن؛ زیرا گاهی اختلال و بیماری در دستگاه تناسلی ممکن است منجر به این بیماری خطرناک شده باشد؛ زیرا در صورت تکرار موجب ضعف بینه و ضعیف شدن اسپرم مرد و تولد فرزندان ضعیف و بیمار و یا عقیم شدن شخص می‌گردد و باید دانست عموم ناراحتی‌های مربوط به دستگاه تناسلی از آثار زیان‌بار استمناء است.^۱

۵. دعا برای شخص گرفتار بسیار می‌تواند شخص را از این مسائل نجات دهد، از امام پنجم علی‌الله نقل شده است:

^۴«آن دعایی که سریع‌تر به اجابت می‌رسد، دعای مؤمن برای برادر مؤمنش است.».

۶. ترساندن شخص نسبت به آثار شوم بی‌بند و باری جنسی و یادآوری اینکه شخص متأهل چنانچه مرتکب زنا شود، زنای او محضنه و افزون بر حکم اعدام وزر و وبال قیامت را هم خواهد داشت؛ چنان‌که سید علی بن ابی طالب فرمودند:

زنا، شش پیامد دارد: سه در دنیا و سه در آخرت. سه پیامد دنیایی اش این است: آبرو را می‌برد، مرگ را شتاب می‌بخشد و روزی را می‌برد و سه پیامد آخرتی اش: سختی حساب رسپه، خشم خدای رحمان و ماندگاری در آتش است.^۳

سیام‌های درس؛

۱. آگاهی‌ها و آداب لازم به فرزند درباره چگونگی کنترل و ارضای درست غریزه حسنه و فاهمناوه، دن؛ منه‌های ازدواج موفق، و به هنگام ااتیت حسنه مه نامند.

۲. مهمترین وظیفه اخلاقی در مسائل جنسی سر و سامان بخشنیدن به روابط جنسی است.

۳. دین مبین اسلام سه برنامه برای تربیت جنسی دارد: آموزش مسائل تربیتی و بهداشت جنسی، آموزش مسائل اخلاق اسلامی و آموزش فرد بالغ.

۴. تربیت، کنترل و هدایت غریزه جنسی در دوره جوانی از مهم‌ترین مسائل این دوران است که باید حهانان، با آمده‌نشها اسلام داد. اب: حجهت باری، سیاند.

۵. برنامه‌های گوناگونی برای جلوگیری از نابهنجاری‌های جنسی در منابع اسلامی،
خط حشایح است، که در آن امکان‌نمایی و فناست.

۲. کافی؛ باب الدعا.

٣٢١: خصال؛ ص

۱۰۰

سؤالات درس

۱. تعریف اصطلاحی تربیت جنسی را بیان نمایید؟
۲. هدف از تربیت جنسی چیست؟
۳. دین مبین اسلام چند برنامه برای تربیت جنسی دارد؟
۴. اسلام برای جلوگیری از وقوع مشکلات جنسی جوانان، چه راههایی را پیشنهاد می‌کند؟
۵. روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی را بیان کنید؟

منابع بیشتر برای مطالعه

۱. خانواده و تربیت مهدوی؛ مرتضی آقا تهرانی.
۲. تربیت جنسی در اسلام؛ حافظ ثابت.
۳. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب؛ متفکر شهید استاد مطهری.
۴. خودسازی؛ آیت‌الله ابراهیم امینی.